فیلم و هنر

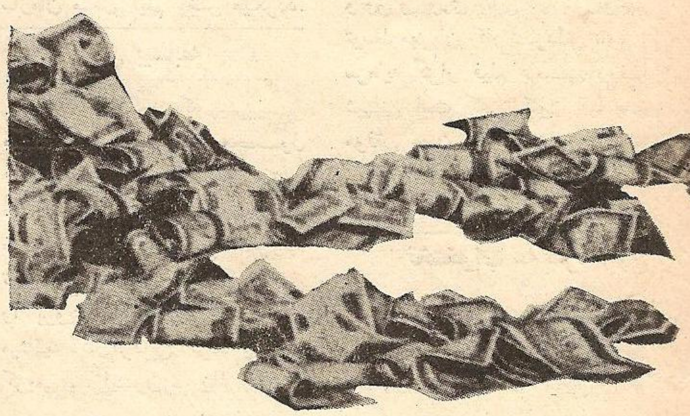
شماره ۲۹۷ ـ پنجشنبه دوم شهریور ماه ۱۳۵۱ ـ ۱۵ ریال



همراه با یک تابلوی زیبای ۴ رنگ از الهه سکس اروپا

مواجه با شکست میگردد بهمین لحاظ تهیه کننده ایرانی در عین حال که ازاین امرناراضی است مجبور است برای فروش فیلم خود دستمزدهـای گزافی ببازیگران معروف سینمای ایران بپردازد .

در ایران تاکنون بزرگترین رقم دستمزد را فردین برای بازی در فیلمها دریافت داشته است ، وی معمولا برای شرکت در هرفیلم سه میلیون ریال دستمزد و اخیرا نیز دومیلیون وپانصد هزار ریال دریافت میدارد . علت این دستمزد گزاف بدان جهت بود که در میان بازیگران ایرانی تنها فردین توانسته است رکوردار فیلمهای پرفروش سینمای ایران باشد و نود درصد فیلمهائی که وی بعد از گنج قارون درآنها بازی کرد در نمایش اول خود در تهران فروشی بالای ده میلیون ریال داشته است . محبوبیت وشهرت بیسابقه‌ای که فردین در سینمای ایران بدست آورد هنوز کسی بیاد ندارد و هم او بود که



باافزایش دستمزد خود سبب گردید که یکباره اجرت کار هنرپیشگان در فیلمها افزایش یابد ، اما با آنکه چند سالی است دستمزد فردین درهمان معیار ثابت مانده است ، معهذا هنوز بازیگری نتوانسته خود را ازاین نظر همپای او سازد .

بعد از فردین که اینك برای شرکت در هرفیلم ۲۵۰۰۰۰۰ ریال دستمزد دریافت میکند باید ازناصر ملك مطیعی نام ببریم . ناصر ملك مطیعی بازیگر محبوب و پرسابقه سینمای ایران که بعد از یك رکود درکار خود با قیصر و سپس طوقی درخشید یکباره توانست بصورت یك آکتور پولساز در اوج قرار گیرد ، بخصوص آنکه بعد ازنمایش غلامژاندارم ومهدی مشکی وموفقیت تجاری بزرگی که این دو فیلم بدست آوردند و کسب جایزه سپاس توانست از موقعیت مستحکم‌تری برخوردار شود و تمام فیلمهایش در ردیف آثار پرفروش قرارگیرد. وی اینك رقم دستمزد خود را به ۱۸۰۰۰۰۰ ریال رسانیده است و بعید نیست که بعد از توفیق فیلم‌های مرد و گروهبان که امید بسیاری برای آنها دارد آنرا بمرز ۲۰۰۰۰۰۰ برساند .

بهروز وثوقی از این نظر اینك درمرحله سوم قرار دارد. وی ازمحبوبیت هنری خاصی برخوردار است و راه بخصوصی که در سینما برای خود پیش گرفته است باعث شده که بتواند در ردیف هنرمندان پولساز و محبوب قرار گیرد . وی میکوشد که کمتر در آثار معمولی شرکت کند و اکثرا در فیلمهای کارگردانان جوان و صاحب نامی شرکت میکند . بهروز که درکار فستیوالها توفیق کاملی بدست آورده است و مرد جایزه‌ها لقب گرفته است اینك دستمزد خود را درمرز ۱۵۰۰۰۰۰ ریال ثابت نگاهداشته . میکوشد که کمتر کار کند اما کارش بهتر و بالاتر باشد .

بعد از بهروز از فروزان باید نام برد . باآنکه سینمای ایران بقولی سینمای مردانه است وکمتر بهنرپیشه زن توجه میشود ، معهذا فروزان درمیان همه ستارگان زن سینمای ایران یك استثناء است . او خود بتنهائی میتواند که بعنوان یك هنرپیشه پولساز در یك فیلم جلوه‌و خودنمائی کند و توفیق اخیر فیلمهای او نیز این مسئله را ثابت کرده‌است . وی بعد از آنکه یکی دوسالی دستمزد خود را در مرز ۱۲۰۰۰۰۰ ریال نگاهداشته بود بخاطر توفیق تجاری فیلمهای اخیرش و بخصوص برای اینکه در فیلمهای کمتری ظاهر گردد ، رقم دستمزد خود را به ۱۵۰۰۰۰۰ ریال رسانده است ومصمم است ازاین پس با دریافت چنین رقمی بازیگر فیلمهای ایرانی شود.

نصرت کریمی بازیگری که دراولین فیلمش ۲۵۰۰۰۰ ریال ودر دومین فیلمش هشتصد هزار و در سومین فیلمش یك میلیون ریال دریافت نموده است . اینك برای شرکت در فیلمهای تازه‌ای که باو پیشنهاد می‌شود ، ۱۳۰۰۰۰۰ ریال دستمزد میخواهد که البته در صورتیکه خودکارگردان وسناریست فیلم باشد این رقم به ۲۵۰۰۰۰۰ ریال میرسد .

بیك ایمانوردی هنرپیشه فعال و پرکار سینمای ایران گویا چندان علاقه‌ای بافزایش دستمزد ندارد و باآنکه درسال پرکارترین هنرپیشه است وفیلمهای موفقی‌دارد رقم دستمزد خود ۱۲۰۰۰۰۰ ریال ثابت نگاهداشته زیرا معتقد است بازی درفیلم بیشتر ، کمبود دستمزد راجبران میکند .

ارحام صدر کمدین معروف که ناگهان باشرکت در فیلم‌شوهر پاستوریزه توجه همه را بخودجلب کرد و فیلمسازان متوجه او شدند یکباره درعرض چند فیلم رقم دستمزد خود را از پانصد هزار ریال به ۱۱۰۰۰۰۰ ریال رسانده است و عجیب آنکه پیشنهادات زیادی را برای بازی در فیلم هر ماهه دریافت میکند .

پس ازاین عده نصرت‌الله وحدت کمدین معروف ایران قرار دارد . وحدت از محبوبیت خاصی برخوردار است و سعی میکند کمتر در فیلمهای دیگران ظاهر شود زیرا خود تهیه کننده آثاری است که بازی میکند . معهذا بخاطر بازی درفیلمهای‌دیگران ۱۰۰۰۰۰۰ ریال دستمزد میگیرد.

پرویز صیاد و آغاسی نیز در این ردیف قرار دارند . البته این دو نفر چون برای فیلمسازان دیگری بازی نکرده‌اند رقم واقعی دستمزدشان مشخص نیست ولی صیاد که‌خود تهیه کننده‌فیلمهایش است یـك میلیون ریـال دستمزد منظور میکند و آغاسی نیز برای شرکت در سه فیلم سه میلیون‌ریال قرارداد منعقد ساخته است .

«همایون» کمدین سنگین‌وزن ایرانی‌که کار خوب او را درتپلی دیده‌ایم برای بـازی در هرفیلم ۸۰۰۰۰۰ ریال دستمزد میخواهد و آرمان که‌اینك کمتر بکاربازیگری می‌پردازد دستمزدش ۶۰۰۰۰۰ ریال جهت بازی در هرفیلم است . بعداز آرمان نیز پوری بنائی است کـه بخاطر شرکت درهرفیلم بین پانصد تاششصد هزارریال دستمزد میگیرد.

رقم ۵۰۰۰۰۰ ریال را دراین میان منوچهر وثوق هنرپیشه‌پرکار ومستعد ایرانی بخود اختصاص‌داده است . وی بطور متوسط در سال بین شش تاده فیلم بازی میکند و ازاین جهت یکی از پرکارترین هنرمندان سینمای ایران است پس ازاو علی نصیریان ــ عزت‌الله انتظامی و ایرن و زری خوشکام قراردارند که معمولا برای بازی در هرفیلم چهارصد هزار ریال از تهیه کننده میگیرند . نیلوفر، بهمن مفید ــ میری ــ مشایخی و خوروش هنرپیشگانی هستند کـه برای شرکت درهرفیلم ۳۰۰۰۰۰ ریال دریافت می‌کنند ، سعیدراد، سپهرنیا ــ فاضلی ــ گرشا ــ متوسلانی و شهین رقم دستمزد ۲۵۰۰۰۰ ریال را بخود اختصاص داده‌اند و بعد از این گروه‌مرجان ــ تقی مختار ــ عقیلی ــ لی‌لی ــ بوتیمار ــ ارغوان ــ نوری‌کسرائی ثریا بهشتی قراردارند که۲۰۰۰۰۰ ریال‌برای‌بازی درهرفیلم‌میخواهند ودیگر بازیگران سینمای ایران دستمزدشان مابین یکصد تا دویست هزار ریال درنوسان است .

البته هستند هنرپیشگان‌دیگری که رقم دستمزدشان بطور دقیق معلوم نیست زیرا خود سازنده فیلمهای خویش هستند مانند محمد علی جعفری ــ منوچهرصادقپور ــ فریده‌نصیری وگروهی دیگر کـه بطور دقیق‌دستمزد مشخصی‌ندارند.

با آنکه پرداخت چنین دستمزدهائی که بیشتر برقص ارقام شبیه است برای تهیه‌کنندگان گران می‌آید و تاکنون‌بارها کوشیده‌اند ودر اینمورد اقداماتی نمایند،معهذا کارشان بجائی نرسیده است و همچنان بازیگران فیلمها مـی ــ کوشند که رقم خود را افـزایش دهند زیرا معتقدند که تـا برای تهیه کننده صرف نکند حـاضـر نمی‌شود چنین پولهائی را بپرداخت کند ، اما آیا واقعا این مسئله در مورد تهیه‌کنندگان صادق است ؟ این مسئله‌ای است که آینده جواب خواهد داد .

رویدادها

بهروز و فروزان درکنار هم

● مقدمات تهیه فیلم تازه‌ای در استودیو میثاقیه آماده می‌شود بنام خوشگذران که بازیگر نقش‌های نخست آن بهروز وثوقی و فروزان خواهند بود . این فیلم که دارای سوژه‌ای بسیار بکر و **تازه است توسط بهرام ری پور قرار** است‌در آبانماه جلوی‌دوربین رود . هنوز سایر هنرپیشگان فیلم دقیقا مشخص نشده‌اند .

بلوچ آزاد شد

● فیلم بلوچ که در شماره قبل نوشتیم قرار است پس ازتغییر تام پروانه نمایشش صادر گردد . دراین هفته پروانه نمایشش بهمان نام بلوچ صادر شد و قرار است‌از پانزدهم شهریور ماه در تهران‌طی مراسمی بنمایش درآید . در بلوچ بهروز وثوقی - ایرن - شهرزاد - جلال - منوچهر فرید شرکت‌دارند وفیلم توسط مسعود کیمیائی کارگردانی شده است .

خیلی پرروئی

● در استودیو پارس فیلم مقدمات تهیه فیلمی با عنوان خیلی پرروئی فراهم میگردد که دارای سوژه‌ای کمدی است . هنوز کارگردان و هنرپیشگان این فیلم بطور دقیق مشخص نگردیده‌اند . درپارس فیلم در حال حاضر هشت فیلم جلوی دوربین و آماده نمایش است .

از منار جمجم چه‌خبر

● فیلم منار جمجم که خبر آنرا در شماره قبل خواندید اطلاع یافتیم که باسرمایه شرکت سینما تآتر رکس توسط امیر شروان کارگردانی خواهد شد. در این فیلم ارحام صدر و فروزان قرار است ایفای نقش نمایند .

بازگشت

● هفته گذشته اکیپ فنی و هنرمندان فیلم خورشید مرداب اولین محصول سازمان نگاه که توسط م . صفار کارگردانی شده است پس از اتمام کلیه امور فیلم‌برداری آن بتهران بازگشتند و اینك علیرضا زرین دست مشغول مونتاژ آن است. در خورشید در مرداب سعیدراد - خوروش - کشاورز - روشن ضمیر و مستانه جزایری شرکت دارند و فیلم‌توسط سازمان مشعل فیلم پخش میگردد.

توفیق بیسابقه

● همانگونه که پیش‌بینی میشد فیلم حکیم باشی محصول جدید استودیو میثاقیه در هفته اول نمایش با توفیق بیسابقه‌ای مواجه گردید و رکورد فروش تازه‌ای بدست آورد . حکیم باشی را پرویز نوری برای استودیو میثاقیه کارگردانی کرده ونصرت کریمی - ایرن - والی‌زاده - دیانا - شفیع - تجدد - مفیدی - پریسا و دلارام درآن‌شرکت‌داشتند. باحتمال زیاد این فیلم یکی از پر فروشترین محصولات سال جاری سینمای ایران خواهد بود .

کوپه

● محمد شاه‌رکنی فیلمی را بعنوان تز سال آخر خود برای مدرسه عالی تلویزیون و سینما کارگردانی نموده است که درآن فیروزه خطیبی و رامین صدیقیانی بازیگر نقشهای نخست فیلم هستند. **این فیلم توسط بهروز فیلم‌برداری شده است** . در حال حاضر ۸فیلم‌دیگر درمدرسه عالی‌تلویزیون وسینما در دست تهیه است .

پوری بنائی در عاصی

● پوری‌بنائی بعنوان‌هنرپیشه زن فیلم عاصی که در تینا فیلم ساخته می‌شود انتخاب گردید . این فیلم قرار است در آبان ماه با شرکت ناصر ملك‌مطیعی - منوچهر وثوق و پوری بنائی در بندربوشهر توسط مهربان کارگردانی شود . سرمایه گزار فیلم عاصی رضا شیبانی است که تاکنون فیلمهای موفقی چون غلام ژاندارم -غریبه - راز درخت سنجد و گروهبان‌را تهیه کرده است .

تختخواب سه نفره‌شروع نشد

● با آنکه قرار بود هفته قبل محصول جدید آس فیلم

● پوری‌بنائی - مرتضی عقیلی و شیراندامی در صحنه‌ای ازفیلم «تنها آقای محله» که ممکن‌است «مرد هفت گذر» نامیده شود. این فیلم را «زرندی» تهیه می‌کند .



● ذکریا هاشمی - ایرن و هومن «چهره جدید خردسال» در صحنه‌ای ازفیلم «هومان» از«ربرت اکهارت» - این دومین‌باریست‌که «ایرن» و «هاشمی» با یکدیگر همبازی میشوند .



تختخواب سه نفره فیلمبرداریش آغاز شود معهذا بعلت اشکالی که درکار سناریو آن پدید آمده بود، شروع نشد و احتمالا این فیلم در اوائل هفته جدید فیلمبرداریش آغاز میگردد . نصرت کریمی که سناریست ـ کارگردان و بازیگر فیلم مزبور است ، برای این فیلم هنرمندانی چون ایرن ـ دیانا ـ شهرزاد ـ توران مهرزاد و جهانگیر پارسا خو را برگزیده است .

بابا نان داد روی اکران

● سومین فیلم امان منطقی که بابا نان داد نامدارد از هفته آینده بنمایش درخواهد آمد . در این فیلم که توسط محمود کوشان فیلمبرداری شده است بیك ایمانوردی ـ سهیلا ـ سپیده ـ جمشید مهرداد وکودك خردسال ساسان شرکت دارند و بیك ایمانوردی با همان تیپ مختص خودش در فیلم ظاهر شده است . درحال حاضر امان منطقی آخرین مراحل فیلمبرداری فیلم آبنبات چوبی را انجام میدهد وپس ازآن قرار است فیلم سرجوخه جبار راکه یك اثر قهرمانی است دراین استودیو کارگردانی کند .

حسن سیاه و عید فطر

● با آنکه قرار بود فیلم حسن سیاه که توسط پرویز اصانلو درسازمان پیام کارگردانی شده است درواخر شهریور ماه بنمایش درآید ، بخاطر نمایش فیلم حکیم باشی بعهده تعویق افتاد واحتمالا گروه نیاگارا آنرا برای برنامه عید فطر خود انتخاب خواهد کرد .

در حسن سیاه نصرت کریمی ـ فخری خوروش ـ مهناز ـ رضا کرم‌رضائی ـ اردوان مفید ـ مفیدی بازی دارند .

استودیو میثاقیه و چهار فیلم

● با نمایش فیلم حکیم‌باشی یکی از چهار فیلم آماده نمایش استودیو میثاقیه ، قراراست سه‌فیلم دیگر این استودیو بلوچ ـ صادق کرده و پستچی تا اواسط مهرماه بتدریج بنمایش درآید . بدین ترتیب بانمایش فیلمهای فوق از استودیو میثاقیه تنها فیلم فرزند شمشیر که بطور مشترك با ترکیه ساخته شده است باقی می‌ماند که

تاپایان امسال آنهم بنمایش در- خواهدآمد .

مردان ، فیلم تازه‌ی صابر رهبر

● بانمایش فیلم ظفرآخرین ساخته صابر رهبر ، اینك وی مقدمات تهیه فیلم بعدی خود را آماده میکند . وی معمولا برای انتخاب و تدارك داستان فیلم‌خود حدود شش ماه فعالیت میکندوسپس اقدام بتهیه فیلم مینماید . فیلم تازه صابر رهبر «مردان» که هنوز هنرپیشگانش تعیین نشده است وسیله خودش کارگردانی خواهد شد . فیلم آخر صابر رهبر «ظفر» که‌اکنون روی پرده است ، با موفقیت مواجه گردیده است .

تنها آقای محله

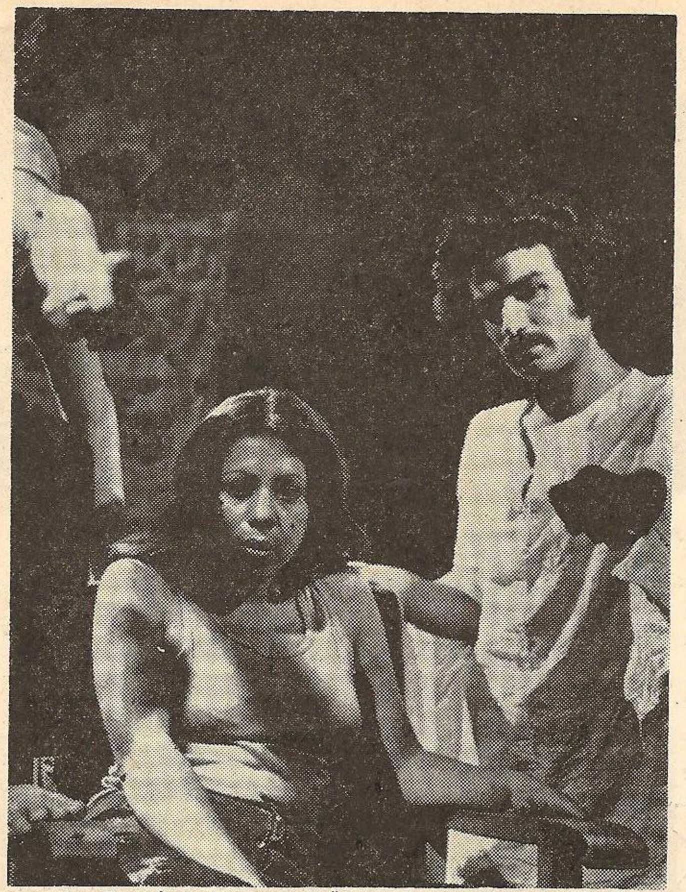
● تاکنون سی دقیقه ازفیلم «تنها آقای محله» که توسط محمد علی زرندی (آرش) تهیه و «اسماعیلی» کارگردانی میشود ، فیلمبرداری شده است. دراین فیلم که ممکن است **«مرد هفت گذر» نیز نامیده شود «پوری بنائی ، مرتضی عقیلی ، شیراندامی و محمد علی زرندی» نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند ، سناریست این فیلم «رضا عقیلی» است.**

بولوار بجای کاپری

● بعداز «حکیم‌باشی» گروه سینماهای «کاپری، اروپا، نیاگارا میامی و...» فیلم «بلوچ» آخرین ساخته‌ی «مسعود کیمیائی» را نمایش خواهد داد و پس از نمایش این فیلم «سینماکاپری» از گروه خارج شده و به تنهائی اقدام به نمایش آثاربرتر سینمای ایران خواهد کردکه‌اولین‌فیلم وی‌دراین جهت فیلم «پستچی» اثر «داریوش مهرجوئی» خواهدبود وبقراراطلاع **با خارج شدن «کاپری» از گروه، سینما «بولوار» جای این سینما را در گروه خواهد گرفت.**

جشنواره بین‌المللی فیلم های آموزشی

● جشنواره بین‌المللی فیلم های آموزشی از روز سی ویکم مرداد با حضور وزیر آموزش و پرورش افتتاح خواهد شد وسپس از اول تا دهم شهریور در تالار نمایش وزارت‌فرهنگ وهنرفستیوال ادامه خواهد یافت.

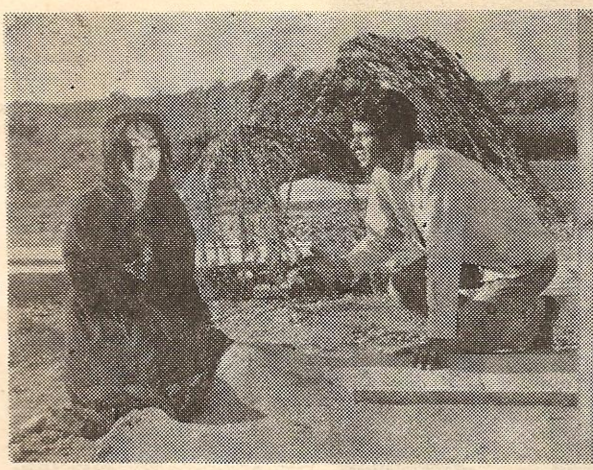
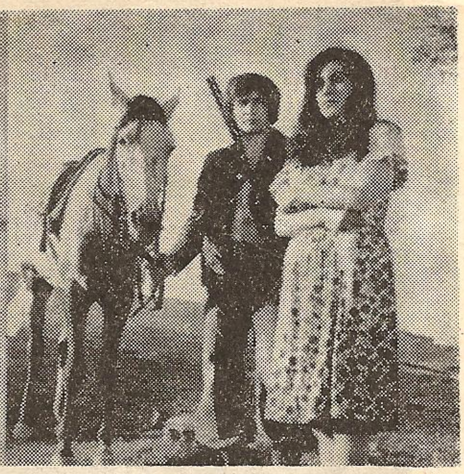


● فیروزه خطیبی و رامین صدقیانی درصحنه‌ای‌از فیلم «کوبه» که وسیله «محمدشاه رکنی» در تلویزیون ساخته شده است .

***

● رضا بیك‌ایمانوردی و چهره تازه خردسال «ساسان» در صحنه‌ای ازفیلم «بابا نان داد» ـ این سومین فیلمی است‌که از «امان منطقی» نمایش داده میشود .



● رضا بیك‌ایمانوردی ــ منوچهر والی‌زاده ــ سیمین‌غفاری در دو صحنه از فیلم «حریص»

تصادف با نقشه

● «فریدون فروغی» خواننده ترانه‌های فیلم «آدمك» و زندون دل و غم تنهائی اسیرت میکنه» پنجشنبه شب هفته گذشته به هنگام بازگشت از شمیران ، به شدت ابتدا بابك سواری و بعد با درخت حاشیه خیابان تصادف کرد و شدیدا مجروح گردید.

«فریدون فروغی» دراین‌باره می‌گوید، علت تصادف ، ویراژهای بیدلیل و فراوان سرنشینان یك اتومبیل در کنار اتومبیل او بوده که سرانجام سبب شده است که او نتواند اتومبیلش را کنترل کند.

«فریدون» همچنین معتقد بود که این تصادف بانقشه صورت‌گرفته و این نقشه از جانب دشمنان و مخالفین او صورت گرفته است.

ذکریا هاشمی و بیضائی

● «بهرام بیضائی» (سازنده فیلم رگبار) هم‌اکنون آخرین مراحل مقدمات تهیه فیلمش را فراهم می‌کند و تا اواسط شهریور فیلمش را جلوی دوربین خواهد برد.

در فیلم «غریبه ومه» ــ دومین فیلم طویل «بیضائی» ، «ذکریا هاشمی و منوچهر فرید» نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند.

تقوائی و دو فیلم

● «ناصر تقوائی» که هنوز هیچیك ازدوفیلم طویل‌او «آرامش درحضور دیگران» و «صادق‌کرده» به نمایش در نیامده است ، وی در حال حاضر مشغول‌تنظیم دوسناریوی جداگانه است که قرار است برای «استودیو میثاقیه» و «شرکت سینما تئاتر رکس» بسازد .

ضبط آهنگهای تختخواب ...

درحال حاضر در استودیو فیلمکار مشغول ضبط آهنگهای‌فیلم «تختخواب سه‌نفره» می‌باشند که «نصرت کریمی»خود اجرا می‌کند.

در «تختخواب سه‌نفره» نصرت کریمی ، ایرن ، توران مهرزاد و شهرزاد نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند . که درصورت رفع‌اشکال سناریو ، فیلمبرداری آن از هفته آینده شروع میشود .

همه بازیگران «خروس» ...

● فیلمبرداری فیلم «خروس» به اواخر شهریور موکول شد، در این فیلم که بطریقه رنگی فیلم‌برداری خواهد شد «ایرن، داود رشیدی، فریده صادقیان، اردوان مفید، منوچهر احمدی» شرکت دارند، «خروس» را «شاپورقریب» کارگردانی و «کنی» فیلمبرداری خواهد کرد.

موهان در شمال .

● هفته آینده اکیپ هنرمندان فیلم «موهان» برای فیلمبرداری صحنه‌های نهائی فیلم به شمال سفر خواهند کرد دراین فیلم «ذکریا هاشمی، ایرن، مرتضی عقیلی، چهره

خردسال : هومن ، کهنموئی و جلال» شرکت دارند.

کارگردانی فیلم به عهده «ربرت اکهارت» و فیلمبرداری‌آن را «جمشید الوندی» انجام می‌دهد.

فیلم محصول سازمان سینمائی سپنتا» می‌باشد.

فیلمبرداری تمام

● فیلمبرداری کلیه صحنه های فیلم «پاپوش» بپایان رسید، دراین فیلم که‌وسیله «اسکار فیلم» تهیه میشود اینها بازی دارند : «رضابیك ایمانوردی ــ مرتضی عقیلی ــ شیراندامی ــ فرشید فرزان ــ فرنکیس فروهر ــ نوتی وهاله».

فیلم «پاپوش» را «اسماعیل پورسعید» کارگردانی کرده است.

نیمی از باجناق

● نیمی از فیلم «باجناق» محصول «سازمان سینمائی سپنتا» توسط «قاسمی‌وند» فیلمبرداری و کارگردانی شده است. دراین فیلم که توسط «منوچهر طایفه» تهیه میشود اینها بازی دارند.

سیروس افهمی، منوچهر طایفه لیدا دانشور ، آقاجانی، نادره ، دلیله و نسترن».

شریه هفتگی
فیلم وهنر
صاحب امتیاز و مدیر :
عبدالمجید رمضانی
آدرس اداره : ابتدای روزولت شماره ۳ ــ آپارتمان شماره ۱۰
«صندوق ۱۹۴۷»
تلفن امور اداری
۸۳۹۹۷۱
تلفن هیئت تحریریه
۸۳۲۶۳۵
چاپ از : سکه
تلفن ۳۱۳۹۳۴
گراور از : جواهری
تلفن ۳۱۴۲۱۱
روی جلد : شهین
تابلوی وسط : لیزا مارتین
الهه سکس اروپا

فعالیت تازه در استودیو آر . بی

● بطوریکه اطلاع حاصل شده اخیرا رضا بیك ایمانوردی مدیر عامل استودیو آر . بی طبق مذاکراتیکه بانماینده یکی از کمپانیهای انگلستان بعمل آورده است در نظر دارد جدیدترین و کاملترین دستگاههای صدابرداری وچاپ و لابراتوار را جهت استودیو آر . بی توسط ناصر رفعت خریداری نماید . ضمنا بیك ایمانوردی در نظردارد چند فیلم خوب ایتالیائی وفرانسوی را نیز دوبله و توسط پخش فیلم آر . بی بهمراه فیلمهای موجود زیرنظر «رضا کریمی» توزیع نماید .

در حال حاضر استودیوآر.بی فیلم صیغه راآماده نمایش نموده وفیلمهای دردست تهیه این استودیو کماندو ـ محبوب بچه‌ها و فیلم عظیم خورشید بانو می‌باشد .

امیر شروان و دو فیلم پیاپی

● «امیرشروان» دو فیلم پیاپی در شرکت سینما تآتر رکس جلوی دوربین خواهد برد در نخستین فیلم وی که در خبری جداگانه نقل کرده‌ایم «فروزان و ارحام صدر بازی دارند و در فیلم دوم که در آبانماه جلوی دوربین خواهد رفت «ناصر ملك مطیعی» نقش اصلی را بازی می‌کند، فیلم دوم «شروان» ناخدا نام دارد.

ازدواج و جدائی ؟!

● مازیار بازیاران، دوبلور معروف که چندی پیش طی خبری اعلام شده بود که وی از همسرش «می‌می» (بازیگر سریال آدم و حوا) جدا شده است، در هفته گذشته اطلاع داد که وی گرچه با «می‌می» دوست بوده ولی هرگز باوی ازدواج نکرده است که از او جدا شود و سپس توضیح داد که وی چندین سال پیش ازدواج کرده واز آن ازدواج که دوامش سه سال بود نیز دو فرزند دارد و پس از آن هیچگاه ازدواج نکرده است.

پایان راه «حریص»

● آخرین صحنه‌های فیلم «حریص» که‌توسط «شکراله‌رفیعی» تهیه و فیلمبرداری میشود، دراین هفته فیلمبرداری شد، این فیلم که توزیعش بعهده «شرکت سینما تئاتر رکس» می‌باشدتوسط «ایرج‌رضائی» کارگردانی شده ودرآن «رضا بیك ایمانوردی، سیمین غفاری، مرسده کامیاب، امینی‌زاده ، مهری ، فرشته، شهناز و رمضانی‌فر» شرکت دارند.

ایرج رستمی وسریال تلویزیونی

● «ایرج رستمی» که مدتی است در آمریکا بسرمی‌برد ، مذاکراتی با «رضا بدیعی» کارگردان ایرانی‌الاصل فیلمهای تلویزیونی آمریکا (که تاکنون سه فیلم از سری «بالاتر از خطر» را از او در تلویزیون ملی ایران دیده‌ایم) بعمل آورده و به‌توافق هائی نیز رسیده‌اند وبزودی «ایرج رستمی» در یکی از سریالهای آمریکائی ظاهر خواهد شد.

چشمه در جشن هنر شیراز

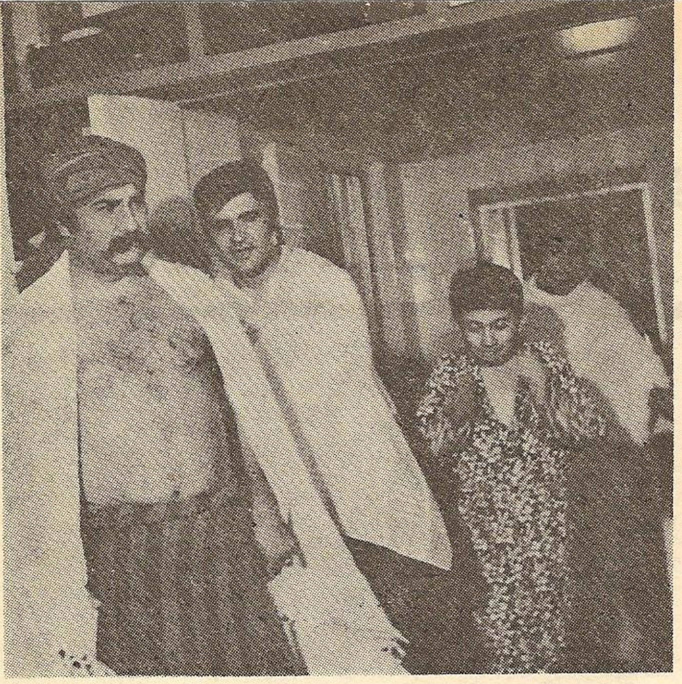
● بقرار اطلاع فیلم «چشمه» نخستین فیلم‌طویل «آربی‌آوانسیان» که در نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم تهران نمایش داده شد، در ششمین جشن هنر شیراز به نمایش درخواهد آمد این فیلم در ضمن جزو برنامه‌های جاری «سینما کاپری» می‌باشد.

در «چشمه» که توسط «نعمت حقیقی» فیلمبرداری شده است «آرمان، مهتاج نجومی ، جمشید مشایخی، پروانه‌معصومی» وگروهی دیگر شرکت دارند.

فیلم دوم کامران قدکچیان

● «کامران قدکچیان» که اخیرا از وی «ساحره» نمایش‌داده شد، مقدمات تهیه دومین فیلم‌خود را تحت عنوان «رضا توپچی» فراهم می‌آورد ، قبلا قرار بوداین فیلم را «فریدون ژورك» برای «فردوسی فیلم» بسازد.

در فیلم «رضا توپچی» قرار است «رضا بیك ایمانوردی و فروزان» نقش‌های اصلی را بازی کنند.



● سیروس افهمی ، منوچهر طایفه ، امیررضائی و آقاجانی در صحنه‌ای از فیلم «باجناق»



● تقی مختار و وجستا در صحنه‌ای از فیلم «بدکاران» که اکنون آماده نمایش شده‌است .

● «نصرت کریمی» درصحنه ای از فیلم «حسن‌سیاه»



کارگاه شادمانی
با شرکت تضامنی آپاراتچی وبرادران

بخش پیش گفتار

● باتائیدات نسبی و «باقید احتیاط» مقام‌منیع حضرت‌سردبیری ازاین هفته کارگاه خود رامی‌ــ گشائیم بااین هدف که از لابلای اخبار و گزارشات و رویداد های جاریه به حقایق امور برسیم‌وبرای این منظور تعدادی مامور از نوع «نمره»دار ــ برای رد گم کردن تعدادی هم بی«نمره» را بکار گمارده‌ایم . امید است که‌اصالت وصداقت راستین کار آنها مورد توجه شما قرار گیرد واز گزندو کسالت بزرگان هنر محفوظ بماند.

بخش ناموس وخانواده

قضیه خیانت وپدر نیلوفر!



● مصاحبه داغ و هنری اخیر خانم «افسر خلیلی» (مامان نیلوفر) سخت جامعه هنر راتکان داد و در تعجب و حیرت زاید‌الوصفی فرو برد و خیلی زود نگرانی عظیم وسنگینی بر ارکان هنر و متعلقات آن فرو افتاد که واقعیت امر واقعا چگونه بوده است ؟ آیا نیلوفر در نوجوانی کلفت بوده ؟ ویا خانم «خلیلی» به آقای خود خیانت میکرده یا نه ؟ برای حصول واقعیتهای امر کارگاه «آپاراتچی» خود را که او نیز ازجمله طرفداران و خواستاران چشم وگوش بسته‌ی خانم «نیلوفر» میباشد و با خواندن این مصاحبه داشت اعتقاد خود را نسبت باین ستاره ازدست میداد ، مامور نمود تامصاحبه‌ای با «نیلوفر» انجام دهد واو بامقداری یادداشت‌ازمجله جوانان باین شرح‌که :

افسر خلیلی ــ ای کاش نیلوفر دختر من نبود ، من او را ازهیچ نیلوفر کردم ، برایش‌زحمت کشیدم تا ستاره سینما شد ــ چون نیلوفر بزرگترین دختر من بود قرار شد که کار کند و به عنوان «کلفت» در خانه آقای رحیمیان استخدام شد و حقوق میگرفت !

رحیمیان: من‌مجردم، نیلوفر از دوازده سالگی کلفت منزل من بود !

افسر خلیلی : آقای‌رحیمیان هیچوقت خواستگار دختر من‌نبوده!

رحیمیان : شب قبل‌از حادثه «خانم» با «دختر» بزرگش‌میهمان من بودند !

ــ روانه دولتسرای خانم نیلوفر شد و هنگامی که از این ماموریت خطیر برگشت حالتی‌بشاش وهیجان‌زده داشت وقتی علت را پرس‌وجو شدیم او یادداشتهای‌خود راروی میز کوبید و گفت :

ــ بفرمائید نگفتم همش تبلیغاته !

و اما مصاحبه کاملااختصاصی ما :

ــ خانم نیلوفر ، آیا واقع می‌فرمائید که مامانتان به‌آقاجانتان خیانت میکرده ؟

نیلوفر : راستش را بخواهی نه ، تمام این جریانات يك‌كلك تبلیغاتیه که مامانم جور کرده ، اما حقیقت امر اینه که پدرم همیشه به‌مامانم خیانت میکرد و دائم سربسر کلفت خونه‌مون میذاشت حتی دوتا پسرهم برای اون‌بیچاره درست کرده بود .

ــ عجب ، پس شما کلفت‌هم داشتید ؟ پس چرا شما در منزل جناب آقای رحیمیان استخدام‌شده بودید ؟

نیلوفر : منو و کلفتی، توهم باور کردی فلانی ، اینم از اون حرفهاست .

ــ چکنیم ! این روزها مردم قورباغه رنك شده را جای‌فولکس می‌فروشند .

بخش نبردهای هنری

هنرمندانی که تهدید بمرك شده‌اند

● پنجشنبه هفته قبل روزنامه اطلاعات خبرداد که «نصرت کریمی» هنرپیشه‌فیلم «حکیم‌باشی» راعده‌ای ازرمالها ودعانویس‌ــ های تهران بمرك تهدید کرده‌اند این خبر بظاهر ساده نموداری است ازدرجه فداکاری و ازجان‌گذشتگی هنرمندان ما در راه اعتلای هنر و این اولین‌باری نیست که این هنرمند گرامی تهدید به مرك می‌ــ شود چه با فیلم اولش مورد خشم درشکه‌چی‌های تهران و. با فیلم دومش مورد قهر و غضب وتهدید محلل‌های تهران و قم و اصفهان قرارگرفت و تهدید بمرك شد بطوریکه تامدتها با گریم و قیافه عوضی ازمنزل خارج میشد .

● کارگاه ما تصمیم داشت با کمك یکی از جیمزباندی‌های‌خود وسیله محافظت ایشان را فراهم نماید اما خیلی زود معلوم شد که این تنها جناب «نصرت کریمی» نیستند که مرتب تهدید میشوند چون بدنبال ایشان مدتی است که «رضا صفائی» راهم بستگان خانم «ایران شریفی» تشویق به‌فیلمسازی! ــنه ببخشید خیلی معذرت می‌ــ خواهم تهدید به مرك کرده‌اند وهم چنین طبق آخرین گزارش به کارگاه «محمد متوسلانی» کار‌ــ گردان فیلم «يك چمدان سکس» را سراج‌های تهران و «مهندس میرصمدزاده» کارگردان فیلم «ماجرای يك دزد» را دزدان و جیب‌برهای تهران و «خسرو پرویزی» و «ناصر ملك‌مطیعی» کارگردان وبازیگر فیلم «لوطی» را لوطی‌ها و جاهل‌های تهران و «شاپور قریب» سازنده‌فیلم «کاکو» را شیرازی‌های مقیم تهران و «منوچهر صادقپور» سازنده و بازیگر فیلم «شاطر عباس» را نانواها و شاطرهای تهران و «ذکریا هاشمی» کارگردان فیلم «سه‌قاپ» را قماربازان تهران و «جلال مقدم» کارگردان فیلم «راز درخت سنجد» را باغبانان تهران و «مسعود کیمیائی» سازنده فیلم «داش‌آکل» را دوستداران «صادق هدایت» و «نعمت آغاسی» خواننده وآکتور باقدرت فیلم «خیلی هم ممنون» را طرفداران «مانده» دگر خواننده عزیزمان و ... تهدید به مرك کرده و میکنند روی این نظر برای کارگاه ما مشگل است که دفاع از هنرمندان تهدید شده را بعهده بگیرد و جدا ازسندیکای هنرمندان میخواهیم که فکرعاجلی دراینمورد بفرمایند .

بخش دریائی

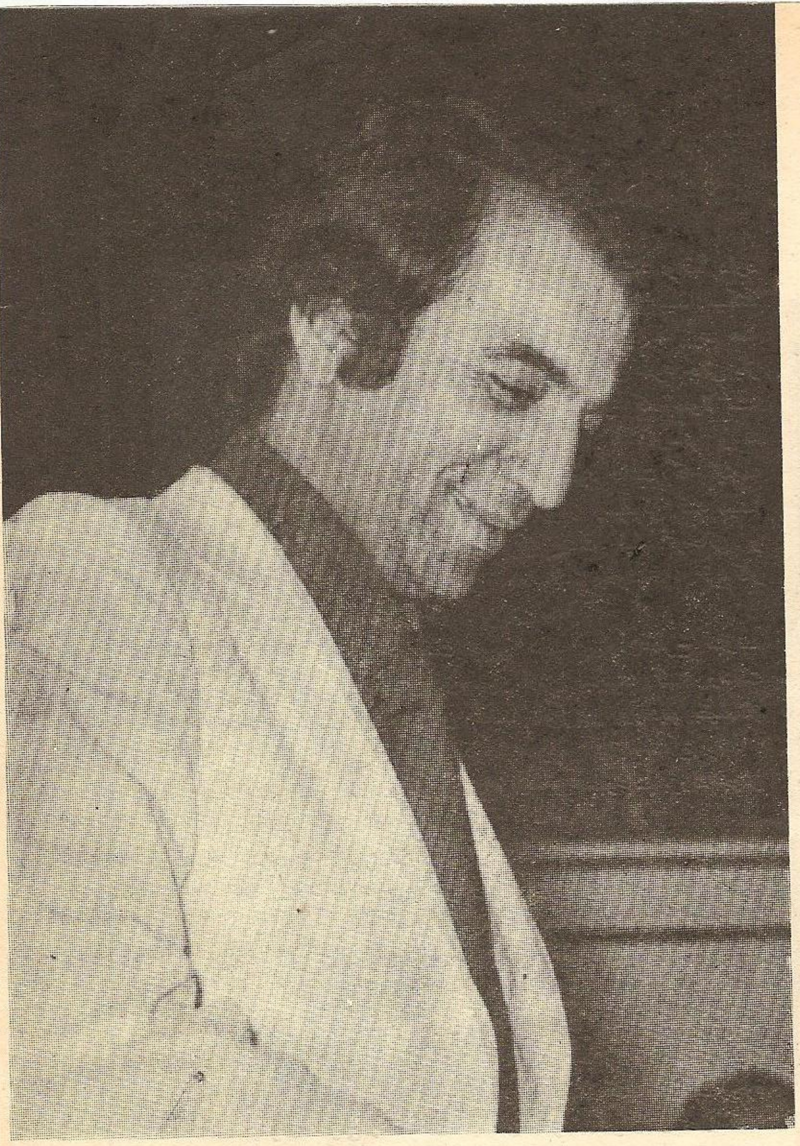
ستاره شوهر دزد!



● این خبر پرآکسیون و دارای صحنه‌های جالب تعقیب و فرار را ازمجله اطلاعات هفتگی برای شما نقل و توجه شما را به نکته انحرافی آن جلب‌می‌نمائیم.

«... یکی از ستارگان‌سینمای فارسی بنام «س ...» هفته گذشته درساحل خزر از طرف همسرمردی مورد حمله قرار گرفت ، لکن‌پیش ازآنکه دست آن زن به‌این ستاره برسد ، اوسوار اتومبیل شوهر آن زن شد و باتفاق گریختند اما زن که ازاین ماجرا سخت ناراحت بود ، شروع به‌فریاد و گریستن‌کرد بطوریکه عده زیادی از مردم‌دور اوحلقه زدند و او باگریه میگفت:

بقیه در صفحه ۳۸



صابر رهبر و توالی پیروزیها...

● زمان درازیست که «صابر رهبر» بعنوان یك فیلمساز موفق و پولساز قوام گرفته و فیلم‌هایش بدون استثناء با موفقیت درخشانی روبرو شده‌اند، از این‌رو در هر شرایطی که قرار است از او فیلمی روی پرده بیاید صاحبنظران وبعد تماشاگران فیلم ازقبل اعتقاد براین پیدا می‌کنند که فیلم خوب وموفقی را شاهد خواهند بود و به هنگام نمایش فیلم نیز این امر مصداق پیدا می‌کند و نظریه به ثبوت میرسد.

بقولی این تکرار موفقیت «صابر رهبر» دارد «رسم» میشود... که اگر چنین هم باشد بخاطر زحماتی که «رهبر» در زمینه کارش در همه جهات دارد، ارزش این را داشت که این «رسم» همچنان پر دوام بماند...

برخی توفیق همیشگی چند ساله اخیر آثار «صابر رهبر» را ممکن است برحسب بخت فیلمساز بگذارند و گروهی انطباق شرایط زمان و مکان و سلیقه و نوع فیلم قلمداد کنند، اما واقعیت اینست که «صابر رهبر» در کارش بیش از آنچه از ظاهر امر برمی‌آید، دقیق و سخت‌گیر است.

«صابر رهبر» فقط در مراحل داستانی فیلمش حدود چهار تاشش ماه وقت صرف میکند ودراین زمان همه جزئیات سناریویش، تحلیل، بررسی و بحث می‌کند و در زمان فیلمبرداری نیز فوق‌العاده دقت دارد و بهمین جهت است که در مسیر داستانی و هم‌چنین توالی تصویری وی گاف های معمول دیگران وجود ندارد.

این همه دقت، از روی علاقه وعشق «صابر رهبر» به سینما ناشی میشود، البته نه علاقه‌ای در حدود «کلام»، چه با مروری بر سالهائی که «رهبر» در سینما کوشیده است حدود و ثغور این «عشق» بدست می‌آید.

***

«رهبر» مثل همه آنها که‌تازه با سینما آشنا شده و آنرا دنیائی رویائی و جذاب می‌یابند، در کودکی به سینما بیش از اندازه معمول علاقه نشان میداد واین علاقه صرفا مقرون بیك جور تفنن نبود و سطحی فکر نمیشد و همین جدی پنداشتن در وی وسوسه و همگام و همراه بودن در خلق و آفرینش لحظه‌ها را پدید آورد، «رهبر» علیرغم خیلی‌ها که «سینما» را در وجودشان‌یك «رویا» میسازند قصد داشت که برای علائق وتعلق خاطرخود به «سینما» عذر وجودی داشته‌باشد، باخانواده‌اش نمیتوانست موضوع را در میان بگذارد چون آنها می‌خواستند یك جوان هفده ساله از زندگی تلقی جدی‌تری داشته باشد، بهمین جهت در عدم اطلاع آنها در حالی که کتاب بدست میگرفت ولی مقصد همیشه استودیو بود، «صابر» مسئله رابرای خود حلاجی کرده بود، وی از هیچ قصد داشت همه‌چیز بسازد.

مراحلی که «صابر رهبر» طی کرد تاسرانجام بمقام یك فیلمبردار رسید، زمان درازی را در برمی‌گیرد و مقامهای تکنیکی بسیاری را که همه آنها و تمام تجاربی که دراین زمان آموخته، در کار هر فیلمش یاریش میدهند.

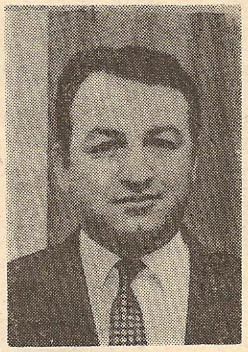
«صابر» بزودی فیلمبردار خوب فیلم‌های ایرانی شد، فیلم‌هائی چون «لاله آتشین، مرغابی سرخ کرده، آرامش قبل ازطوفان چادرنشینها و عسل تلخ» را فیلم برداری کرد ولی «صابر» که از «صفر» آغاز کرده بود، به‌اوج نظر داشت و گوشه به‌گوشه از تصورات طلائی دوران کودکی‌اش را از حالت تجسم به صورت عمل درمی‌آورد و حالا بایست باز هم قدمی برمیداشت، قدم تازه این بود، فیلمبردار و کارگردان ... و اتفاقا با سلیقه، دید باز، نوپذیری و نوخواهی و آگاهی از روحیه و خواست مردم، اورا فیلم سازی موفق ساخت بطوریکه در حال حاضر قرب و منزلت یکی از چند فیلمساز موفق وانگشت شمار سینمای ایران را دارد.

***

«صابر رهبر» بعداز موفقیت اخیرش، باز هم چهره پیروزی را بدفعات شاهد خواهد شد چرا که او از اعداد معدودیست که سمبل یك موجود خودساخته را تشکیل میدهد وباتکاء خود بارور گردیده رشد کرده و بازهم رشد خواهد کرد.

یادد

بعد از نه سال ....



سینما دراین ملك واقعا دارد شکلی میگیرد . وضعی پیدا میکند و فیلم ایرانی در دنیا ــ بزعم همه منفی بافان ــ برای خود جائی باز میکند . زمانی بود که اصولا نه مقام مسئولی ، نه سازمانی و نه تشکیلاتی وجود داشت که اینهمه بسینمای ایران رسیدگی کند سینما بود ویك مشت فیلم توخالی و پوچ، اما اینك خوشبختانه فرم کار عوض شده است. فکرهای جوان وخلاقی پیدا شده است که برای گفتن حرفی داشته باشند و در پشت تصویر مسئله‌ای را مطرح سازند. مطبوعات ومنتقدین سینمابیش ازپیش تلاش میکنند که رسالت اجتماعی خود را دراین میان نشان دهند ـ تلویزیون ورادیو بفیلمساز آگاه و واقعی ارج می‌نهد و می کوشد معرف آنها باجتماع باشد . در فستیوال‌ها فیلم ایرانی قد برمی‌افرازد و مطبوعات بزرك جهان دیگر با سینمای ایران و فیلمسازان ایرانی بیگانه نیستند و صفحاتی از نشریه خود را ببحث در مورد آثار ایرانی اختصاص میدهند و مهمتر از همه آنکه وزارت فرهنك و هنر دراین میان بیش از همه باین تحول فکری واقتصادی که درسینمای ایران بوجود آمده است کمك میکند. برگزاری جشنواره سلطنتی و فستیوال جهانی فیلم تهران و اختصاص دادن هدایای گرانبهای نقدی و تلاش برای آنکه فیلم ایرانی در تمام فستیوال‌های جهانی شرکت کند و مبارزه با فیلمهای مبتذل و توخالی از اهم این مسائل است. از سوی دیگر همبستگی و وحدت فکری که اینك در میان تهیه کنندگان بوجود آمده است میتواند خیلی از مشکلات سینمای امروز ایران را حل کند. همه این مسائل و عوامل باعث شده که علاقمندان سینمای ایران که پیوسته درآرزوی داشتن یك سینمای خوب بوده‌اند ، اینك در انتظار شکوفائی آن باشند ودراین میان فیلم وهنر و نویسندگان آن بیش از همه خوشحالند ، زیرا تلاش نه سال فعالیت خود را در راه ایجاد یك سینمای خوب در ایران بتدریج مشاهده می‌کنند و این بزرگترین افتخار کار مطبوعاتی ما است.

علی مرتضوی

یك پیشنهاد ، برای حمایت از فیلم‌های خوب



عوامل اساسی و اصلی برای پی‌افکندن و بوجود آمدن یك نهضت موثر برای شناساندن سینمای ایران به جهانیان و ایجاد یك سینمای اصیل و راستین ، سینمائی چون سینمای مهرجوئی‌ها و کیمیائی‌ها ، بالاخره وسیله‌دولت (وزارت فرهنك و هنر) دارد بوجود می‌آید و مثل این است که مسئولین امور عمیقا در پی‌چاره جوئی برخاسته و دارند فکرهائی برای رهائی سینمای ایران از شر وضع موجود می‌کنند .

اقدام تازه دولت (اختصاص دادن یکصد هزار تومان جایزه به فیلم ایرانی برنده در جشنواره جهانی فیلم تهران) یکی‌ازاقدامات موثر واساسی دولت است وازگام‌های برجسته‌ای است که دولت در راه تحول اساسی وهمه‌جانبه در ارکان سینمای ایران برداشته . اما چیزی که باعث تعجب میشود ، این‌است که این قبیل اقدامات ، غالبا برای دست‌اندرکاران سینمای‌ایران «ناچیز» و «بی‌مقدار» جلوه‌گر میشود و حضرات هنرمند (از زن ومرد) در اظهارنظرهائی که‌وسیله پرسشگران ازآنان بعمل میآید بازهم اظهار نومیدی و یاس می‌کنند و فی‌المثل میگویند این اقدامات خوب است اما کافی و وافی نیست وقس‌علیهذا ...

حضرات هنرمند ظاهرا شتاب دارند . هرکاری بتدریج بایدقوام گیرد ، خصوصا اقداماتی که‌مسئولین امور درمورد سینمای ایران میخواهندانجام دهنداحتیاج به‌زمان ووقت کافی دارد . همین کار یعنی اختصاص دادن یکصدهزار تومان پاداش به بهترین‌فیلم برنده ایرانی در فستیوال جهانی فیلم تهران ، درحد خود کاری است ارزنده و حالا دیگر حضرات هنرمند نباید بگویند که اگرمثلا «پانصد هزار تومان» بشود ، بهتر خواهد بود . دست اندرکاران سینمای ایران باید به همین کارهم قانع بشوند و همین که چنین اقدام مفیدی صورت گرفته ، باید بخودشان بیایند و کوشش بیشتر بخرج دهند .

باحتمال قوی نظایر چنین اقداماتی درآینده ، بیشتر وبهتر صورت خواهد گرفت . اما دراین میان پیشنهادی که از طرف‌نگارنده لازم است عنوان شود این است ، حالا که دولت بفکر بهبود فیلم ایرانی افتاده ، بیاید برای سایر فیلم‌های خوب ایرانی که در فستیوال اصولا شرکت.نمی‌کنند و برنده نمیشوند ، ولی در مقابل وسوسه‌های بازار تجاری تاب مقاومت نمی‌آورند ، عوارض اینها راکم کند و حتی بالکل عوارض این قبیل فیلم‌های ارزنده را از میان بردارد . این کار نیز بنوبه‌خود تشویق ارزنده‌ای برای دست اندرکاران سینما در ایران‌بحساب خواهد آمد و با این کار به‌آن هدفی که اینك مسئولین امور در پی‌دست یافتن به‌آن هستند ، نائل خواهند شد .

جمشید ارمیان

میزگرد موقوف!



خبری خواندم به‌این شرح‌که وزارت فرهنك وهنر بمنظورتشویق و ترغیب تهیه کنندگان فیلمهای ایرانی برای تهیه آثار برجسته و با ارزش سینمائی به فیلم ایرانی یك میلیون ریال جایزه میدهد و اجازه شرکت در فستیوالهای مهم دیگر جهان را صادر می‌کند . در همین زمان گروهی از دوستان سینمائی گرد هم جمع شده‌اند و میزگرد تشکیل داده‌اند و برعلیه سینمای ایران اعلام جرم کرده‌اند!

این کجدار ومریز واقعاجالب است چرا که از طرفی‌وزارت فرهنك وهنر که یك مرجع رسمی‌هنری مملکت است تشخیص داده است که سینمای ایران بمرحله ومقامی رسیده است که باید این‌فیلم ها را در جشنواره جهانی تهران شرکت‌داد وبرای آن‌هم یك جایزه ویژه بمبلغ صدهزار تومان درنظرگرفت. (البته‌علاوه برجوائزدیگری که میگیرد).

از طرف دیگر گروهی برعلیه آن اعلام جرم کرده و بعداز

اشتهـا

مذاکرات و بحثهای مفصل بقول‌وتصور خودشان برای نجات‌سینمای ایران چاره اندیشی میکنند. غافل از آنکه دیگر سینمای ما آن‌سینمای بدبخت وبیچاره و مفلوك وتوسری‌خور نیست که هنوز هم باید میز گرد و دراز برایش تشکیل داد وجهت نجاتش چاره اندیشی کرد بلکه سینمائی است پیشرفته ، درحد معقول و درحد شرایط خود ، پیشرفته‌تر از آنکه بنده وجنابعالی بتوانیم تصور آنرا بکنیم.

سینمای حرفه‌ای ایران ازسال ۱۳۰۹ پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون چهل ودوسال از عمر آن میگذرد وبرعکس تصور و نظر تشکیل دهندگان میزگردها وحتی خیلی‌از افرادیکه در عالم سینمای ما خود را هنرمند! میدانند این سینماجوان نیست و ۴۲ سال از عمرش میگذرد و دراین مدت در اثر تلاش و کوشش علاقمندان این فن وهنر توانسته است مسیر وراه اصلی و واقعی و حقیقی خود را گرچه کامل نیست ولی بهرحال پیداکند ودراین‌راه‌گام بردارد وبه‌موفقیت هم برسد، همانطور که رسیده‌است بخصوص دراین چند ساله اخیر که فیلمهای ما اعم از کوتاه و داستانی در فستیوالهای جهانی نیز نمایش داده شده و بعضی‌ها نیز توانسته‌اند موفقیتی برای مملکت‌ما کسب کنند، و قابل تعجب است که گروهی می‌نشینند و درباره این سینما و نجات آن میزگرد تشکیل‌میدهند و قابل تعجب‌تر شرکت گروهی از هنرپیشگان و فیلمسازان و کارگردانان سینمای ایران دراین جلسات است وتعجب‌آورتر از همه شرکت نماینده سندیکای هنرمندان است که بعقیده این بنده مرحله پرت بودن بعضی از آقایان و خانمها را میرسانند، گرنه بخوداجازه نمی‌دادند در چنین جلساتی شرکت کنند.

سینمای ایران دیگر احتیاج به‌میزگرد ندارد واحتیاج به‌کمك از نوع کمك‌هائی هم که بعضی‌هاسنگش را به سینه میزنند ندارد و سینمای مفلوکی هم نیست، سینمائی‌است پیشرفته وتوسعه یافته، سینمائی است که در فستیوالهای جهانی توانسته است بدرخشد و همانطور که دراولین جشنواره تهران هم‌درخشید و منتقدین و فیلمسازان و فیلم شناسان که شعور این کار رادارند درباره آن صحبت کردند. سینمائی است‌که برای خودفستیوال‌دارد وحتی وزارت فرهنك وهنر برای آن فستیوال ترتیب داده وهم‌اکنون اعلام کرده که یك‌جایزه ویژه نیز برای فیلمهای ایرانی‌درنظر گرفته، و از همه مهمترسینمای ایران سینمائی است که درجشنواره‌فیلم تهران جایزه مخصوص‌سلطنتی را ربوده است.

این سینما نیازی به میزگردندارد و بقولی کور شود هرآنکه نتواند دید !

پورمرادیان

تماشاگر، تماشاگر!

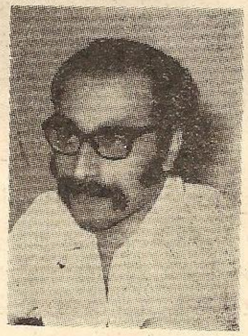


معلوم نیست صاحبان سینماچه گناهی کرده‌اند که تااین حد باید مورد غضب مشتریان سینمای خود قرار گیرند . بندرت دیده شده‌که بیننده‌ای از سالن سینما خارج‌شود و از وضع سالن سینما دلخورنباشد، ولی هرگز فکر نکرده است کـه خودش یکی از عوامل پدید آمدن این دلزدگی است . برای مثال سینما ونك را مثال میزنیم کـه مسئولینش این فکر سازندراکرده و در کنار صندلی‌ها جای‌سیگاری گذشته و قبل از نمایش فیلم درنوشته ، خطابه و یا هرچیز دیگری ، به‌بینندگان فیلم تذکر میدهند که‌سیگار های خودشان را در جای سیگاری کنار صندلی خاموش‌کنند،ولی کو گوش شنوا ؟!. اگر گذرتان باین سینما افتاد ، نگاهی‌هم به موکت های داخل سینما بیندازید که مثل غربال ، در اثربی‌مبالاتی و بی‌توجهی عده‌ای با آتش سیگار سوراخ سوراخ شده‌است .

آیا با تمام این تفاصیل ، وباتمام این تذکرها و اخطارها و باتمام این بی‌نظمی که در میان مارواج دارد انصاف است که کماکان از وضع سالن سینماها نـاراضی‌باشیم ؟!

حسن مرتضوی

معلم و سکس و سینما!



برای عکس‌برداری از کلیه سنگساز وبیمارم رفته بودم بیکی ازاین رادیولوژی‌ها که این‌روزها ازتصدق سربیماران ریز و درشت سخت بازارش گرم است — در سالن انتظارش برای رسیدن‌نوبتم بناچار پناه بردم به چند شماره‌مجله «رنگین کمان‌نو» که روی میز ولو بود — وقتی آدم مریض است دل ودماغ مطالعه را دیگرندارد اما من پرروتر از آن بودم که به کسالت کلیه‌ام اجازه دهم که کنجکاوی و میل به‌خواندنم را از من بگیرد . درحین گشت وگذار به‌مطلبی برخوردم و بطوریکه ازظواهر امر برمی‌آمد، آن مطلب رایکی ازخوانندگان مجله فرستاده بود چون تحت‌عنوان «نامه وارده» چاپش کرده بودند و طبق ادعـای مجله «رنگین کمان‌نو» نـویسنده نامه‌که رئیس یکی از سازمانهـای فرهنگی پایتخت است چون نمی — خواسته برایش دشمن ایجاد شود با نام مستعار (الف — الف) آن‌مطلب رانوشته وفرستاده بود .

این فرهنگی عزیز با ایـن جملات نامه خود را شروع می‌کند که :

«٤ جلد مجله رنگین کمان بدبیرستان رسید . در بدو امرگمان کردم این‌نشریه نیز همچون‌نشریات احزاب ماست که جهت تبلیغ یـا بازاریابی فعلا رایگـان فـرستاده میشود ...»

سپس عالیجناب «الفـ‌الف» که ازدریافت مجلات مجانی ذوق زده شده‌اند شروع می‌کننـد بـه چاپلوسی که :

«... وقتی مجلات‌شما راورق زدیم متعجب شدیم که چرا مجله‌ای بدین پایه ومایه در این محیط‌آشفته انتشاراتی وجود دارد ولـی جامعه فرهنگی و اکثریت مردم کمتر از آن اطلاعی دارند . آن را ورق زدیم و اتفاقا بایك مجله باصطلاح متعلق به‌نسل جوان مقایسه میکردیم مجله‌ای که یکی از دانش آموزان ضمن ابراز تنفر از آن بعلت‌داشتن یك مطلب وقیح و شرم‌آور پیش رویم گذاشته بود ...»

سپس آقای «الف — الف» بامقداری درددل و شرح گرفتاری‌هایش ادامه میدهند که :

«امیدوارم که این مجله‌جای خود رادر میان تمام خانواده‌ها بیابد و دیگر جائی برای مجلات هرزه وجود نداشته‌باشد شما رابخدا ملاحظه کنید درآن مجله نوشته : خانم ... قرار است در بی‌پرده — ترین صحنه‌های سکسی درفیلمهای زیرزمینی فرانسه بازی کند بنازم به‌غیرت آن باصطلاح شوهر بزرگوارش را آیا بی‌پرده‌ترین صحنه‌های زیرزمینی فرانسه چیزی جز فحشای ناب میتواند بـاشد ؟ گویا رسالت این مجله شریف نسل جوان اینست که بطور مداوم زنان فاحشه دیار مارا از طریق‌صفحات وزین‌وآبرومند ! خودبه‌دوستداران

بقیه در صفحه ۳۷

فروزان:

من جای کسی را تنك نکرده‌ام



«فروزان» در سینمای امروزایران یك‌ستاره واقعی ویك‌اکتریس‌پولساز حقیقی است ، مردم برای دیدن فیلمهای او سرو دست می‌شکنند و میکوشند هریك از فیلم‌های او را ملاحظه کنند. فروزان برای کسب چنین موقعیت خوب‌و چنین موفقیت بزرگی سالهای‌مداومی را پشت سر گذارده است‌و توانسته است اینك یك چهره خوب‌ومحبوب سینمای ایران باشد و یکی‌از بزرگترین ارقام دستمزدرا بخود اختصاص دهداما آنچه که باعث‌شده که فروزان بتواند بچنین‌توفیقی دست یابد آن است که‌وی کوشیده است نقشی را که در فیلم‌ها بازی میکند و مردم آنرا قبول‌کرده‌اند تغییر ندهد وخود را با خواست مردم تطبیق دهد و بهمین‌جهت مشاهده می‌کنیم اینك هریك‌از فیلمهای او – هرچند در مقام پائین‌تری باشد– از جهت فروش‌در ردیف فیلمهای موفق سال درآید.

فروزان برغم همه کسانیکه‌معتقدند او تنها برای بازی درفیلمهای تجاری ساخته شده است بازیگر مستعدی است که در هرفیلم‌او رگه‌هائی از یك استعداد شگرف‌بازیگری می‌یابیم و ستاره‌ای است که میتواند سالها ی‌سال در اوج‌باقی بماند.

در فیلمهای اخیری که از اودیده‌ایم، وی‌را اکثرا در تیپ ثابت‌و مشخصی مشاهده کرده‌ایم، زنیکه خوب میخواند ، خوب میرقصد وخوب دلبری میکند ، خودش می گوید:

«واقعا باید دید که مردم‌ازهنرپیشه محبوب خود چه انتظاری‌دارند و وظیفه هنرپیشه است که خواستهای آنان را اقناع کند .من بخوبی دریافته‌ام که تماشاگران‌فیلمهای ایرانی از من در حال حاضر انتظاری جز این ندارند که‌برای آنها ایفاگر نقشی باشم که‌بدل آنها نشیند ، اگر من بخواهم کاراکتر خود را تغییر دهم، بنظرخودم اشتباه محضی کرده‌ام زیراهر هنرپیشه محبوبی‌در سراسرجهان در یك کاراکتر بخصوص توفیق‌داشته است.»

وی با آنکه هنرپیشه گران‌قیمتی است ، اما پیوسته زندگیش‌جلوی دوربین میگذرد و فرصتی برای استراحت پیدا نمی‌کند وبهمین جهت خیلی علاقمند است که‌بتواند از شدت کار خود بکاهد و در فیلمهای کمتری بازی کند .

«درست است که یك‌هنرپیشه‌بایستی کارش را دوست داشته‌باشد و همیشه جلوی دوربین باشد اما باور کنید که اینك من سخت‌از کار کردن و زیاد کار کردن‌خسته شده‌ام . دلم میخواهد مدتی هم مال خودم و خانواده خودم‌باشم‌و بهمین جهت است که اینك‌بسختی‌پیشنهادی را قبول میکنم و مصمم هستم از ابتدای سال آینده در یکی‌دو فیلم بیشتر ظاهر نشوم و مهمتر‌آنکه هر داستانی که بمن پیشنهاد شد بازی نکنم و بهمین علت اینك‌از میان پنج پیشنهاد تازه‌ای که‌دریافت کرده‌ام فعلا بیش از یکی را قبول نکرده‌ام .»

فروزان که بازی خوب اورادر ظفر ساخته صابر رهبر در هفته‌قبل دیده‌ایم بزودی بیك مسافرت دو ماهه باروپا خواهد رفت . درطی این مدت فرصت کافی خواهدداشت که استراحتی را که لازم دارد ، بکند و خوب اروپا رابگردد‌و علاوه براین خیلی مایل است که‌بتواند باکم‌کاری خود راهی برای فعالیت دیگران باز کند .

«عده‌ای مثل اینکه مرا سدراه خود می‌بینند و تصور میکنندمن‌مانع پیشرفت آنان شده‌ام ، این دست من نیست ، دست تهیه‌کنندگان‌است که دلشان نمی‌خواهد از آنهادر فیلمهایشان استفاده کنند . من خیلی آرزو دارم که چهره هـای‌تازه‌ای در سینمای ایران جلوه‌کنندو پیش بروند . من جای کسی را در این دنیای بزرك تنك نکرده‌ام‌و دلم نمی‌خواهد که جوانی وطراوت خود را در مقابل نورافکن

بقیه در صفحه ۳۸

در حاشیه یك برنامه...

چهارشنبه هفته گذشته به مناسبت موفقیت فیلم «داش آکل» در فستیوال سینمائی «تاشکند» مراسمی در «روف گاردن» باشگاه پولینك برگزار شد و طی این مراسم دیپلم افتخاری بهروز وثوقی که از جانب مجله «ستاره خاور» به عنوان بهترین آکتور سال برگزیده شده بود ، اهدا شد .

* برای اهدای جوائز ، آشتیانی از حسین دانشور بازیگر سابق فیلمهای فارسی آکتور فیلم «طوفان در شهر ما» دعوت کرد.

* سپهرنیا دیگر «جیسون کینك» نیست!

همزمان با رونق گرفتن‌سکه شهرت و تیپ «پیتر وانگارد» در قالب شخصیت تلویزیونی «جیسون کینك» ، خیلیها خود راطوری آراستند که شکل و شمایل جناب «کینك را پیدا کنند و بین هنرپیشه‌ها دقیقا سپهرنیا بود که برای نخستین بار خود را به‌هیئت جیسون کینك درآورد . اما چند روز پیش سپهرنیا را در همان‌شکل و شمایل سابقش دیدیم و بیرون از قالب «جیسون کینك» علت را جویا شدیم و سپهرنیا جواب داد : « از بس اینجا وآنجا مرا به اسم جیسون کینك می‌خواندند که‌کم کم اسم «سپهرنیا» ، داشت فراموش مردم می‌شد و هم فراموش خودم! ... اینست که دوباره برگشتم به همان قالب سابق تا لااقل اسم واقعی خودمان را حفظ کرده باشیم» .

این یك کار بسیار بجا و مناسب بود که به نوبه خود تجلیلی ازیك بازیگر قدیمی سینمای ایران نیز به حساب می‌آمد.

* دیپلمی که داش‌آکل به عنوان «فیلم برگزیده» ازفستیوال تاشکند گرفته بود، به مسعود کیمیائی داده شد. اما او خواهش کرد که این دیپلم به تهیه کننده فیلم اهدا شود.

* پس از اهدای دیپلمهای فیلم «داش آکل» آشتیانی یکبار دیگر پشت میکروفن رفت و اعلام کرد دیپلم تحسینی نیز که پارسال فیلم «آقای هالو» درفستیوال‌مسکو گرفته بود، امشب به‌مهرجوئی داده می‌شود. این خبر برای خودمهر- جوئی غیر منتظره‌ترازهرکسی‌بود.. چه او آنشب صرفا برای تشویق دوستانش آنجا آمده بود و ابدا انتظار نداشت‌که جایزه پارسالش‌را امسال بگیرد، بهمین خاطردرپایان مراسم اهدای دیپلمها از آشتیانی خواسته شد که برای نویسندگان و خبرنگاران حاضر درمجلس توضیح دهد که مساله دادن دیپلم به او، بدون آگاهی قبلی وی صورت گرفته است و او آنشب به نیت گرفتن جایزه نیامده بوده است. آشتیانی نیز چنین کردومهرجوئی که ناراحت به نظر می رسید، کمی آرام گرفت!

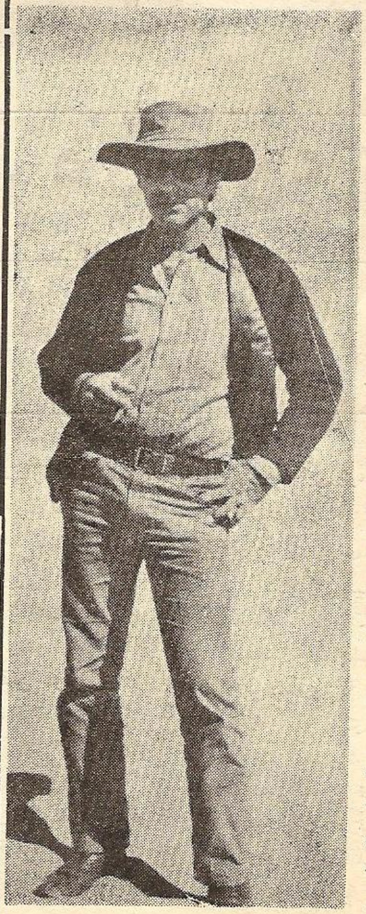
* وقتی که مهرجوئی برای گرفتن دیپلمش دعوت‌شد،اوباحالتی بهت‌زده پس از لحظاتی تاخیر نزد آشتیانی ودانشور رفت. تعجب او به آن خاطر بود که خودش از موضوع اهدای این دیپلم در آن شب هیچ اطلاعی نداشت و بنابر این رفتار او چنان سرد و بی‌تفاوت بود که متوسلانی گفت:

«مهرجوئی» اینقدر از این جایزه‌ها گرفته است که دیگر دلزده شده است»

* آشتیانی پس از توزیع مراسم، چندبار رفت و برگشت، وهربار از یك سازمان یاوزارت- خانه تشکر کرد. در پایان وقتی که از هرکس و هر سازمانی تشکر کرد و قول داد که دیگرحرفهایش تمام شده است، عباس پهلوان با صدائی بلند و لحنی شکوه‌آمیز خطاب به آشتیانی گفت «آقای آشتیانی خوب بود دو کلمه هم‌از مطبوعات تشکر می‌کردید.» آشتیانی که متوجه شد ای دل غافل چه موضوع مهمی را از یاد برده‌است و موجبات شکوه اهل قلم رافراهم آورده است، برای اینکه‌یکجوری سروته قضیه را هم آورده باشد، گفت: «مطبوعات که ماشاالله‌هزار ماشاالله خودشان قدرتی هستند و احتیاجی به حمایت و تشکر این وآن ندارند!».

آدمهای هفته، حرفهای هفته

* یك کابوی در کویر!



به این عکس دقت کنید. شناختن این کابوی گرچه‌آسانست، اما قبولش به عنوان یك کابوی کمی دشوار می‌نماید. شاید اگر صاحب عکس - که آقای فردین باشند - به‌جای عینکی برچشم، هفت‌تیری بر کمر داشتند، آنگاه بخصوص به لطف این ژست‌کابوی وارانه، می‌شد ایشان رایك‌کابوی به حساب آورد و ممکن است این ژست یادگاد بازی در فیلم وسترن «مردانه بکش» باشد.

بهرحال، تصویر، کابوی قهرمان ما را در کویر نشان می- دهد - پشت صحنه فیلمبرداری «جهنم باضافه من» ... فیلمی که فردین امید بسیار به آن بسته‌است.

* فیلم های ایرانی در فستیوال ونیز

در حاشیه فستیوال امسال‌ونیز، یك برنامه ویژه معرفی سینمای ایران به همت وزارت فرهنك و هنر ترتیب خواهد یافت و طی دو روز هفت فیلم کوتاه و سه فیلم طویل ایرانی نمایش داده خواهد شد.

در تماسی با آقای«خردمند» مدیرکل امور سینمائی کشور، ایشان هدف از برگزاری این برنامه را شناساندن هرچه بیشترسینمای‌ایران در سطح جهانی دانستند.

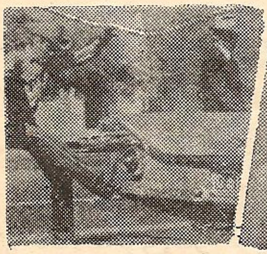
- «ما درجریان‌فستیوال‌کان با آقای «جیانی لوئیجی راندی» رئیس فستیوال ونیزمذاکراتی کردیم و قرار شد که‌برنامه‌ای‌ویژه معرفی سینمای ایران در زمان برگزاری فستیوال ونیز داشته باشیم. اول قرار براین بودکه‌ظرف یکروز، چند فیلم کوتاه و یکی‌دو فیلم طویل نمایش دهیم ولی بعد به خواهش ما، این برنامه، به دو روز افزایش یافت.

نماینده ما در فستیوال ونیز که در کار برگزاری این برنامه ویژه نظارت خواهد کرد، آقای بهرام ری‌پور است که یکشنبه‌این هفته به ونیز رفت. البته احتمالا از سوی اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران و وزارت اطلاعات نیز نمایندگانی به‌این فستیوال گسیل خواهند شد.

هفت فیلم کوتاهی که باید ظرف دو روز ویژه سینمای ایران نمایش داده شوند، انتخاب شده‌اند. بین فیلمهای طویل هم نمایش دو فیلم «پستچی» و «بی‌تا» قطعی‌شده است. این هر دو فیلم به‌دعوت اولیای فستیوال ونیز ارسال می- شوند. اما برای انتخاب فیلم‌سوم که باید به سلیقه اولیای وزارت فرهنك و هنر برگزیده شود، هنوز اختلاف‌نظرهائی هست. آقای‌خردمند می‌گفت احتمال انتخاب «رگبار» بیشتر است.

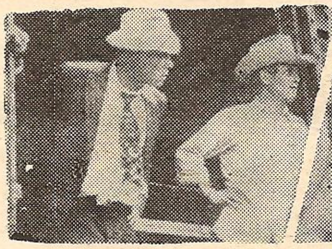
مدیر کل اداره امورسینمائی کشور در پایان گفتگوی کوتاه خود با ما اشاره کرد که وزارت فرهنك و هنر دعوتنامه هائی‌نیز جهت شرکت دادن فیلمهای‌ایرانی در فستیوالهای بروکسل و کارتاژ و ژاپن دریافت داشته است.













پل نیومن و لی‌ماروین، دو کابوی دوست داشتنی...

● «پل نیومن» و «لی‌ماروین» وضیعتی تقریبا مشابهی در ورود به‌سینما و کسب شهرت دارند ، ایندو از نقش‌های نه‌چندان مهم آغاز کردندولی باپیگیری راهشان را ادامه دادند و اتفاقا درآغاز راهشان به‌سال ۱۹۵٦ درفیلمی بنام «The Rack» بایکدیگر همبازی شدند ، بدون اینکه یکدیگر را بشناسند و یا دربین هنرمندان دیگر فیلم تمایز واهمیتی داشته باشند ، درآن روزها هیچکس بر صرافت آندو نبود ولی بعد هریك در راهی جداگانه ، مبارزه‌ای پرشکوه برای ماندن وبهتر بودن را آغاز کردند تاجائیکه اکنون مقام شایسته‌ای دربین معدود بزرگان محبوب سینما دارند وحالا از اتفاق روزگار ، ایندو باز هم برابر هم قرار گرفته‌اند واین زمانی است که هر دو ضمن اینکه آکتور ورزیده و محبوبی هستند ، تهیه کننده‌ای زیرك و حسابگر نیز شده‌اند .

«پل نیومن» با «باربارا استریسند ، استیو مك‌کوئین و سیدنی‌پواتیه» کمپانی جهت تهیه‌فیلم بنام «فرست آرتیستز» ایجاد کرده و «لی‌ماروین» نیز به‌تهیه فیلم‌های تلویزیونی مشغولست وهردو نیز درکارشان فوق‌العاده موفقیت داشته‌اند و حالا ایندو بزرگ سینما دریك وسترن شرکت جسته‌اند بنام «پول توجیبی» که نقش دوکابوی را دارند که دررساندن دویست وپنجاه راس‌گاو از مکزیو بهچی‌هواهوا ، واقع در مرز تکزاس تلاش می‌کنند ...

فیلم را «استوارت روزنبرك» کارگردانی کرده است که پیش ازاین «پل‌نیومن» را درفیلم‌های «فرار از زندان و W.U.S.A » رهبری کرده است (این فیلم آخر را وی برای کمپانی «فرست آرتیستز» ساخته است) ... داستان فیلم ازنوولی بنام «جیم‌کین» (که نقشش در فیلم وسیله «پل‌نیومن» ایفاء می‌شود) نوشته «جی.پی. اس . براون» اقتباس شده‌است .

مسئله جالب توجه وحائز اهمیت ، صرفنظر از ماهیت فیلم و ترکیب دلپذیر سازندگان فیلم که تماشاگر را بدیدن اثر وسوسه میکند ، روابطی است که « پل نیومن » و «لی‌ماروین» با هم طی صحنه‌های فیلمبرداری دارند که اثری از ادا و ژست‌های دوسوپراستار نیست وهیچیك ، به هیچوجه سعی ندارد ، دیگری راتحت‌الشعاع قرار دهد واین کاریست که ایندو هم جلوی دوربین وهم پشت دوربین سعی دارد ، به‌آن عمل کنند وهردو نیز دیگر ، این عمل را این‌طور توجیه می‌کنند که : مثل خیلی‌ها ندید بدید نیستند و باشهرت و محبوبیت بیگانه نبوده وبرایشان دراین شرایط بعداز قریب بیست سال فعالیت در سینما ، دیگر این مسائل مهم نیست .

یك فیلم

یك کارگردان



* جری لوئیس ، دلقکی در پاریس !

جری لوئیس کمدین و فیلمساز سرشناس آمریکائی چندی پیش برای ساختن آخـرین فیلمش راهی پاریس شد .

این فیلم «روزیکه دلقك مرد» نام داردو طبق معمولْ لوئیس علاوه **برکارگردانی ،** نقش نخست آنرا نیز به‌عهده دارد . او دراین فیلم بازیگر رل دلقك تیره **روزی است به‌اسم** «هلموت» که کارش هرروز بادشواری هـای بیشتری مواجه می‌شود .

لوئیس اعتراف می‌کند که **این یك نقش** مشکل است و باید بادقت و **حساسیت زیادی** آنرا بازی کرد . او قبل از هرچیز حـدود هجده پاوند از **وزن** خود را کم کرد تاهیکلی مناسبتر برای ایفـای این نقش داشته باشد .

لوئیس در باره فیلمش **می‌گوید : «این یك فیـلم دراماتیك است و زیر ظاهر کمدی فیلم** تلخی گزنده‌ای نهفته است . **من در این فیلم** می‌خواهم **نشان دهم آدمهائی که کارش صرفا** خنداندن‌مردم‌است، **درزندگی‌خصوصی‌شان** باچه تراژدی‌های غم‌انگیزی درگیر هستند .

تصویر ، لوئیس را در کار آماده کردن‌مقدمات فیلمبرداری یك صحنه سیرك نشـان می‌دهد . ژست اودیدنی است . او ضمن کارگردانی، داردنقش خودش را هم تمرین‌میکند!

* هستون و کارگردانی اولین فیلم



تصویر ، چارلتون هستون را درلباس «مارك آنتونی» نشان می‌دهد . این ، باتوجه به‌نقشهای تاریخی زیادی که وی تابحال بازی کرده است ، تعجبی برنمی‌انگیزد . اما چیزیکه درتصویر فوق جالب به‌نظر می‌رسد ، موقعیت تازه هستون‌است در پشت دوربین ودر مقام یك کارگردان . حقیقت آنست‌که هستون نیز به تبعیت ازبسیاری از همپالکی‌های بازیگـرش به‌صف کارگردانها پیوسته است و به‌عنوان اولین فیلم، تصمیم به‌ساختن یك اقتباس سینمائی ازنمایشنامه معروف« آنتونی و کلئوپاترا»ی ویلیام شکسپیر زده‌است . دراین فیلم ، خود وی نقش مارك آنتونی رابازی می‌کند و رل کلئوپاترا رابه‌ستاره جوان و تازه نام «هیلده‌گارونیل» سپرده‌است .

هستون به ذوق خود دخل وتصرفی دراین نمایشنامـه شکسپیر کرده است و به‌آن تحرکی هرچه بیشتر بخشیده است (نظیر کاریکه رومن‌پولانسکی با «مکبث» شکسپیر کرده‌است). خیلی از دیالوگها درحال حرکت کاراکترها ــ و اکثـرا نشسته برروی اسب ــ ادا می‌شوند والبته این‌با توجه به آنکه قسمت اعظم‌جاذبه هریك ازنمایشنامه‌های شکسپیر دردیالوگهای شاعرانه آن نهفته است ، باید تجربه‌ای دشوار بوده باشد.



لیدو
ماژستیك
ماندانا
مترویل
مارلیك
مراد
مولن‌روژ
مهتاب
مسعود
موناکو
میامی
مونت‌کارلو — نارمك
مترو — خیابان لاله‌زار
میهن — میدان حسن‌آباد

* دوازدهمین فیلم تروفو

«فرانسوا تروفو» اخیرا کار فیلمبرداری‌دوازدهمین فیلمش را به پایان رساند ، ایـن فیلم «بچه پرزرق و برقی مثل من» نام **دارد**و «برنادت لافون» و«کلود براسور» بازیگران نقشهای اصلی آن هستند . تـروفو در مورداین فیلم می‌گوید :

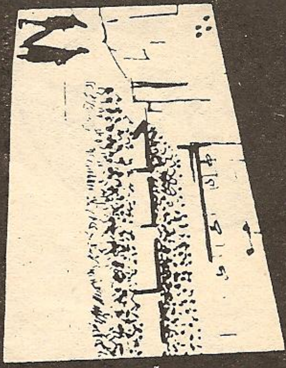
«زمانیکه من فیلمی غمگنانه را به‌پایان می‌رسانم ، **تنها به‌یك چیـز می‌اندیشم و آن اینکه هرچه زودتر فیلمی شاد و سبك بسازم** .در نزد فیلمسازان ، این تقریبا طبیعی به نظر می‌رسد که **به تناوب فیلمهای متفاوت باروحیه‌هائی گونه‌گون بسازند . آرامش پس ازطوفان،** و ملایمت پس از خشونت .

یك روز در هواپیمائی که از پاریس به‌مادرید پرواز می‌کرد ، من شروع بـه خواندن نوولی آمریکائی به اسم «بچه پرزرق و برقی‌مثل من» کردم . **من به هر صفحه این کتاب به شدت خندیدم ، آنقدر که مطمئنم مهمانـدارهواپیما میخواست برود از خلبان خواهش‌کند به‌برج مراقبت فرودگاه خبر دهد که ما یـك‌دیوانه در هواپیمایمان داریم ! .**

و بهرحال من آنقدر شیفته **این نوول‌شدم** که تصمیم گرفتم **در اولین فرصت آنرا به‌فیلم** برگردانم .»

درتصویر، تروفو در حال هدایت«برنادت لافون» و کلود براسور دیده می‌شود .

*** ۴۲۵ سالن سینما در ایران وجود دارد . * ۹۰ شهر ایران فقط یك سالن سینمـ**



سینماهای ایران

● در اوائل سال ۱۳۰۰ تنها پنج سالن سینما در تهران داشتیم، در حالیکه تعداد سالنهای تئاتر بیش از سینما بود ، در شهرستانها در همین زمان مطلقا سالن سینما وجود نداشت و امروز بعد از گذشت حدود نیم قرن ، قریب ۹۰ برابر سال ۱۳۰۰ ، سالن سینما داریم که در مقایسه با کشور های صاحب سینمای دیگر در آسیا نظیر چین کمونیست (۱۴۰۰۰ سالن نمایش) هندوستان (۴۱۰۰ سالن) ژاپن (۳۶۰۰ سالن) تعداد حقیری است.

آماری که یونسکو در پایان سال گذشته (۱۹۷۱) منتشر کرد تعداد کل سینماهای جهان را ۲۴۵۱۲۳ ذکر کرده است (در این آمار تعداد سینماهای کشور های کوچك از قبیل لیختشتین ، کویت ، بحرین و آندورا» بحساب نیامده است .) که از این تعداد ۱۴۰۹۰۰ سینما متعلق به شوروی است و بعد از شوروی بیشترین‌رقم متعلق به چین کمونیست است و بعد .... آمریکا (۱۳۵۰۰) ایتالیا (۱۲۴۰۰) اسپانیا (۷۵۰۰) فرانسه (۴۳۹۵) چکسلواکی (۴۰۰۰) آلمان غربی (۳۷۰۰) برزیل (۳۲۵۰) ـ و کمترین سالن‌نمایش متعلق به کامبوج است با ۱۸ سالن و بعد از آن افغانستان با ۲۰سالن و ماداگاسکار ونیجریه هرکدام با ۲۱ سالن کنیا ۲۸ سالن ، پاراگوئه ۳۰ سالن ....

در ایران گرچه تعداد سالن های سینما در حال افزایش است، اما به نسبت افزایش جمعیت ورشد فرهنك ، گسترش سالن سینمافقیر است که علت اصلی این‌امر، فقدان تدبیر تبلیغ‌سالم وضعف ماهیت‌کار نزد سینماداران و از جانبی دیگر کاهلی تماشاگر و تعصب مذهبی گروهی کثیر و بعلاوه عرضه بد از جانب فیلمسازان می‌باشد ...

عدم اسقبال کافی از «سینما» در شهر های کوچك سبب شده که خیلی از شهرستانها از داشتن سالن سینما محروم بوده و علاقمندان احتمالی سینما در آن شهر ، برای دیدن فیلم غالبا به شهر های‌مجاور سفر کنندکه جا دارد مقامات‌مسئول در این زمینه مطالعاتی بعمل آورده و لااقل در سطح آموزشی سینما را به شهر های کوچك ببرند ، چه بایستی اذعان داشت که وجود «سینما» و نمایش فیلم از خیلی جهات می‌تواند ، روشن بینی و وضوح ذهن به تماشاگرش ببخشد که بحث در این زمینه را می ـ گذاریم به‌فرصتی دیگر ومی‌پردازیم به آماری که از نام کلیه سینماهای تهران و شهرستانها تهیه کرده‌ایم .

***

رویهمرفته در ۱۴۹ شهرستان ایران سینما دائر شده و تعدادش بالغ بر ۴۲۵ سالن میگردد که‌از این تعداد ۴۲۵ تنها ۱۱۳ سینما در تهران ساخته شده که از این تعداد ۱۴ سالن فقط در خیابان لاله‌زار قرار دارد و بقیه سالن های سینما در خیابانهای مختلف تهران تقسیم شده‌اند .

اسامی‌سینما های‌تهران ومحل آنها (به‌ترتیب حروف الفباء) از اینقرارست :

آتلانتیك	**خیابان پهلوی**
آپادانا	خیابان نظام‌آباد
اروپا	خیابان شاه‌آباد
آستارا	**میدان تجریش**
آسیا	چهار راه شاه
اسکار	میدان رشدیه
استیل	جوادیه
المپیا	چهار راه آذربایجان
الوند	میدان خراسان
امپایر	خیابان پهلوی
انیورسال	میدان ۲۴ اسفند
آسمان‌آبی	میدان بروجردی
اخبار	خیابان لاله‌زار
ادئون	**خیابان سعدی**
البرز	خیابان لاله‌زار
اورانوس	خیابان شاهپور
ایران	خیابان لاله‌زار
آریا	خیابان اسلامبول
اطلس	**خیابان لاله‌زار**
ایفل	**خیابان نادری**
امپریال	خیابان قصرالدشت
بلوار	بلوار الیزابت
ب ب	خیابان شاهرضا
بهار	میدان تجریش
پارامونت	چهار راه تخت‌جمشید
پاسارگاد	خیابان فرح‌آباد
پاسیفیك	خیابان قدیم شمیران
پانوراما	خیابان فرح‌آباد
پارك	خیابان اسلامبول
پرسپولیس	خیابان سیمتری ـ راه آهن
پردیس	خیابان اسلامبول
پلازا	خیابان شاهرضا
پولیدور	میدان ولیعهد
تخت‌جمشید	خیبان تخت جمشید
تابان	خیابان لاله‌زار جنوبی
تیسفون	خیابان قزوین
توسکا	اول جوادیه ـ پل راه‌آهن
تمدن	میدان مولوی
جهان	شاهپور جنب پارك‌شهر
جی	خیابان امیری
چرخ‌فلك	جیابان سلسبیل
حافظ	خیابان شاه‌آباد
خرم	خیابان رودکی ـ سلسبیل
خورشید	خیابان لاله‌زار
خیام	خیابان سیمتری
دیاموند	خیابان روزولت
درایوین ونك	میدان ونك
دیانا	خیابان شاه
داریوش	خیابان امیر **پل‌امیر بهاد**
دنیا	خیابان ا
دریا	خیابان
رادیو سیتی	**خیابا**
رنگین‌کمان	خیابا
درواز**ه طلائی**	مید
ریولی	
ری	
رز	
رویال	
رکس	
ژاله	میدان ژاله
سانترال	میدان ۲۴ اسفند
سینه‌موند	چهار راه تخت جمشید
ستاره	خیابان امیریه
سیلوانا	میدان ژاله
سیلورسیتی	قلهك
ساینا	میدان خراسان
سعدی	خیابان شاه‌آباد
سهیلا	خیابان اسلامبول
شهرفرنك	خیابان عباس‌آباد
شهرقصه	خیابان وزراء
شاهین	خیابان سیمتری
شرق	خیابان آرامگاه
شهلا	نازی‌آباد
شهاب	خیابان سیمتری

* شیراز بعد از تهران بیشترین تعداد سالن سینما را داراست .

شهرام	مجیدیه
شیرین	جوادیه
شاهرخ	خیابان خزانه
شهناز	چهار راه گرگان
شهوند	میدان خراسان
شهرزاد	خیابان لاله‌زار
فلور	چهار راه معزالسلطان
فیروزه	خیابان خواجه نظام‌الملك
فرحناز	میدان بروجردی
فری	خیابان سیمتری
فردوسی	خیابان لاله‌زار
فرح	میدان قزوین
قصر طلائی	میدان ثریا
کاپری	میدان ۲٤ اسفند
کارون	خیابان رودکی
کوروش	میدان مولوی
کیهان	خیابان قزوین
کسری	شاهرضا جنب‌بهار
کریستال	لاله‌زارنو
گلدن‌سیتی	میدان کاخ
گلدیس	یوسف‌آباد
لیدو	خیابان شیر و خورشید
ماژستیك	خیابان شاه
ماندانا	تهران‌نو
متروپل	خیابان لاله‌زار
مارلیك	خیابان کارون
مراد	میدان شهناز
مولن‌روژ	خیابان شمیران
مهتاب	خیابان پهلوی
مسعود	سی‌متری ـ قنات
موناکو	مجیدیه‌ـ میدان محمدرضاشاه
میامی	میدان شهناز
مونت‌کارلو	نارمك
مترو	خیابان لاله‌زار
میهن	میدان حسن‌آباد
مرجان	خیابان لاله‌زار
ناتالی	سه‌راه اکبرآباد
نادر	خیابان لاله‌زار
نپتون	اول خیابان تهران‌نو
نیاگارا	خیابان شاه
ونك	خیابان ونك
ونوس	خیابان لاله‌زار
هما	خیابان فردوسی

***

و اما شهرستانها : از تعداد ٤۲٥ ، بعد از تفریق ۱۱۳ (سینمای تهران) سیصد و دوازده سالن‌باقی میماند در ۱٤۹ شهرستان که در آنها ۹۰ شهرستان فقط یك سینما دارند ـ ۲٦ شهرستان دو سینما دارند و ۳۰ شهرستان نیز بیش از دو سینما دارند .

شیراز (با ۱۳ سالن سینما) **مشهد** (۱۲ سینما) **تبریز و اصفهان** (هریك با ۱۱ سینما) **رشت** (۱۰ سینما) **آبادان** (۹ سینما) **اهواز** (۸ سینما) در بین شهرستانها بیشترین تعداد سالن سینما ها را در اختیار دارند و اما اسامی سینما های شهرستانها :

استان مازندران

آمل	آرش
آمل	درفش
بابل	داریوش
بابل	سانترال
بابل	مهر
بابل	پاسارگاد
بابلسر	ساحل
بندرشاه	بندر
بندرشاه	سعدی
بندرگز	ایران
بهشهر	شهناز
بهشهر	کاپری
چالوس	تخت‌جمشید
چالوس	زهره
رامسر	آریا
رامسر	آمفی‌تآتر
ساری	ایران
ساری	سپهر
ساری	آسیاب‌طلائی
ساری	فردوسی
شاهی	نپتون
شاهی	دیانا
شاه‌پسند	آسیا
شهسوار	شهرفرنك
شهسوار	کاپری
شهسوار	ایران
خرم‌آباد (شهسوار)	شقایق
علی‌آباد	میهن
کردکوی	سعید
گرگان	کاپری
گرگان	امپایر
گرگان	مولن‌روژ
گرگان	مهتاب
گلوگاه	مهتاب
گنبد	نیاگارا
گنبد	ایران
گنبد	سعدی
متل‌قو	لاکو
محمودآباد	مهتاب
نوشهر	ایران
نکاء	ساحل
جویبار بابل	جهان
سولده	ایران

استان خراسان

مشهد	آریا
مشهد	مولن‌روژ
مشهد	سانترال
مشهد	متروپل
مشهد	آسیا
مشهد	شهرفرنك
مشهد	ایران
مشهد	فردوسی
مشهد	دیاموند
مشهد	سعدی
مشهد	کریستال
مشهد	هما
طبس	آریا
فردوس	ششم‌بهمن
کاشمر	گلستان
سبزوار	آریا
سبزوار	سعدی
سبزوار	شهرزاد
تربت‌جام	سانترال
بجنورد	سعدی
بجنورد	مولن‌روژ
دره‌گز	تاج
بیرجند	پارس
بیرجند	فردوسی
تربت حیدریه	فردوسی
تربت حیدریه	مولن‌روژ
شیروان	پارس
قوچان	سعدی

کرمان ـ سیستان ـ بلوچستان و سواحل خلیج فارس

بم	ایران
بندرعباس	صحرا
بندرعباس	شهرزاد
بندرلنگه	پارس
جیرفت	صحرا
رفسنجان	امید
رفسنجان	کاپری
زابل	فرخی
زابل	فردوسی
زاهدان	زاهدان
زاهدان	فروردین
زاهدان	مهربان
سیرجان	جاوید
کرمان	آریا
کرمان	دیاموند
کرمان	پاراموتت
کرمان	مهتاب
کرمان	شه‌داد
یزد	سهیل
یزد	مهتاب
خاش	تفتان

استان فارس

آباده	پاسارگاد
اصطهبانات	مهر
برازجان	ایران
بندربوشهر	ساحل
بندربوشهر	فانوس
بندربوشهر	پارس
جهرم	باربد
شیراز	آریانا
شیراز	ایران
شیراز	پاسارگاد
شیراز	پارس
شیراز	پاراموتت
شیراز	پرسپولیس
شیراز	پرسیا
شیراز	کاپری
شیراز	مترو
شیراز	سعدی
شیراز	جی
شیراز	تخت‌جمشید
شیراز	مهتاب
فسا	نادر
کازرون	داریوش
لار	شهریار
مرودشت	تخت‌جمشید
مرودشت	داریوش
میناب	تاج
داراب	آریا

استان خوزستان

بهبهان	شهرفرنك
بهبهان	آریا
خرمشهر	اتحاد
خرمشهر	ایران
خرمشهر	مهتاب
خرمشهر	حافظ
خرمشهر	میهن
دزفول	پایگاه وحدتی
دزفول	تاج
دزفول	جاوید

ادامه دارد

تازه از راه رسیده...

گفتگوئی کوتاه با «کامران قدکچیان» سازنده فیلم «ساحره»



مقدمه :

کامران قدکچیان از جمله چهره‌های جوانی است که اخیرا بایك اثر سینمائی ، کار خود را بعنوان کارگردانی جوان در سینمای ایران آغاز کرده است .

او در گذشته بعنوان آسیستان در بسیاری از فیلمهای ممتاز ایرانی فعالیت داشته که از آن میان می‌توان به: همای سعادت ، باباشمل ، قلندر، قوزبالای‌قوز ، لیلی ومجنون ، حیدر و... اشاره کرد . کامران قبل از ساختن اولین فیلم خود «ساحره» دکوپاژ فیلم «فتنه چکمه پوش» را نیز عهده‌دار بود .

هفته اخیر باتوفیق فیلم او از نظر تجاری قرین بود ما فرصت را مغتنم شمرده و گفتگوئی بااین کارگردان جوان بعمل آورده‌ایم که توجه شما را به‌آن جلب می‌کنیم .

پرند

● شما بعنوان یك کارگردان جوان برخلاف همه جوانها که معمولا مدعی هستند و خود را وابسته به‌موج نو می‌دانند خیلی بی‌سر و صدا و بدون ادعا وارد گود شدید و فیلمتان نیز بیشتر از آنکه وابسته به سینمای جوان باشد در روال فیلمهای تجاری سینمای ایران بود . در این باره چه حرفی دارید ؟

● **بنظر من سینما چیزی نیست که بشودباآن شوخی کرد ، یا در کارش ادعاهای بی‌اساس نمود. سینما بهترین معرف است در همه دنیا یك سینماگر بافیلمهایش ارزیابی میشود نه باحرفهایش، بهمین دلیل من قبل و بعد از نمایش فیلم دچار خود** زیادبینی و غلو در صفات خویش نشدم . کاری انجام دادم ومردم از اینکار استقبال کردند وکار مرا صحه گذاشتند . **اما در باره موج‌نو و کهنه، من نیز بسیار مشتاقم که در این آشفته بازار سینما وابسته به گروه و جبهه‌ای باشم که پیام‌آور ابتذال و پوچی نیست. من نیز دوست دارم نامم در کنار نام سینماگران اصیل ثبت شود . منتها بگمان من برای رسیدن به سینمای اصیل و واقعی باید در ابتدا کمی گذشت داشت . اگر فیلم اول من «ساحره» فیلمی بود که صرفا برمبنای معیار های سینمای اصیل و متعهد ساخته شده ، دچار شکست تجاری میشد و آنوقت من نمی‌توانستم فیلم دیگری بسازم . ولی حالاکه فیلم توفیق تجاری یافته بمن این امکان را داده ، که در فیلم دومم سخت‌گیرتر باشم و دقت بیشتری روی سوژه فیلم و ساختن‌آن بکنم . مهم اینست که آدم به آنطرف خط برسد . من عجله‌ای ندارم من جوان هستم و در راهی گام می‌زنم که بالاخره پایانش آنطرف خط است . مطمئن باشید فیلم بعدی من سر و گردنی ازساحره جلوتر خواهد بود . این جرات را مردم بمن دادند وازاین بابت واقعا از آنها سپاسگزارم .**

● ساحره از مضمونی ناقص برخوردار بود یعنی قصه فیلم شما باکمی دستکاری می‌توانست بهتر از این شود . باآشنائی که از سناریست شما داریم فکر نمی‌کنید این نقص بیشتر جانب شما را بگیرد .

● **من خودم متوجه این نقصها بودم . این نقصها در اصل قصه وجود داشت منتها ما فرصت زیادی نداشتیم که زیادتر برسر قصه بحث کنیم . تمام کارهای فیلم من در چهل وپنج روز تمام شد. شاید این کوتاهترین مدت برای ساختن یك فیلم باشد .**

جز این قسمتهائی از فیلم حذف شد که ما باز بدلیل نداشتن وقت موفق نشدیم بجایش‌چیزی بگذاریم . من قبل از نمایش فیلمم امید زیادی به فروش نداشتم . فیلم دربدترین شرایط بنمایش درآمد . مردم همه در سه روز اول فیلم از تهران خارج شده بودند هیچ تبلیغی روی فیلم نشد . و بااین وجود فیلم بافروش خوبی به‌هفته دوم رسید. اینها همه مرا امیدوار کرد . که اگر بامردم صادق بود و دروغ و تزویر را در کار راه نداد، موفقیت همراهست . من توفیق تجاری ساحره‌را باخوشحالی ولی بدون غرور تلقی می‌کنم . و فکر می‌کنم ساحره کلیدی است برای گشودن دری‌که ازسینمای دیگر خبرها دارد .

● پس شما به‌سینمای دیگر وتحولی که در سینمای ایران اتفاق افتاده معتقدید .

● **کاملا ، همکاران موفق من‌که درفستیوالها برنده میشوندمرا امیدوار می‌کنندکه روزی سینمای ایران در جهان شناخته شود . آنوقت من و امثال من می‌توانیم براحتی کار خوب ارائه دهیم . مهرجوئی‌ها و بیضائی‌ها اگرچه کمند ولی امیدوار کننده‌اند . من در آرزوی روزی هستم که سینما از جوانان باذوق و تحصیلکرده انباشته شود .**

● شما تاچه‌حد تجارت درسینما ، یابعبارتی سینمای تجارتی را قبول دارید ؟

● **تاآن حدکه کار به ابتذال نکشد . می‌شود** سینمای مردم‌پسندی ساخت ک، مبتذل نباشد. **سینما کاری است که مثل تجارت احتیاج به‌سرمایه و سود دارد . و از جهتی سینما هنری است که باید از ابتذال و قرار دادی شدن دور شود . اگر سینماگری توانست سرمایه فیلم را برگرداند ودر گرداب قرارداد های رایج فیلم فارسی نیز نغلطد انسان موفقی است من سعی می‌کنم به این مرز برسم .**

● باعرض تشکر ازشما اگر حرفی برای خوانندگان ما دارید عنوان کنید .

● **حرف زیادی ندارم جز اینکه سینمای خوب جز بایاری مردم که بهترین داوران وقضاوت کنندگان یك اثرند ساخته نخواهد شد .**



چهره‌ای که شکل میگیرد...



● با «نصرت کریمی، ایرن ودیانا» در فیلم «حکیم‌باشی»

● **ورودش بسینما با فیلم** ناموفق آبشار طلا ساخته‌ی سیامك یاسمی بود، **اما چهره زیبا وانعطافی** که وی در مقابل دوربین از خود **نشان داد زود توانست مورد توجه** واقع شود و بهمین علت قبل از اینکه فیلم اول او بنمایش عمومی درآید برای ایفای یکی از نقش های حساس فیلم «حکیم باشی» دعوت شد.

«دلارام» **چهره‌ای است که زیبائی خاص شرقی او توانسته است** اورا در کاربازیگریش نهایت کمك را بنماید. **چشمان سیاه و درشت‌و** گیسوانی که این زیبائی اورا دو چندان کرده است.

وی با آنکه هنوز بمرز بیست سالگی پای ننهاده معهذا آغازش درسینما باشرکت در فیلمهای خوبی همزمان بوده و همین مسئله توانسته است باو کمك کند که‌جای محکمی درمیان ستارگان زن سینمای ایران بدست آورد. با آنکه هم‌اکنون‌نیاز شدید فیلمسازان بچهـره‌های تازه بچشم میخورد و سیل بیشمار فیلم های متعددی که ساخته می‌شود سبب گردیده که ازوی برای بازی‌دعوت بعمل‌آورند ، اما او بهرپیشنهادی کمتر پاسخ داده زیرا علاقمند است بازیگر فیلمی شود که بتواند برای او موقعیت بهتری بدست آورد و نه‌آنکه سبب شود اورا از آنکه هست در مرحله پائین‌تری قـرار دهد.

«دلم نمی‌خواهد که مرا یك هنرپیشه پرکار بدانند ، زیرا بسیار بوده‌اند کسانیکه ورودشان در سینما باسروصداشروع شده اما بعلت آنکه چیزی در چنته نداشتند ودر هر فیلمی بازی کردندخیلی زودفراموش شدند. من دلم میخواهد کمتر بازی کنم اما همیشه وجـود داشته باشم. زیرا تازه کارم را شروع کرده‌ام وبرای بـودن وقت زیاد دارم.»

دلارام در یك خانواده **سرشناس** بدنیا قدم گذارده است . **از وقتی** دوره دبیرستان را **طی میکرد در** وجودش نیاز **شدیدی بهنرپیشگی** احساس کرد . هرروز **بدیدن فیلم** میرفت. در دبیرستان در برنامه‌های نمایشی شرکت میکرد و حتی یك بار بعنوان ملکه زیبائی دبیرستانی که در آن تحصیل میکرد انتخاب شد ، اما خانواده او تا زمانیکه لااقل دوره دبیـرستان را بپایان نرساند نگذاشتند فعالیت خود را در سینما آغاز کند، در حالیکه در وجود دلارام عشق شدید و علاقه‌ای محکم واستوار ریشه دوانیده بود و آن عشق بازیگری و سینما بود.

«خیلی دلم میخواست زودتر از اینها کارم را شروع کنم، اما تحصیل و اطاعت حرف‌مادر مرا از کار وامیداشت . مادرم پیوسته میکوشید که ضمن‌آنکه افکار مرامحترم شمارد، نگذارد من سریع بتازم و باراهنمائی های او خیلی از مسائلی که در مقابلم داشتم از میان بردم . درست است که هنرپیشه شدن‌و علاقه ببازی سخت‌فکر مرابخود متوجه ساخته بود ، اما نمیخواستم بخاطر آنها دست از تحصیل بکشم . زیرا میدانستم که دراین راه دارای آن‌استعداد و خصیصه‌ای هستم که بتوانم وقتی کارم را شروع میکنـم توفیق پیدا کنم ».

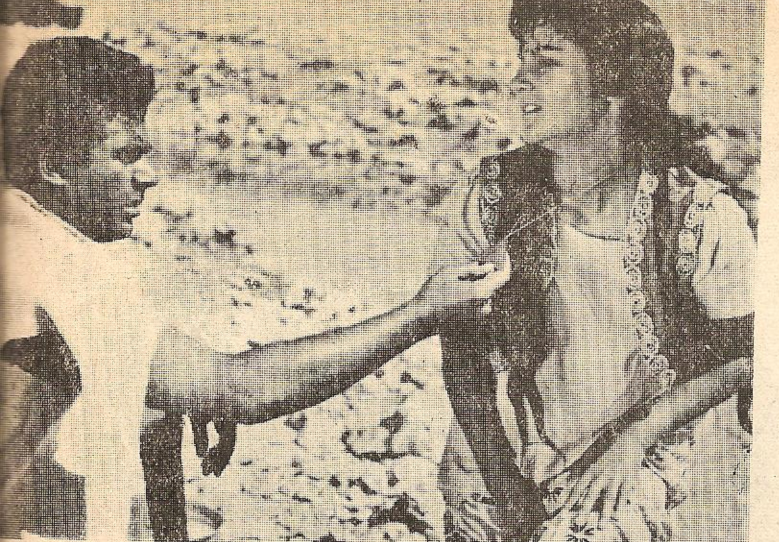
وی وقتی قرارداد شرکت در فیلم آبشار طلا را بامضاء رساند بیکی از آرزوهای بزرك خود دست یافته بود، اما تازه این آغاز کار بود و او می‌بایست که در نهایت دقت کوشش کند دنیای سینما رابشناسد. بازی جلوی دوربین را یادبگیرد وبداند که در صحنه چکار باید بکند. واین را از راه تمرین و راهنمائی‌های سیامك یاسمی بدست آورد.

«من هرروز داستان فیلم را میخواندم . خـودم را جای قهرمانی که باید نقشش راایفا کنم میگذاردم وتمرین میکردم

بقیه درصفحه ۴۰

پارس‌فیلم

سازنده بهترین آثار سینمائی ایران



● «نـاصر ملك‌مطیعـی» و «تهمینه» در صحنـه‌ای از فیلـم «طلسم شکسته» نخستین‌فیلم ایرانی درفستیوال برلن



● دکتر اسماعیل کـوشان
موسس استودیو پارس‌فیلم

● در سـال **۱۳۲۷** ، در هنگامه‌ایکه کسی در ایران از فیلم و فیلمسازی آگاهی نداشت مردی که در کشور آلمان در رشته‌اقتصاد دکترا گرفته بود شالوده ایجـاد «صنعت فیلم» را در ایران بنانهاد، این مرد دکتر کوشان بود که پس از توفیق یکی دو فیلمی که بزبان فارسی دوبله کرده بود در صـدد برآمد که سینما را بدین کشور بکشاند و بهمین علت در بیست و چهار سال قبل نخستین فیلم ناطق سینمای ایران با همت اوبا عنوان «طوفان زندگی» ببازار عـرضه گردید .

طوفان زندگی‌هرچند سرآغاز کار بود ، اما همین فیلم باعث‌آمد که «پارس فیلم» بوجود آیـد ، استودیوئی که اینك بعد از بیست و چهار سال فعالیت همچنان سازمان برتر و اولین سینما در ایـران است .

دکتر کوشان همانگونه کـه آغاز کرده بود و اولین استودیو فیلمسازی را بنا نهاده بود درطول بیست وپنج سال خدمات صادقانه‌اش بسینمای ایران کوشید که پیوسته «اولین» باشد و بهمین جهت در همه مواردی که سینمای ایران به تحولی نیاز داشت ، پارس‌فیلم‌مقام اول را دارا بوده است .

در طی بیست و چهار سالی که از عمر پارس فیلم میگذرد ، این استودیو توانسته است باتهیه بیش از یکصد فیلم از جهت تهیه فیلم مقام اول‌را دارا بوده وعظیم‌ترین و وسیع‌ترین تشکیلات‌راجهت تهیه و توزیع فیلم پدید آورد.

اولین فیلم‌سینما سکوپ ورنگی ایران

در سال **۱۳۳۷** بعد از آنکـه سینمای ایران دچار یك رکودمالی و اقتصادی گردید و فیلمهای‌ایرانی بتدریج از جهت تهیه و فروش قوس نزولی را طی‌کردند، استودیو پارس‌فیلم برنامه‌ای راکه چندسالی در نظر داشت آغاز کرد وآن تهیه فیلمهای سینما سکوپ و رنگـی بود .

در آن زمان سالهای طلائی پرده های عریض و سیستم هـای مختلفی بود که پیوسته کمپانیهای آمریکائی برای رقابت با تلویزیون بوجود می‌آوردند اما دکتر کوشان باتوجه باین مسئله که تنها سیستم سینما سکوپ‌خواهد توانست‌درجهان بقاء و دوام آورد در طی سفری‌که به‌آلمان‌کرد باتهیه لنزهای‌مخصوص سینما سکوپ در سال **۱۳۳۷** تهیه اولین فیلم سینما سکوپ رنگـی ایران را آغاز کرد ، این فیلـم عروس فراری نام داشت که بـا شرکت‌ناصر مـلك مطیعی ـ دلکش ساخته شد .

عروس فراری از آن جهـت که هنوز وسائل چاپ و ظهور فیلم رنگی در ایران وجود نداشت در آلمان چاپ شد و در سال **۱۳۳۸** پس از نمایش در ایران یك بـاره تحول عظیمی را در سینما سبب شد و بار دیگر دهها هزار نفـر تماشاگر برای سینمای ایران دست وپا کرد .

اولین لابراتوار رنگی در ایران

توفیق بزرگ تجاری فیلـم عروس فراری سبب شد که دکتـر کوشان بیك اقدام بزرگ دیگردست بزند و آن وارد کردن اولیـن لابراتوار رنگی در ایران بود . خرید لابراتوار رنگی و نصب آن در ایران که مطابق با آخرین‌متدهای پیشرفته تکنیك های جهـان بود سبب گردید که پارس فیلـم پروژه تهیه چندین فیلم رنگی را پی‌ریزی نماید . آنچه مهم است‌آن است که در سالهای **۱۳۳۸ و۱۳۳۹** ایران ششمین کشور فیلمساز جهان بود که به تهیه فیلمهای سینماسکوپ و رنگی می‌پرداخت و این موفقیت بزرگ حاصل نشده بود مگر دراثر همت دکتر کوشان و استودیو پارس فیلم .

فیلم رنگی شیر فروش‌اولین فیلمی بودکه کلیه امور فنی وچاپ و لابراتوار آن در ایران انجـام گرفت و از آن پس ادامه یافت.

اولین شرکت کننده در فستیوال‌های جهان

همزمان باگسترش سینما در ایران استودیو پارس فیلم که در هرجریانی پیشقدم بود برای آنکه بتواند معرف فیلم ایرانی بهمه‌کشورهای فیلمساز جهان باشد ، باردیگر بیك اقدام شایسته تحسین دست‌زد. فیلم «طلسم شکسته» ساخته سیامك یاسمی را که بطریقه سینما سکوپ و رنگی تهیه شده بود و از جهات بسیاری میتوانست یك اثـر ممتاز سینمای ایران شناخته شود بفستیوال برلن فرستاد .

فیلم در فستیوال برلن در هیئت مقدماتی پذیرفته شد ، امـا کمیته انتخاب از آنجا که درآن‌سال فیلمهای بزرگی بفستیوال ارائه‌شده بود و امکان میداد که نتواندتوفیق لازم را بدست آورد برای شرکت در برنامه های رسمی قبول نکرد. معهذا فیلم در برنامه های جنبی بنمایش درآمد و بخصوص فیلم‌برداری استادانه محمود کوشان با تحسین فراوان مواجه شد . شرکت دکتر کوشان ، سیامك یاسمی و ناصر ملك مطیعی در فستیوال نیز سبب گردید که در مطبوعات آلمان و نشریه رسمی فستیوال در باره‌ی سینمای ناشناس ایران نوشته شود و اظهار امیدواری گردد که‌سینمای ایران بتواند در سالهای بعد در این فستیوال توفیق های جهـانی بدست آورد .

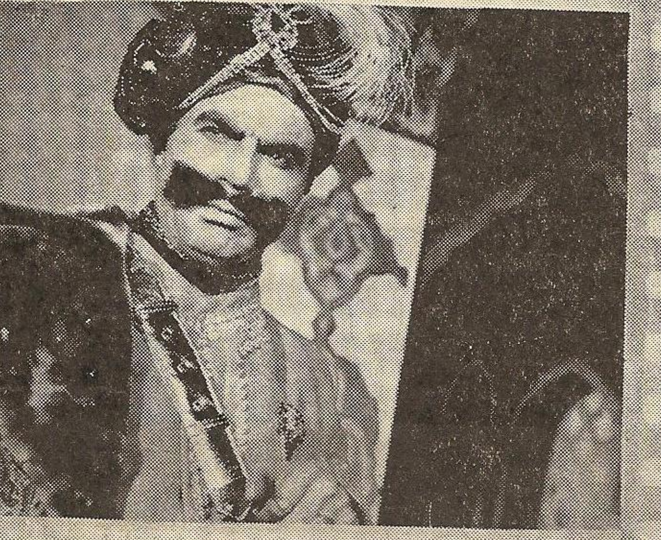
اولین فیلم تاریخی سینمـای ایران

تاریخ هرکشوری و داستان‌های تاریخی هرکشوری پیوسته منبع خوبی برای ساختن آثاربزرگ سینمای کشورها بوده است وپارس فیلم باتوجه باین امر نیز درراه‌تهیه آثار تاریخی سینمای ایران پیشقدم شد و عنوان «اولین» را برای‌خود بدست آورد .

پارس فیلم درزمانیکه‌حداکثر مخارج تهیه فیلم از ۲ میلیون ریال در ایران بیشتر نمی‌شد اقدام بیك سرمایه گذاری بزرگ برای تهیـه فیلمهای تاریخی نمود و تـوانست داستانهای معروفی را انتخاب‌کرده و بصورت فیلم درآورد . یـوسف و زلیخا ، امیرارسلان ـ قـزل









پارس فیلم : اولین استودیوی فیلمبرداری در ایران
پارس فیلم : سازنده اولین فیلم سینماسکوپ در ایران
پارس فیلم : سازنده اولین فیلم رنگی در ایران
پارس فیلم : سازنده اولین فیلم مشترك در ایران
پارس فیلم : سازنده اولین فیلم تاریخی در ایران
پارس فیلم: اولین شرکت کننده در فستیوال های جهان
پارس فیلم : سازنده پرفروشترین فیلمهای سال

ارسلان ــ شاهین طوس ــ بیژن و منیژه در سالهای قبل از ۱۳۳۷ و در سالهای بعد از ۱۳۴۰ آثار بزرك و پرشکوهی چون حسین کرد ــ غروب بت پرستان ــ یوسف و زلیخا ــ امیر ارسلان ــ گوهر شب‌چراغ از آن جمله‌اند که برای تهیه آنها بیش از ده میلیون‌ریال برای هریك سرمایه گذاری شد و در حقیقت پارس فیلم باتهیه این آثار توانست زنده کننده صفحاتی از تاریخ پرافتخار ایران باشد .

اولین فیلم مشترك سینمای ایران

همزمان با پیشرفت سینمای ایران و نضج و دوامی که بدست آورده بود . بار دیگر پارس فیلم توانست عنوان «اولین» دیگری‌را بخود اختصاص دهد وسینمای‌ایران را بآنطرف مرزها بکشاند و آن تهیه فیلم مشترك بود . استودیو پارس فیلم که ملاحظه میکردبازار ایران تکافوی مخارج سنگین فیلم را نمیدهد و بعلاوه بآن درجه از اهمیت از جهت «فکر» و«تکنیك» رسیده است که میتواند دربازارهای جهان عرض‌اندام کند تصمیم بتهیه اولین فیلم مشترك ایران گرفت .

اما از آنجا که این کار به تجربه‌ای آگاهانه نیاز داشت‌مصمم شد که باکشور ترکیه اولین بار یك فیلم مشترك تهیه نماید وبهمین علت با سرمایه گذاری تهیه‌کنندگان ترك و استفاده از بازیگران محبوب سینمای ایران و ترکیه اولین فیلم مشترك سینمای ایران را با عنوان «جیب‌بر خوشگله» تهیه نمود . این فیلم باتوفیق عظیم تجاری درایران و ترکیه مواجه گردید و سبب شد که فیلمسازان دیگری نیز بدین‌کار اقدام کنند وازاین‌فکر شایسته‌پارس فیلم دنباله‌روی کنند .

پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران

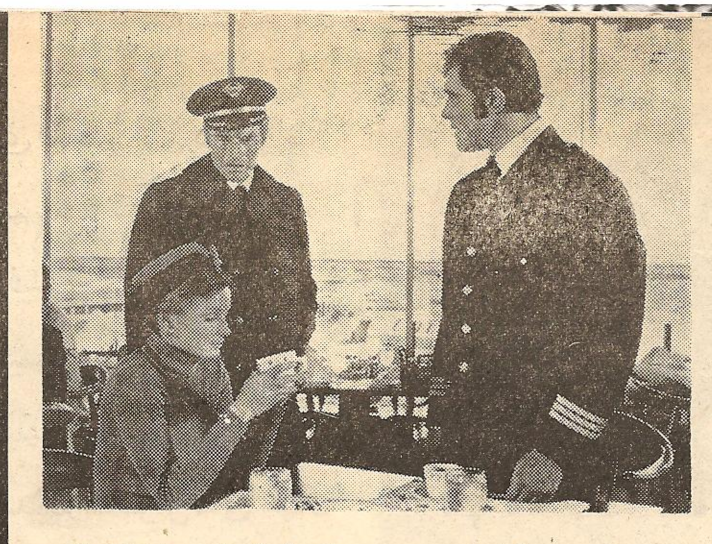
در همین حال که استودیو پارس فیلم پیوسته سازنده تحولات چشمگیری برای سینمای ایران بوده است همه ساله پرفروشترین فیلمهای ایران را نیز عرضه داشته است که هرکدام در سالهای نمایش خود در ردیف موفق‌ترین فیلمهای سال قرار داشته و حدنصاب جدیدی بدست آورده‌اند .

امیرارسلان نامدار (که یك بار با فردین و یك بار با ایلوش ساخته شد) ــ گوهر شب‌چراغ ــ عروس فراری ــ ظالم‌بلا ــ چشمه آب حیات ــ شیرفروش ــ کلاه مخملی ــ ابرام در پاریس ــ حسین کرد ــ غروب بت پرستان ــ یوسف و زلیخا ــ نسل شجاعان ــ دزد و پاسبان ــ جیب‌بر خوشگله ــ در طی سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۰ از جمله فیلمهای پرفروش بوده‌اند که در پارس فیلم تهیه و به نمایش گذارده شده است و در نوروزامسال نیز فیلم مهدی مشکی و شلوارك

بقیه درصفحه ۴۱

* تصاویر از بالا بپائین به ترتیب : مهدی مشکی وشلوارك داغ (پرفروشترین فیلم سال ۵۱) عروس فراری (نخستین فیلم‌رنگی وسینما سکوپ) حسین کرد ـ جیب‌بر خوشگله (نخستین محصول مشترك ایران باترکیه)





چارلتون هستون دزد هواپیما!

● «جان گیلرمن» ابتدا با «ماکس‌آبی» وتبحر وتسلط‌تکنیکی که او در تدارك صحنه‌های جنگی این فیلم از خود بروز داد تا جائیکه سنگینی محیط و فضای جنك را چه درهوا و چه درجبهه زمین، برتماشاگر حس میشد.

دوربین حاکم و مسلط «گیلرمن»، در فیلم «ماکس‌آبی» وبعد «پل پیروزی» (که فیلم جنگی دیگری‌بود) ازاو کارگردان متمایزی ساخت وبعدها «گیلرمن» بافیلم گرفتار (عاشق مترسك) نشان داد که در زمینه‌های عاطفی می‌ـ تواند فیلمسازی بانام باشد، اما رغبت وتسلط «گیلرمن» در زمینه تکنیك، بیشتر او را در جهت فیلم‌های حادثه‌ای سوق میدهد و اینبار درآخرین فیلمش، ضمن انتخاب مضمونی مناسب برای جولان‌های تکنیکی خود، به‌یك مسئله روز (هواپیما دزدی) اشاره می‌کند.

«جان گیلرمن» در فیلم جدیدش «سرقت هواپیما» ضمن پرداختن به موضوعی مورد توجه که نشان از آگاهی او بعنوان یك سینماگر تجاری میدهد، به بررسی روابط فیمابین آدمها (مسافرها)، برخوردهای عاطفی، احساسی و اجتماعی‌شان از مسائل وموضوع‌های متنوع‌ومتعددپرداخته است..

در این فیلم «چارلتون هستون» نقش خلبانی را بعهده دارد که در مقابل تهدیدهائی که درمورد گذاردن بمب در هواپیما میشود، مقاومت کرده ولی در برابر زمزمه‌های مخالف مسافران هواپیما و همکارانش مواجه می‌ـ شود که ازاو میخواهند تسلیم نظریات شخص تهدید کننده بشودودر اینحال آرامش مسافران درهم ریخته میشود و هرلحظه که می‌ـ گذرد نکات وموارد عجیب وتکان دهنده‌ای فاش میشود و ...

در این فیلم فقط ۴۰ بازیگر حرفه‌ای شرکت دارند که در راس آنها «چارلتون هستون، ایوت میمیو و جیمز برولین» قراردارند وبین سی وهفت تن دیگر که هرکدام نقشی بعهده دارند «والتر پیجون، مایك هنری، ادکونلی» بیش از سایرین شهرت دارند.



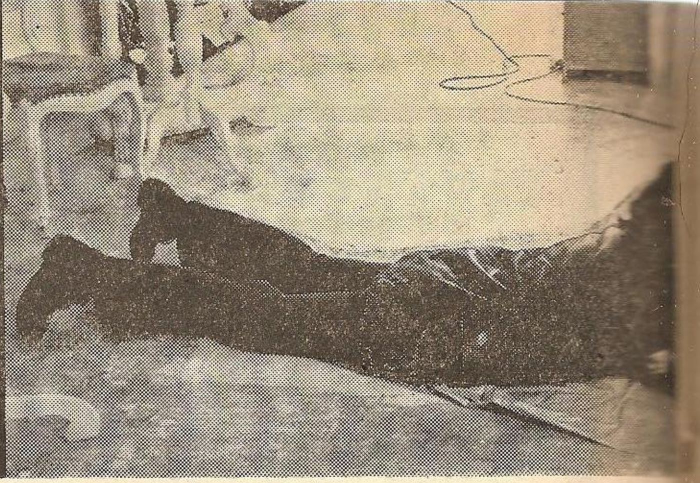
پیتر باگدانوویچ و فیلم تازه‌اش: چه‌خبراست دکتر؟

● در شرایطی که اکثریت فیلمسازان از راه رسیده و تازه نفس، کوششان در جهت جستجوی زمینه‌های تازه و انطباق با مسائل وموضوعهای روزست، «پیتر باگدانوویچ» تمام هم و تلاشش‌را درجهت بازگوئی نکات و عوامل مورداستفاده‌روزگاران پیش‌گذارده است و خود «باگدانوویچ» در اطراف این تعمدش میگوید:

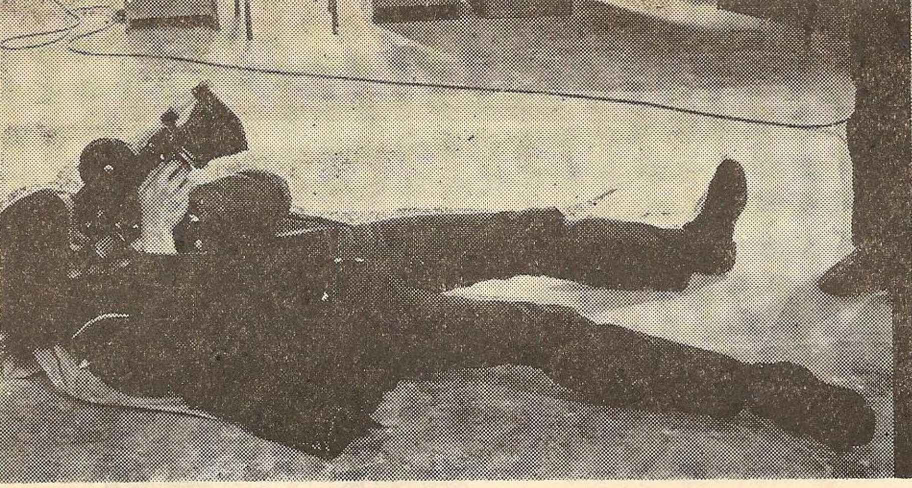
«هیچ علاقه و احساسی در جهت نزدیکی و ارتباط با فیلم‌سازان تازه نفس و جدید ندارم، البته اینکه میگویم، در جهت زمینه‌های فکریم در حد سینما با این فیلمسازان است نه خود افراد..

«باگدانوویچ» قبل از اینکه چنین شهرتی بکف آورد باشخصیت های هنرمندی چون «جان فورد» و«هاوارد هاکز» محشور بوده و فیلم‌های قبلی‌ش «آخرین برنامه نمایش فیلم» و «هدف‌ها» نیز از ایندو متاثر بوده و آخرین‌فیلمش «چه خبراست دکتر؟» شامل گوشه‌هائی دربزرگداشت و قدردانی از «ارنست‌لوبیچ»، استادفیلمهای





● عکس شماره ۳۷ ــ طرز غلط فیلمبرداری برای پرسپکتیو قورباغه



● عکس شماره ۳۸ــ طرز صحیح فیلمبرداری برای پرسپکتیو قورباغه

برای جلوگیری بیشتر از لرزش دوربین در موقع فیلمبرداری در دست ازچند نوع پایه‌های مخصوص و مختلف استفاده میشود. این پایه‌ها یاروی شکم و یاروی شانه فیلمبردار استوار شده وبه‌فیلمبردار این امکان را میدهد که دوربینش را محکم به‌بدنش فشار داده واز لرزش آن جلوگیری نماید (درعکس شماره ۳۶ یکی از انواع دوربین سوپر ۸ میلیمتری با دستگیره زیر دوربین و پایه مخصوص برای شانه، نشان داده میشود).

دیدهای مختلف دوربین

دوربین فیلمبرداری هم دیدهای مختلفی دارد که بشرح آنها مبادرت خواهد شد. بطور مثال در صحنه زدوخوردی یکی از بازیکنان دراثر مشتی که به او اثابت میکند بزمین افتاده وبدون حرکت‌میماند و سایرین دور او جمع میشوند حالا برای اینکه حالت شخص زمین خورده بیشتر به تماشاچی منتقل شود پلانی از نقطه دید او فیلمبرداری میشود باین صورت اشخاصی که بالای سراو ایستاده‌اند از پائین فیلم برداری شده وبزرگتر از حدمعمول نشان داده میشوند. در اصطلاح سینمائی این دید دوربین‌را (پرسپکتیو قورباغه) مینامند. چون دوربین از فاصله چشم یك قورباغه نسبت بزمین واز نقطه نظر دید آن، فیلم برداری مینماید.

برای فیلمبرداری از (پرسپکتیو قورباغه)، اغلب فیلمبرداران این اشتباه را مرتکب میشوند و روی شکم دراز میکشند. بطوریکه در عکس شماره ۳۷ دیده میشود. فیلمبرداری دراین حالت مشکل بوده و فیلمبردار نمیتواند دوربین را بحد مطلوب به‌بالا ببرد. بهترین راه دراین مواقع (عکس شماره ۳۸) این است که فیلمبردار به پشت دراز کشیده و حتی برای جلوگیری از لرزش دوربین، بهتر است زیر سر خودش چیزی قرار دهد. (ضمنا خیلی بهتر است که بازیکنان نیز روی بلندی (مثل چهارپایه وغیره) قرار گیرند.)

یکی دیگر از دیدهای دوربین دید معمولی یا (پرسپکتیو انسان) است و همانطوریکه از نام آن پیدا است از نقطه نظر دید یك انسان، درحالت ایستاده یا نشسته فیلمبرداری میشود وهمانطوریکه قبلا گفته شد بایستی دراین گونه مواقع از سه‌پایه استفاده نمود. حالا اگر سه‌پایه در دسترس نبود ویا اینکه فیلمبردار از صحنه‌های واقعی فیلمبرداری مینماید که استفاده سه‌پایه برایش مقدور نیست . درحالت نشسته‌بایستی طوری بنشیند که آرنج‌ها روی زانو تکیه کرده ونقطه اتکائی برای دوربین ایجاد شود وهمچنین درحالت ایستاده پاها را طوری از هم باز نماید که سنگینی وزن و همچنین سنگینی دوربین روی هردو پا تقسیم شود چون فیلمبرداری باپاهای جفت شده تعادل فیلمبردار را بهم زده وباعث لرزش دوربین خواهد شد. (در عکسهای شماره ۳۹ تا ۴۲ این دو حالت مختلف بطور غلط و صحیح نشان داده میشود).

دید دیگری از دوربین را (پرسپکتیو پرنده) میگویند که شامل صحنه‌های هوائی یا از روی بلندی بطرف زمین میباشد.

نگهداری دوربین‌ها (۱۶ و ۳۵ میلیمتری) بعلت سنگینی آن، در دست مشکل است و فیلمبردار بعداز فیلمبرداری هرپلان، بیشتر اوقات در آرنج و مچ دستش احساس درد وخستگی مینماید ــ بخصوص در مواقع فیلمبرداری از صحنه‌های واقعی که فیلمبردار مجبور است همراه اشخاص رفته و از آنها در حالات مختلف فیلم بگیرد. دراین گونه موارد (همانطوریکه در عکس شماره ۴۳) دیده میشود ، در مواقعیکه فیلمبرداری نمیشود، بهتر است که فیلمبردار دوربین را بکمك پایه شانه‌ای ، آنرا روی شانه قرارداده وبدین وسیله باعث استراحت آرنج ودستش شود.

دنباله دارد

● عکس شماره ۴۲ــ طرز صحیح نگهداری دوربین در حالت ایستاده فیلمبردار.



● عکس شماره ۴۳ ــ نحوه نگهداری از دوربین در فواصل صحنه‌های فیلمبرداری .



بازیگر فیلم ظفر

رضا بیك ایمانوردی

با انعطاف دلپذیرش



● در بند و اسیر تیپ‌خاصی بودن برای یك هنرپیشه سینما در واقع یعنی اقدام بنوعی‌خودکشی حرفه‌ای و «رضا بیك ایمانوردی» میرفت که درچنین ورطه‌ای گرفتار شود ـ چرا که بیشتر فیلمسازان در اوایل کار معتقد بودند که او بااین چهره و مشخصات خود فقط برای ایفای رلهای منفی‌وخشن مناسب است و باصطلاح دارای‌تیپی آنتی‌پاتیك است ـ یعنی همان تیپی که بآن وارد سینما شده‌بود و او برای نجات خود و ماندگار شدن در سینما ـ کاری‌که بآن‌سخت عشق می‌ورزید ـ باید خلاف آنرا ثابت مینمود. ولی موج فیلم های جنائی که در اوایل سالهای ۴۰ سخت گل‌کرده بود چنین‌فرصتی را باو نمیداد واین خود مشکل بزرگی بود و سزاوار نبود که این بازیگر باآنهمه انعطاف و نرمش بی‌نظیر خود مثل خیلی‌ها فراموش شود.

ـ ... روزی که کارم‌راشروع کردم تمام هدفم این بود که آکتور خوب و برجسته‌ئی بشوم و برای این کار سعی کردم که زندگی خودم را در مرحله بعد از کارم یعنی سینما قرار دهم و این تلاش در موفقیتم رل مهمی را بازی کرد ...

و سرانجام او به آرزوی‌خود رسید و برای اولین بار در فیلم «گلهای گیلان» نقش اول‌باوسپرده شد و باین ترتیب غیر ممکنی که خیلی‌ها بآن معتقد بودند ممکن گردید و بازیگری که در طی چند لحظه از فیلم « فریاد نیمه شب » خاچیکیان ـ آنهم در متن ـ ظاهر شده بود ستاره اول فیلمها شد.

● رضا بیك‌ایمانوردی قبل از ورود به سینما قهرمان کشتی‌کچ و عضو باشگاه کیان بود و با شرکت در تروپ هنری اسکار بهفن بازیگری علاقمند شد ـ اما کادر بسته و محدود این تروپ طبع‌بلند پرواز او را اقناع نمیکرد روی‌این نظر او متوجه سینما شد و برای پیوستن بآن بیدریغ تمام وجود خود را مایه گذاشت و بالاخره در فیلم «یك قدم تامرك» عهده‌دارنقش مهمی شد.

در سال ۴۱ او در دو فیلم «دلهره» و «زمین تلخ» ظاهر شد و باین ترتیب کار او روی غلطك افتاد و بالاخره بافیلم «ضربت» موفق شد هنر بازیگری خود رابنحو شایسته‌ای نمایان سازد با فیلمهای «ولگرد قهرمان» خسرو پرویزی و «نخاله قهرمان» حسین مدنی، ایمانوردی از قالب همیشگی خود درآمد و عهده‌دار رلهای کمیکی گردید و استعداد شگرف خود را در این تیپ کاملا متفاوت باآنچه که قبلا او را شناسانده بود، نشان داد و حتی تا مرزهای یك کمدین حرفه‌ای پیش رفت. حال دیگراو عضو لاینفك سینمای ایران شده بود و تماشاگر بیدریغ او را می‌خواست و فیلمسازان برای تصاحب او می‌کوشیدند و کمتر فیلمی بود که ایمانوردی در آن شرکت نداشته

بقیه درصفحه ۴۰

چهره‌های روز

کارگردان فیلم دوستان

لوئیس گیلبرت

● یکی از خصوصیات جالب این فیلمساز انگلیسی اینستکه او بطور دقیق نقاط ضعف سالن را می‌شناسد و میداند که جماعت تماشاگر را چگونه باید ارضاء نمود ـ روی این نظر او بیشتر تابع سینمای روز است و فیلمهایش اکثر اوقات ازجمله پرفروش‌ترین آثار محسوب میشوند.

«لوئیس گیلبرت» یکی از قدیمی‌ترین اعضای‌سینمای انگلستان است که کار خود را از سال۱۹۳۲ شروع کرد. او بهنگام نوجوانی درفیلمها ظاهر میشد ـ پس از بازی درچند فیلم مهم چون «خداحافظ آقای چیپس» و «آنسوی ماه» به کار‌های تولیدی و فیلمسازی متمایل می‌شود.

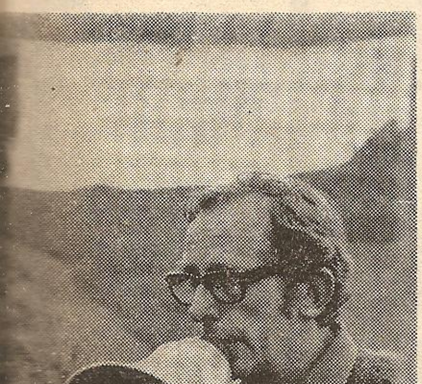
تا پایان جنك دوم جهانی اودرمقام«تهیه کننده»«کارگردان» و «نویسنده» متجاوز از ۳۰ فیلم میسازد و استعداد های خاص خود را در کار های خلاقه نشان میدهد.

یکی از کار های درخشان‌او فیلم پرفروش و انتقادی « آلفی » است که نسبتا جنبه شخصی‌وخصوصی داشت و باین فیلم بود که «مایکل کین» بعنوان یك ستاره شهرتی بین‌المللی پیدا می‌کند.

● «پسر لات» از جمله‌فیلم‌هائی است که «لوئیس گیلبرت» را به تماشاگران ایرانی شناساند.

در این فیلم «گیلبرت» راکه به مسئله عصیان و شرارت جوانان توجه دارد، سخت تحت تاثیر سینمای «شورش بی‌دلیل» وکار‌های «جیمز دین»ی می‌بینیم. همانطور که قبلا بیان شد اوفیلم‌سازی است که همیشه موارد تجربه شده را دنبال می‌نماید.

سپس از او فیلم «خوبان در جوانی می‌میرند» را دیدیم که از نظر نوشته و ترکیب آدمهاامتیازات جالب توجهی داشت که در طی آن چهار مرد که تا شب قبل همدیگر را نمی‌شناختند باتفاق‌تصمیم به‌سرقت بزرگی میگیرند نکته مهم در این ماجرا مواجهه قابل



ستاره فیلم حکیم‌باشی

ایرن

به نشئه شرابی کهنه و ناب

● «ایرن» در فیلم «محلل» قبل از اینکه معرف پرسوناژ خود باشد سیمای گویائی از خصوصیات یك زن کامل باتمام زیبائی های باشکوه و باروری متعلق بآن را نمایان ساخت و این دیگر مربوط به فیلم نبود بلکه به خود «ایرن» تعلق داشت.

زیبائی ایرن در دوره اخیر فعالیت سینمائیش‌ضمن اینکه‌اغواگر و سکرآور و هوس‌انگیز است حالتی احترام آمیز و تقدیس شده نیز دارد - و سکر آن چون‌شرابی کهنه و ناب مخاطب را نشئه می‌کند.

حال گفتگو از زنی است که همیشه کار هایش در سینما در هاله‌ای از جنجال و بگو و مگو پیچیده شده است - توجه کنید به گفته او در مراسم چهارمین‌دوره جشنواره سپاس که : اول یاآخر صف بودن برای من مهم نیست مهم آنستکه توی صف باشم - و بدین ترتیب این جمله ساده خیلی زود به صفحات مطبوعات کشانده میشود و بحث های فراوانی را پیش می‌آورد - گوئی که بحث و جنجال همچون سایه همزادی او را همیشه باید تعقیب نماید.

● «ایرن» با بازی در تئاتر کار هنری خود را **شروع می‌کند** و این مربوط میشود به دورانی که تئاتر سعدی باآن پیس های سنگین خود حکومت میکرد وبرو بیائی داشت.

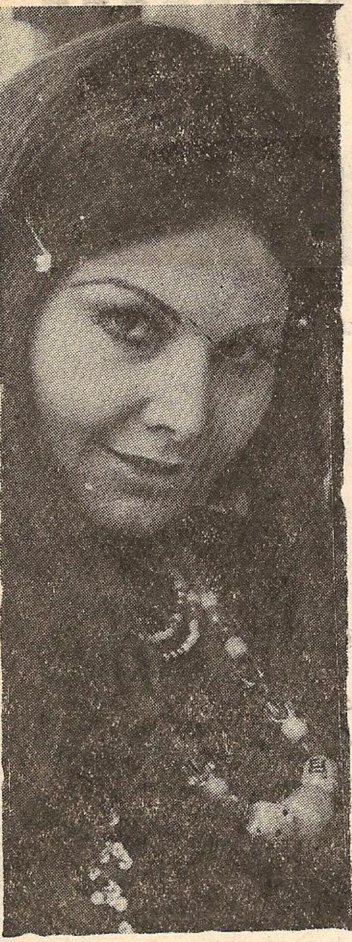
«ایرن» همیشه باافتخار و سربلندی ازاین دوران سخن‌میگوید و معتقد است که این تجربه در موفقیتهای وی در سینما بی‌تاثیر نبوده است - سپس او به تروپ «جعفری» می‌پیوندد و بعنوان یك آکتریس باقدرت معرفی میگردد.

و شش سال تمام در تئاتر زندگی می‌کند و در پیس‌هائی چون شنل قرمز - اوژنی گرانده - شوهر ایده‌آل - پیچ خطرناك - شب بحرانی نقش های برجسته‌ای را بعهده میگیرد و «بادبزن خانم ویندرمیر» را بهترین کار خود میداند.

«ایرن» با تروپ «جعفری» به سینما راه پیدا میکند و فیلم «مردی که رنج میبرد» ساخته‌ی «جعفری» اولین کار سینمائی‌اوست (۱۳۳۶) - سینما خیلی زود اورا می‌پذیرد و بدام خود میکشاند و این نه بدلیل رکود کار تئاتر در ایران بلکه بخاطر انعطاف وپختگی او در کار بازیگری از یکطرف و فیزیك و تیپ مناسبش برای سینما از طرف دیگر میباشد - به طوریکه دیگر ایرن به سن تئاتر باز نمی‌گردد و ستاره اول سینمای ایران میشود.

در همین مواقع مسئله طلاق وی از «محمد عاصمی» همسراولش پیش می‌آید و این واقعه باسر و صدای فراوانی در مطبوعات آن زمان مواجه میگردد - جرایدکه سخت بدنبال چنین سوژه‌های داغ بودند بیکباره از عشق های تازه‌ی داستان‌ها میسازند مخصوصا بەشایعه ازدواج مجدد او بایکی ازمنتقدین

بقیه درصفحه ۴۱



چهره‌های روز

قبول آنها باهم و پیش آوردن اتفاق نظر بین آنان بود.

بافیلم «پیکارخونین» گیلبرت را در گیرودار جنك جهانی دوم می‌بینیم که قهرمانش زنی است‌که شوهرش را در جبهه دونکرك از دست داده است.

این زن در گیرودار جنك عمومی برای حفظ زندگی خود و تنها فرزندش گرفتارجنگی خصوصی نیز هست.

با اشاره به سه فیلم فوق‌بخوبی سبك کار «لوئیس گیلبرت» شناخته میشود و آن اینکه اودر هرزمینه‌ای که بازار می‌طلبد کار می‌کند - حتی در سینمای خاص جیمزباند!

● در چند سال اخیر ازاو فیلم «فقط دوبار زندگی می‌کنید» را دیده‌ایم.

گیلبرت با ورود به دنیای جیمزباندی در واقع دست به تجربه تازه‌ای می‌زند و جیمزباند را به ژاپن میکشاند و در ارائه مقادیری آکسیون توام باخشونت و سکس- نمایشی هم از آداب و رسوم خاص مردم ژاپن ترتیب میدهد.

«ماجراجویان» پرسر وصدا- ترین فیلمی است که او ساخته و در آن‌کمترین گریزی برای‌تماشاگر خود باقی نمی‌گذارد و تمام‌مسایل دلخواه روز را چون سیاست، عشق های شهوانی‌و بیمارگونه،اختلافات اجتماعی و طبقاتی، انقلاب،خشونت، سکس پیش می‌کشد و بشکلی عامه پسند عرضه میدارد.

«ماجراجویان» نه فقط در ایران ، بلکه در تمام اروپا فروش سرسام‌آوری داشته است.

لوئیس گیلبرت اکنون یکی از ذخایر گران قیمت سینمای انگلستان محسوب میشود.

حال فیلم «دوستان» او را در پیش رو داریم که خودش آنرا نوشته تهیه و کارگردانی نموده است.

گیلبرت این فیلم را یکی از کار های شخصی و دلخواه خود میداند که در آن کمتر در فکر بازار و تماشاچی بوده است.

در این فیلم از عشاق خیلی جوانی گفتگو میشود که از زندگی پرهیاهو و کاذب امروزی می‌گریزند و چون آدم و حوا تصمیم میگیرند که زندگی تازه‌ای آغاز نمایند - لذا آنها از غوغای شهرهای شلوغ و آدمهای بیمار متعلق بآن بریده و به کلبه‌ای دور دست در یك روستا پناه می‌برند.

لحن بیان گیلبرت در این فیلم سخت شاعرانه و شیرین است و از صمیمیتی صادقانه برخوردار میباشد و بخاطر همین بااینکه در فیلم بازیگر مشهوری شرکت ندارد بازهم شیرین و لذت‌بخش جلوه می‌کند.

«اریك براون»منتقد انگلیسی می‌نویسد : پرداخت گیلبرت در این فیلم تاحدودی باملاطفت و شفقت همراه است و فیلم آشکارا یك گزارش شخصی است اماحیف که این چنین فیلم تقریبا شیرین و لذت بخش سرانجام احساس تلخی در ذائقه باقی می‌گذارد.

اقتصاد سینما

نوشته : عبدالله صفائی

«۵»

فصل پنجم

بخش دوم : تحولات سینمای تجاری و اقتصادی ایران

«برای تهیه این بخش لازم بتذکر است که در اثر عدم منابع تحقیقی تصمیم گرفته شدکه باتهیه کنندگان وصاحب‌نظران سینمای ایران تماس‌هائی برقرار شود و بااستفاده از گزارش های فرهنگی دبیرخانه شورای عالی وزارت فرهنك و همچنین قسمت نمایش فیلم آن وزارتخانه این بخش تکمیل شود».

تحول اقتصادی سینمای ایران را میتوان شامل سه بخش زیر دانست :

الف ـ مختصری از تاریخچه و تحولات سینمای ایران‌تاسالهای ۱۳۳۰ الی ۱۳۳۲

ب ـ تحول فیلم فارسی و تغییر مسیر آن

ج ـ سینمای فعلی و تقسیماتش

الف ـ مختصری از تاریچه و تحولات سینمای ایران

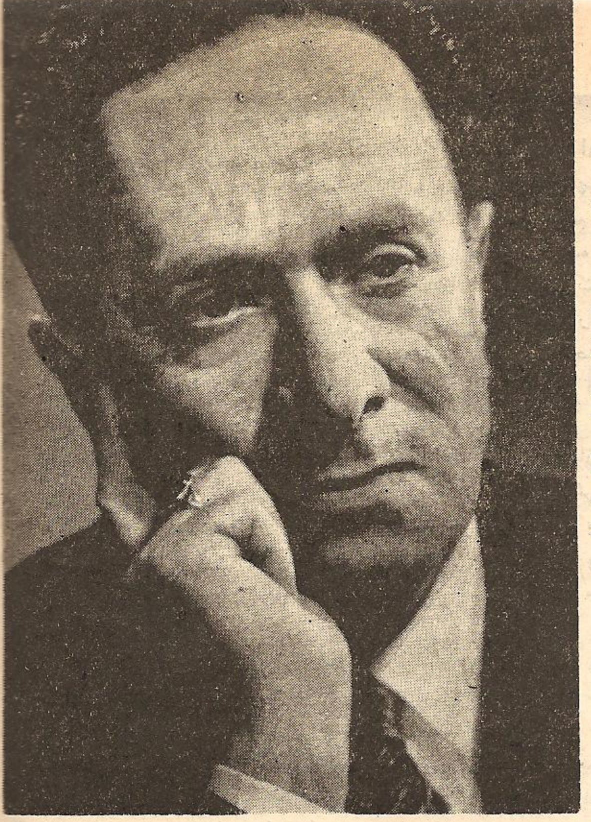
از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ فیلم‌های کوتاه وصامت مرتب واردکشور میشد و مردم برای دیدن آنها یك ژتون ده‌شاهی میخریدند و ضمن دیدن فیلم بستنی‌هم میخوردند . این فیلم‌ها در سینمای «آفتاب» و «فاروس» و «جدید» بنمایش در میآمدند. تا اینکه اولین سینمای‌مبله ایران بنام «گراند سینما» در خیابان لاله‌زار بوجود آمدکه اعضاء ارکستر هنگام نمایش فیلم موزیك می‌نواختند وترجمه شفاهی فیلم‌ها وسیله مترجمی که در سالن راه میرفت انجام میشد . بعدها ترجمه بوسیله نوشته‌ها که در لابلای صحنه‌های فیلم هنگام مونتاژ قرارمیگرفت وگاه بصورت زیرنویس عملی میگشت .

یکطرف سالن زنها می‌نشستند و طرف دیگر مردان قرار داشتند ضمنا قیمت بلیط زنان ارزانتر از مردان بود وبدین وسیله میخواستند تشویقی برای جلب مشتری باشد وبرتعداد تماشاچیان افزوده شود . زیرا تعصب وعقاید مذهبی شدید مانع میشدکه سینما در مسیر درآمد خود قرار گیرد .

تاسال ۱۳۲۷ فیلم‌های خارجی روی اکران سینماهای ایران را باهمان زیرنویسی لاتین وبعدا هم که فیلم‌های ناطق به‌بازار آمدباصدای اصلی نمایش میدادند. تااینکه در این سال گروهی از تحصیل‌کرده‌های ایران شرکتی بنام «شرکت سهامی ایران» دایر کردند وتصمیم به‌دوبله فیلم گرفتند واولین فیلمی‌که بزبان فارسی دوبله نمودند « دختر فراری» بود .

این فیلم‌که وسیله دکتر کوشان درترکیه دوبله شده بود درسینمای کریستال تهران بنمایش درآمد که بشدت مورد علاقه مردم قرارگرفت زیرا فیلم بزبان خودشان بود.

اگرچه فیلم خالی از اشکال تکنیکی نبود ولی چون سطح‌فروش



عبدالحسین سپنتا سازنده اولین فیلم ایرانی

بسیار بالا بود شرکت سهامی ایران که در راسش دکتر کوشان قرار داشت تصمیم به تهیه فیلم فارسی گرفتند و استودیوئی بنام میترافیلم دایر کردند .

قبل ازساختن فیلم فارسی (۱) در ایران ، گروه ایرانیان مقیم هندوستان از جمله: «اردشیر ایرانی» استودیوئی در شهر بمبئی دایر کرد ومرحوم «عبدالحسین سپنتا» مامور تهیه فیلم ایرانی «دخترلر» شد. تهیه این فیلم بامشکلات فراوانی همراه بود . پیدا کردن هنرپیشه فارسی زبان بخصوص هنرپیشه زن برای سپنتا مشکل بزرگی ایجاد کرده بود تااینکه دختری بالهجه کرمانی پیدا کرد ومجبور گشت که اساس گفتار فیلم را روی لهجه او بنویسد بعلاوه نوشتن سناریو کارگردانی و دکور وگریم وتهیه صحنه‌های فیلم که مشابه محل‌وقوع داستان باشد همگی بعهده خود سپنتا بود .

پس از آماده شدن فیلم . روزنامه های هندی و انگلیسی به تمجید آن پرداختند و در ایران فیلم مدت چهار ماه روی پرده سینما سپه (زهره فعلی) و سینما مایاك بود و از لحاظ درآمد موفقیت چشمگیر و شایان توجهی بدست آورد .

موفقیت این فیلم باعث شد که کینه‌توزیها و کارشکنی‌ها علیه سپنتا آغاز شود و چون گفته او در این مورد تا حدی بستگی به امور اقتصادی فیلم دارد عینا نقل میشود .

(... نه فقط نمایندگان کمپانیهای خارجی که مبتذل‌ترین‌فیلم‌های تجارتی را از بغداد و لبنان بطور دست سوم به ایران واردمی‌کردند و ارز کشور را خارج می‌نمودندبا تمام قوا وبدستیاری‌مقاماتی که مسئول امور فیلم بودند برای زمین زدن اولین فیلم ناطق‌ایرانی و گریزان کردن من ا زایـران کمر بستند ، بلکه حتی متاسفانه باید بگویم چند تنی از متصدیان تآتـر هم از هرکارشکنی و دشمنی باز ننشستند . این بی‌انصافی و مبارزه ناجوانمردانه در روحیه من که با امید فراوان به وطن بازگشته بودم تاثیر عمیق گذاشت که شاید بعدا نیز تاثیر آن در زندگی من باقی ماند ...)

ادامه دارد

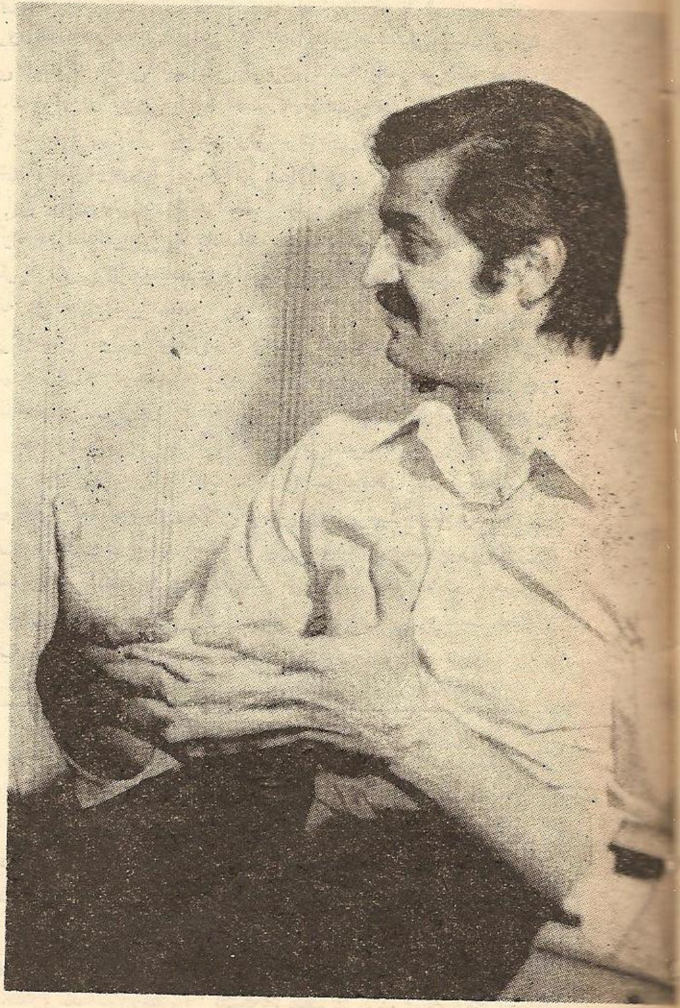
(۱) اولین فیلم‌های ایران‌که وسیله سپنتا ساخته میشد عنوان فیلم ایرانی داشت ولی باپیدایش دوبله دراعلانات وآگهی‌های تجارتی فیلم اصطلاح «دوبله فارسی» عنوان میشد و هنگامیکه تهیه کنندگان ایرانی دست به‌تهیه فیلم زدند بتدریج اصطلاح فیلم فارسی را برآثار خود عنوان نمودند وبدین ترتیب‌لفظ «فیلم فارسی» بجای «فیلم‌ایرانی» رایج گشت .

نقد و منتقد در ایران ...

از : ایرج صابری

« ۱۸ »

گفتگو با : پرویز دوائی



مشکل منتقد

● معمولا منتقدین در هنگام تماشای فیلم و کار قضاوت خود رفتار و عادات خاصی دارند و آنان بناچار خیلی دقیق‌تر و همچنین مشکلتر از تماشاگران عادی فیلمها را می‌بینند ــ بطوریکه حتی گاهی مجبور میشوند چندین بار یك فیلم را ببینند و یا بهنگام تماشا از نکات مورد توجه یادداشت بردارند و تمام این وضعیت‌ها الزاما مربوط می‌شود به کار نوشتن و نقد فیلم .

«بهرام ری‌پور» میگوید : اما من خیلی راحت و عادی مثل همه فیلمها را می‌بینم و مطالعاتم در باره سینما تا بآن حد هست که‌حالا خودم برای خودم یك منتقد هستم بطوریکه بمحض تمام شدن فیلم قضاوت و نظرم را در مورد آن دقیقا دارم و برای بدست آوردن یك قضاوت صحیح و اطمینان‌خاطر در موردنظر اولم احتیاجی به‌دوباره دیدن آن فیلم ندارم .

«ری‌پور» معتقد است که یکی از بزرگترین مشکلات منتقدحرفه‌ای نوشتن در باره فیلمی است که‌حرفی نداشته باشد طبعا وقتی منتقد مجبور باشد در مورد چنین فیلمی چیز بنویسد حتما دچار آسمان ریسمان بافی خواهد شد .

روزهای خوش گذشته

● «بهرام ری‌پور» همیشه با احساس خاصی از گذشته‌ها یاد می‌کند و با یاد آوری مزه خوب آن دوران خوش نشئه می‌شود ــ دورانی که می‌نوشت و نقدمیکرد. دورانی که تیم «پسر عموها» متشکل و کامل بود . «پرویز دوائی» در وصف این دوران می‌نویسد :

«... این عوالمی است متعلق بخود ما که دیگران در آن نه‌می‌توانند راه پیدا کنند و نه ماچندان اشتیاق داریم که راهشان بدهیم.

از بهرام که در بیست وچهار وپنج سال عمرم در بیش از بیست سالش او را در کنار خودم‌دیده‌ام (۱۳۳۸) از پرویز نوری که‌همسایه و دوست هفت ــ هشت ساله‌ی من است . از هوشنگ خان‌بهارلو که وجود کوچك و بی‌اندازه پاك و صادقش جای خود را در دل من‌باز کرد از الخاص که از حرارت و تندی احساساتش هرکس اول جا میخورد و بعد بی‌اختیار مفتون صفا ، سادگی و پاکدلی کم‌نظیرش میشود . الخاص که باهم آنقدر تضاد فکری داشتیم و در عین‌حال آنطور بهم نزدیك بودیم از هژیر داریوش که جدی‌تر و سخت‌تر و عمیق‌تر از هریك از ما بسینماعشق می‌ورزید ...

ما با روبرت اکهارت،هوشنگ خان‌بهارلو این پرویز خان نوری ری‌پوروالخاص وهژیرپیوندی‌سوای همکاری مطبوعاتی داشتیم چه‌داستان هائی داشتیم آن محافل بحث ــ بحث‌هایمان‌هیچوقت سرمسایل‌خطیر جهانی و کشوری نبود سر همین جریانات سینمائی بود اما جدی‌بود، خیلی جدی و پرشور ــ یاد آن‌شب زمستان می‌افتم که بین هژیر و الخاص آن بحث تاریخی پیش‌آمد و نزدیك بود از مرحله افکار و الفاظ بمرحله‌ی عمل و حرکات‌بدنی کشیده شود ! ... محیط ما بهرحال همیشه محیط صفا و صمیمیت بوده حب و بغض و این قبیل کثافت‌ها در جمع کوچك ما راهی هرگز نداشته است ...»!

«بهرام‌ری‌پور» بالحنی‌پردریغ میگوید :

سینما وقتی حرفه میشود ، آدم خیلی از اعتقاداتش را ازدست میدهد و یا مجبور میگردد آنهارا زیرپا بگذارد شاید بهتر باشد که آدم هیچوقت بطور حرفه‌ای بکار ذوقی و یا هنری نپردازد ــ حتی نقد نویسی ــ وقتی نقد نویسی هم حرفه شد دیگر منتقد آن آدم پاك و نوجو و سالم باآن طرز فکر و ایده‌آلها نخواهد بود ــ اصولا هر کاری وقتی حرفه شد ارزش خود را از دست میدهد .

«ری‌پور» نقدی‌که برای فیلم « هوس در صبح تابستان » (اگراندیسمان) انتونیونی نوشته است یکی از بهترین نوشته‌های خود میداند ــ برای آشنائی بکار او به قسمتی ازآن توجه می‌کنیم :

« ... مشخصه بارز فیلم‌های آنتونیونی جستجوی دائمی و یاس آمیز پرسوناژهاست . آدم های فیلمهای آنتونیونی‌دائمادرجستجوی یك ایده‌آل ناشناخته و نامعین هستند ، در یك حالت گیجی و سرگشتگی روانی بسر می‌برند که غالبا راه حلی روشن و منطقی برای آن شناخته نمیشود و سرانجام همه آنها چاره‌ای جز قبول واقعیات و مسائل موجود ندارند آنتونیونی تنها سینماگری است که در بیان دنیای درون انسان در بیان آنچه ممکن است برای یك فرد بخصوص مسئله یا حتی یك تراژدی بزرگ و در عین حال ناگفتنی باشد بنحو اعجاب انگیزی موفق شده است .

شیوه‌ای که وی در خدمت‌این سینما بکار می‌برد شیوه‌ای شخصی و کاملا ابداعی است . وی تصویر را صرفا بخاطر مصور کردن‌داستان

بقیه در صفحه ۴۱

نظرها

در تلاطم زندگی

موزیك واسطه‌ای مابین تصویر و تماشاگر

● کاوشی عمیق است در روح و افکار و عواطف متلاطم یك موسیقیدان شناختی نه بگونه یك فیلم‌خشك از شرح زندگی یك شخص بزرك بلکه در ساختن آن‌از سینما بنحو شایانی استفاده شده است .

از همان اوان فیلم مونتاژی تند فیلم را غیرعادی جلوه‌گر می‌سازد آنقدر عادی که کم‌کم برای تماشاگر گیج کننده می‌شود این غیر عادی بودن گرچه اندکی به فیلم لطمه زده و ترکیب پیچیده‌ای بآن می‌دهد باوجوداین‌دقت‌تماشاگر لازم است تا آنچه را که کن راسل با بیان خاص‌خود «غیر عادی بودن بیان» ارائه داده درك‌کرده و بدینوسیله هیجانات عاطفی چایکوفسکی را احساس نموده و البته تا مدتی در فضای فیلم غرق شود .

در نمایاندن یك فضای کاملا روسی کن راسل چون‌دیویدلین در دکتر ژیواگو موفق‌است‌ازامتیازات دیگر فیلم بازی خوب چمبرلین است بهره‌گیری ازموسیقی‌چایکوفسکی بعنوان یك واسطه مابین تصویر و تماشاگر برای ایجاد محیطی سمفونی وار و انتقال احساس موسیقیدانی که با سمفونی زندگی می‌کند کاملا بجا و ملزوم بنظر می‌رسد .

حسین یزدان شناس(شیراز)

آکاتونه

آیا محیط مقصر است

● در آکاتونه نخستین شاهکار پازولینی ، سینما به ترتیب بسیار صحیح وآبرومند بچشم میخورد و این نشان دهنده غنای فکری ودید گسترده این فیلمساز است‌درشناختی که از محیط وفضای‌آدمهای‌فیلمش دارد . آکاتونه نام یکمرد است ، مردیکه در تب داشتن یك زندگی خالی از قید و بند می‌سوزد ، ولی هیچگاه محیط درگیر و خشنش‌باو فرصت درخشش وبهتر شدن را نمیدهد ودرنتیجه آکاتونه برای پیوستن ورطه جامعه نکبت‌بارش نزدیك‌ترین آشنایان و خانواده‌اش را ابزارمعاش قرارمیدهد: زندگی خودرا از درآمد یك‌روسپی تامین میکندو بادستگیری این‌زن زندگی آکاتونه نیز از هم می‌پاشد وحتی برای معاش سعی در انحراف زن دیگری دارد و از سرقت زنجیر گردن کودکش نیز عار ندارد .با مرك آکاتونه بوسیله نیرو های متضاد جامعه ، پازولینی میگوید که انسان درتغییر تقدیر وسرنوشت خود در جامعه امروزی عاجز و ناتوان است و در این تغییر و کجروی علنا محیط را مقصر می‌داند .

آکاتونه پیش از آنکه اثری رئالیسم از واقعیت تلخ جامعه‌یی باشد ، فیلمی است متعلق به مکتب سیاسی و فلسفی مارکسیسم که در آن بر روی عمومیت بخشیدن تامین آدمها ادعا شده است . ولی آکاتونه گذشته از دید خاص‌چپ‌گرایی‌اش بخاطر پرداخت‌تصویری قویش قابل اهمیت است . فیلم ـ برداری با اهمیت دلیکولی آنهم در وظیفه‌یی که در القای محیط بسته فیلم دارد در آخرین درجه از آفرینش است . پازولینی در اخذ بازیهای خوب اعجاز میکندو موزیك کلاسیك باخ به فیلم او ارزش‌واعتباری بیشتر بخشیده‌است.

محمد ـ جعفری

تپلی

● تائید فیلم تپلی که خوشبختانه چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی موفقیتی داشت کار بسیار کم مسئولیتی هست !! ولی تلاش یك گروه را که صمیمانه کوشیده‌اند تا وسیله تصویر های گویا حرفهایشان را بزنند ، باید تائید کرد هرچند این تائید مکرر باشند . کارگردان این مرتبه بار مسئولیتی رابدوش می‌کشد سینمارا خوب می‌شناسد وسینمای میرلوحی تصویر است تا حرف و این خیلی خشنود کننده هست .

تپلی تنهاست ، هرچند خودش قبول ندارد : و این خوش‌قلبی را از اسی دارد که همیشه با اوست تپلی که درمصاف با هرکسی بطور یقین پیروز است در مقابل تنهائی آن قادر مطلق همیشگی نیست:وجود اسی سببی است‌که ازاین تنهائی گریزی داشته باشد هرچند موشها برای اندك فرار از تنهائی یا تا آنجا که طاقت پنجه های قوی تپلی را داشته باشند کافی بنظر میرسند ولی مرك در کمین آنهاست وهمین مرك موشها باعث میشود اسی احتمالا از او دوری بجوید و بازتنهائی هست و این برای تپلی دردناك است : تپلی دوست دارد تا موردی پیش بیآید که اطرافیانش را بخنداند هرچند خودش مورد تمسخر قرار میگیرد : ولی او نیشخندها را بحساب خنده هائی میگذارد که باید از ته دل خارج میشدند.

میرلوحی با اولین فیلمش که وابسته به سینمای سالم است کار چشم‌گیری را ارائه میدهد که نخست امیدوارکننده است دلیل این گفته‌هارا میتوان در وجود صحنه‌ای مثل ویران شدن لانه خرگوشها که تپلی ساخته است و یا صحنه‌ای که فتنه می‌پذیرد باید ازیك ناکامی همیشگی برخوردار باشد ، دانست . بازی هنرپیشگان هم موفقیتی برای فیلم تپلی است بخصوص بازی هاشمی وطن‌پرست عقیلی وهمایون کار صادقپور درخشان است و مثل همیشه از یك نورپردازی حساب شده و حرکات زیبا وبدون نقص برخوردار است . در آخر اسفندیار منفردزاده با موزیك خوب فیلم سهمی در این موفقیت دسته جمعی دارد .

مصطفی محمدی (اصفهان)

فدائی

● علامه‌زاده را میشناسیم بعنوان کارگردانی که تحصیلات کلاسیك در این زمینه دارا میباشد علامه‌زاده‌را در فدائی‌درسرگردانی می‌بینیم همانطور که در قدیر دیدیم فیلم با کاراکتری اصلی در حالی که سوار ماشینی است شروع میشود و این تداوم وجود دارد تااینکه هردو آنها (مسلم وکریم) به یك بقول خودشان باغچه (کافه) میروند صحنه و سکانس رقص و گفتگوی مسلم و کریم درحین‌مشروب خوری خیلی خوب پیش میرود ولی بعد از آن علامه‌زاده راسرگردان می‌بینیم در تداوم دادن صحنه‌ها بیشتر سکانس‌ها طولانی است سکانس هائی از قبیل گل‌بازی در قهوه‌خانه ـ از بین رفتن کریم توسط مسلم و ... بعضی از صحنه ها خیلی بدیع پرداخت شده‌اند مثل‌صحنه‌ای که کریم در شب از مسلم جویای این میشود که آیا رابطه‌ای بین او و پری بوده یا نه یا صحنه کشیده‌زدن کریم به مسلم بهرصورت فدائی داستانش بداعت چندانی نداشت دیالوگ‌ها خوب و یا لااقل خیلی‌خوب نبودند بازیها جز وجستا هم در حد خوب و بخصوص بازیهای خوب متعلق به مختار و داود رشیدی بودند گرچه بعضی اوقات خیلی تصنعی می‌نمودند ـ موزیك خوب بود و بخصوص اشعار آن که با صدای ناصر پخش میشد ولی موسیقی با تم فیلم چندان هماهنگی نداشت سناریو ضعیف بود فدائی رویهمرفته فیلمی در حد علامه‌زاده نبود و باید بگویم آقای علامه‌زاده دو کار شما یعنی قدیر و فدائی را با آغوش باز پذیرا نیستیم منتظر کار های بعدی شما هستیم

سیدنورالدین پزشکی (تهران)

دختر رایان

یک‌دست وچند هندوانه

● دیوید لین‌تکنیک خوبی دارد ، از دوربین ، موزیك و هنرپیشگان خوب استفاده می‌کندو خواه ناخواه فیلمهایش از محتوای خوبی برخوردارند اما آخرین کار او با دارا بودن تمام عوامل فوق فیلم خوبی نیست .

قبل از هرچیز آشفتگی‌دیوید لین بچشم میخورد که میان‌تعدادی پرسوناژ سرگردان مانده و چون روی کلیه آدمهای‌اثرش تکیه‌می‌کند «چه بیجا و چه بجا» و از هیچ‌چیز نمی‌گذرد هدف و راهش مشخص نیست . در این فیلم محور اصلی ماجرا ها رزی‌رایان است ولی دیوید لین میخواهد با یك دست چند هندوانه بلند کند و پرسوناژ های اضافی وارد ماجرا می‌کند و با ورود آنها با آنکه در راه‌آشنای خودش گام برمیدارد متاسفانه‌عاجز میماند .

در ضمن‌قسمتهای مربوط به دختر رایان تنها شخصیت قابل قبول و موفق فیلم یعنی بطورکلی فیلم را در زمینه امروزی میشود پیاده کرد و احتیاجی به گذشته پردازی نیست .

شکست لین بیشتر در بیان حرف و ایده‌اش می‌باشد که زیاد حاشیه پردازی و کش داده شده است و کاراکتر های زیادی در فیلم هستند که فقط جنبه نمایشی دارند مثل تمام اهالی آن دهکده که کارگردان زیاد روی حرکات آن زنها تکیه می‌کند و یاکاراکتر آن مرد گنگ و دیوانه «جان‌میلز» و یا موضوع انقلابیون بطور کلی و خیلی صحنه های زاید که از وجود همین‌ها ناشی میشود پس بطور کلی در برخی صحنه های مربوط به دختر رایان است که فیلم توفیق کامل دارد .

ازامتیازات‌خوب فیلم، فیلم‌برداری ورنگ‌آمیزی زیبای فردی یانگ است و بازی پراحساس جان میلز که با قدرت بسیاری تمام احساساتش را بیان می‌کند .

جمشید گشتاسبی «آبادان»

ارتباط فرانسوی

دست‌یابی به‌سبکی جدید

● این فیلم بی‌شك یك‌شاهکار سینمایی محسوب نمیشود ، ولی میشود گفت «فردکین» با«ارتباط فرانسوی» به یك روش جدید و استیل نو و سبك خاص خوددست یافته است .

او با یك موضوع تکراری یعنی تعقیب و دستگیری دسته قاچاقچیان وسیله پلیس‌فیلمی‌ساخته است متفاوت ، چرا که در این‌فیلم به هیجان کاملی آنچنان که یك تماشاگر از یك فیلم میخواهد و آنچه خودش خواسته دست می‌یابد .

او بدون استفاده از داد و فریاد و جیغ (های بنفش) وسکس و یا سایر موارد و حربه‌های مبتلا به فیلمسازان کنونی اصراری‌ندارد که فیلم را ازقلب یك‌فیلم استنادی خارج سازد و همین علت برای‌این مدعی کافیست که اودر پلانهای آخر فیلم یکی‌یکی نتیجه قهرمانان ماجرا را پس از دستگیری بیان میکند ...

«فردکین» حتی با دید حزن‌آلودی به جریان می‌نگرد مثل کشتن یکی از پلیسها بدست «گاراگاه دوئل» یا قتل دونفر بیگناه — مامور ترن — بدست قاچاقچی و یا اصابت تیر به زنی که فرزندش را با کالسکه به‌گردش آورده و اعمال نابهنجار کارآگاه دوئل ، ...

بله می‌گفتم فیلمساز یك دید حزن‌آلودی دارد بعکس نظراکثر منتقدان که‌فیلم راطنزآلوددانسته‌اند که احیانا باید از چشم دوبلاژفیلم این قضیه را دید . مثل حرف مضحك صاحب اتومبیلی که‌کارآگاه دوئل‌سوار آن شد یا گفتن مداوم کلمه «حرومزاده» و ...

بهرحال در انتها باید برای اعتلای فیلم از موزیك مناسب«دان الیز» و بازی خوب«جین‌هاکمن» نام برد ...

یوسف خداپرست (تهران)



خواستگار

نشانه‌هائی از یك کار خوب

● خواستگار نیز همانند دیگر فیلمهای حاتمی از فرهنك غنی و اصیل ایران ریشه میگیرد که اینبار حاتمی همان آداب و مراسم را در قالب دیگری نشان میدهد . در این فیلم دیگر حاتمی برای گذشته دریغ و افسوس نمی‌خورد ، عیب عمده فیلم نامشخص بودن زمان و نداشتن منطق است . فیلم در ابتدا در محیط قدیمی می‌گذرد، ولی در فصل آخر به یك بیمارستان مدرن کشیده میشود و اتاقی‌به سبك مودستی‌بلز !!

شاید صحیح نباشد که بخواهیم در یك فیلم کمدی منطق را وارد آن کنیم . ولی ماجراهای این فیلم . که همان پیدا شدن مرد‌های مختلف است و ازدواجشان با زری ، بهیچوجه‌به‌عقل‌جوردرنمی‌آید ، و نه پیدا شدنشان ، نه ازدواج های غیر اصولی‌شان و نه ناپدید شدنشان هیچکدام بر منطقی سوار نیستند . گذشته از این فیلم ریتمی کند ، کشدار و خسته‌کننده دارد و نمی‌تواند تماشاچی را بدنبال‌کردن ماجرا ترغیب کند ، فیلم در واقع یك داستان شش قسمتی است ، پنج فصل مربوط به شوهر های پنجگانه زری و فصل آخر که در بیمارستان میگذرد ، که هیچکدام‌ازاین قسمتها با یکدیگر تداوم و همبستگی محکمی ندارند ، دوربین در تمام طول فیلم‌متحرك استو این هم‌حوصله براست و هم اینکه به فیلم لطمه میزند ، نظیر صحنه‌هایی که در اتاق آقای خاوری میگذرد . با توجه به زندگی آرام یکنواخت و بیروح او . متحرك بودن دوربین در این صحنه‌ها به یکدستی فیلم لطمه میزند ، فیلم از صحنه های کشدار و خسته‌کننده نیز خالی نیست نظیر صحنه‌ای که استاد موسیقی دارد زری را تعلیم میدهد و مرتب بی‌بی و پدر و مادر زری از اتاق بیرون می‌آیند و آقای خاوری آنها را باز بداخل اتاق میراند و این چندین مرتبه تکرار میشود .

هوشنك راستی (آبادان)



بابا نان داد

ساخته دلپذیر دیگری از امان منطقی

● سینما اگر بزندگی نزدیك نباشد در جهان امروز دیگر اهمیت وارزشی ندارد زیرا اینك خارج از اینکه سینما بایستی یك وسیله ارشاد و سرگرمی باشد باید بازگو کننده حقایقی باشد و تماشاگر بتواند زندگی خود را بخوبی روی پرده سینما مشاهده کند، بهمین علت است که اکثر فیلمسازان بزرگ جهان میکوشند که داستانی رابفیلم برگردانند که رگه‌هائی از واقعیت در آنها وجود داشته باشد وتماشاگر بتواند همه حوادث فیلم را قبول کند.

امان منطقی فیلمسازی است که توانسته است در اندك مدتی برای خویش اعتباری در سینمای ایران بدست آورد. اولین کار او در سینما پهلوان مفرد و سپس غلام ژاندارم در زمینه‌های متفاوتی ساخته شدند و اینك فیلم سوم او بابانان داد گرایش جدیدی است بسوی یك سینمای واقع‌بینانه که البته در آن طنز نمودی جای خود دارد.

«بابا نان داد» سرگذشت مرد فقیر و بیچاره و در عین‌حال خوش قلبی است که دست تقدیر بچه‌ای را جلوی راه او قرار میدهد واو این بچه را باخود برده وبزرگ میکند وهم‌نقش مادر اورا بازی میکند وهم نقش پدر اورا. باأو اخت می‌شود، بزرگ می‌شود و محبت می‌کند وزندگی شاد و آرامی را میگذرانند. اما ناگهان یك حادثه ویك‌اتفاق این خوشبختی را از مرد می‌گیرد ودست بیك فداکاری بزرگ میزند.

«رضا بیك ایمانوردی» بازیگر خوب و انعطاف پذیر سینمای ایران یکی از بهترین کارهای دوران هنری خویش را در فیلم عرضه میدارد و در کنار او هنرمندان دیگری چون سپیده، جمشید مهرداد وخواننده خردسال ساسان ایفای نقش می‌کنند.

استودیو پارس فیلم تهیه کننده آثار موفق سینمای ایران، بابا نان داد را بعنوان یکی از بهترین آثار سال جاری خود میداند زیرا معتقد است این فیلم از تمام عوامل سازنده یك فیلم خوب برخوردار است.

برنامه‌آینده سینماهای: اونیورسال- ایران - پاسیفیك- تیسفون- سایانا- مراد- کریستال - پرسپولیس - مونت کارلو - موناکو - دریا - کارون- داریوش‌وآستارا (تجریش)

پاسخ سردبیر

شیراز ــ آقای محمد هاشم مقصودی

۱ ــ فروزان با شرکت در فیلم انسانها کارش را در سینما آغاز کرد، اما اولین فیلمی که ازوی بنمایش درآمد، فیلم ساحل انتظار بود ۲ــ در حال‌حاضر وی گرانترین و پولسازترین ستاره سینمای ایران است ۳ــ زری خوشکام با فیلم کلبه‌ای آنسوی رودخانه بسینما راه یافت وفیلمهای بعدی او عبارتند از الکلی ــ مرد هزار لبخند ــ تپلی‌ــ خواستگار

اهواز ــ آقای مرتضی اخوتی

۱ ــ ناصر ملك‌مطیعی‌ازسال ۱۳۲۷ تاکنون در سینمای ایران فعالیت دارد و پرفروشترین‌فیلمهای سالهای اخیر او غلام‌ژاندارم و مهدی مشکی وشلوارك داغ بوده است ۲ــ فردین در حال حاضر کمتر فعالیت سینمائی دارد وازوی تنها فیلم جهنم + من‌آماده‌نمایش است.

کرج ــ آقای رضا فلاح

۱ ــ برای بهروز وثوقی فعلا بآدرس استودیو میثاقیه نامه ارسال دارید وی درحال حاضر بازی درفیلم طاهر را آغازخواهد کرد وپس از اتمام فیلم سید، در فیلم خوشگذران ظاهر میگردد ۲ ــ حکیم باشی سومین فیلم‌نصرت کریمی است و کارگردان آن‌پرویز نوری می‌باشد ۳ــ ایرن فعلا مجرد است، تاکنون دوبار ازدواج‌کرده که هردوبار بجدائی منجر گردیده است.

تویسرکان ــ آقایان حاج محمد مالمیر ــ یوسف عبدالمالکی

۱ ــ عکس بهروز وثوقی را دو هفته قبل وهفته قبل مشاهده کردید و عکس فریبا خاتمی را نیز چاپ خواهیم کرد. ۲ــ برای بهروزوثوقی‌بآدرس استودیومیثاقیه نامه ارسال دارید، امکان دارد نامه شما بدست او نرسیده باشد.

بجنورد ــ آقای علیرضا داوری

۱ ــ بهروز وثوقی در حدود ۴۰ فیلم بازی‌کرده است وفیلمهای هاشم‌خان، قهرمانان، وسوسه شیطان ــ دالاهو ــ تنگ‌ـ اژدها فیلمهای رنگی او می‌باشد ۲ ــ دستمزد ملك‌مطیعی‌یك میلیون‌ریال دستمزد ایرج قادری چهارصد هزار ودستمزد مرجان دویست هزارریال برای بازی در غلام‌ژاندارم بوده

بازار

● دو سناریو که برای فیلمهای کوتاه نوشته‌ام حاضرم در اختیار علاقمندان بگذارم در ضمن مقداری نگاتیف ۱۶ میلیمتری به فروش میرسد.

تهران ــ شوش شرقی ــ خیابان شهیر ــ چهارراه هاشمی‌ــ شماره ۷۷ــ منزل ایمانی ــ میشا ایمانی.

● حاضرم کلیه صفحات مرحوم داریوش رفیعی را بقیمت بسیار مناسب خریداری کنم.

اصفهان ــ فلکه محمد رضا شاه ــ کوی شیخ‌الاسلام ــ شرکت بیرامید ــ ع‌ــ حیدری

● عکسهای امضاء شده هنرمندان زیر را بطور رایگان بعلاقمندان آنها تقدیم میکنم.

پوری بنائی ــ ملك مطیعی‌ــ عارف ــ فروزان ــ رامش ــ داریوش ــ ایرج قادری ــ بهروز وثوقی.

تهران ــ صندوق پستی ۷۰۱۱ــ۷ ــ ابراهیم

است . ۳ ــ تاریخ نمایش بلوچ بطور دقیق معلوم نیست و شماره نوروز ۱۳۵۰ رانیز موجودنداریم .

قزوین ــ آقای محمد علی حاج اکبری

از محبت و توجهی که بمجله دارید ممنونیم . حذف صفحه‌شوخی بدان جهت بود که‌خوانندگان‌مجله کوشش داشتند برای صفحه مزبور مطالب تکراری ارسال دارند واین کار بارزش صفحه لطمه میزد ، معهذا ترتیبی برای چاپ مجددآن امکان دارد بدهیم درمورد حذف صفحه گزارش فیلم ، برعکس نظر شما ، این صفحه دارای علاقمندان فراوانی است و صفحه نظرها را نیز بدان جهت ایجاد کرده‌ایم که خوانندگان مجله بتوانند با ابراز نظریات خویش ، بارزش‌یابی‌فیلمها بپردازند . اما پاسخ سؤالات شما

۱ ــ مقصود از ضعف های تکنیکی شامل نقاط ضعفی است‌که درکار فیلمبرداری، چاپ،لابراتوار یا افکت و سنکرون وجود دارد . «آکسیون» نیز بمعنای حرکت است ومعمولا فیلمهای پرحرکت وپرزدوخورد را میگویند، «شات» نیز عبارتست از یك برداشت فیلم ازیك فرد یایك موضوع ۲ــ گویا منفردزاده برای ساختن آهنگ‌کافر قرارداد منعقد ساخته بود امادراثر گرفتاری انجام‌آنرا بواثقی سپردند ۳ ــ خوانندگان مجله می‌توانند برای صفحه مسابقات طرح‌تازه‌ای ارسال دارند که استفاده کنیم .

تهران ــ آقایان رحیم اصفهانی ــ عباس علی‌نیا

نظر شما تاحدی صحیح‌است. فیلمسازان باید دقت کنند وتوهین وناسزا بدسته وطبقه خاصی در فیلمهایشان نگویند اما خودتان میدانید همه مردم جامعه ما یکسان مورد علاقه فیلمسازان هستند و مسئله مطرح کردن صحبت در فیلم دلیل توهین وناسزا نیست . با وجود این نامه شما را عینا برای اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران ارسال داشتیم .

تهران ــ آقای امیر هوشنك صادقی

۱ ــ از دلارام در این هفته عکس ومطلب تازه‌ای در مجله ملاحظه مینمائید ۲ــ تاریخ نمایش فتانه ــ بلوچ و طغرل بطور دقیق معلوم نیست ، اما پستچی بعد از حکیم‌باشی بنمایش درخواهد آمد ۳ ــ امکان دارد فیلم آبشار طلا برای باردوم در سینماهای درجه دوم بنمایش درآید .

مشهد ــ آقای حمید معین درباری

۱ ــ اولین فیلم وجستا که باعنوان سوسن سرمدی فعالیت میکرد الماس ۳۳ بود و آخرین فیلم اونیز عباسه نامدارد ۲ــ تهیه فیلم بوسه برلبهای خونین فعلا برای چندمین‌بار منتفی شده است ۳ــ از آغاسی عکسی در اختیار نداریم که برای شما ارسال داریم .

تهران ــ آقای میشا ایمانی

سعی خواهیم کرد که صفحه رنگارنك را بمطالب خوانندگان اختصاص دهیم و قسمتی از آنرا نیز شوخی های ارسالی دوستان خود را چاپ کنیم . صفحه نظرها نیز بطور دائم چاپ خواهد شد نگران نباشید ستون دوست‌یابی و بازار نیز چاپ می‌شود و اگر بعضی اوقات ملاحظه نمی‌کنید علت آن است‌که نامه‌ای بدست ما نمیرسد .

لاهیجان ــ آقای محمد حسین غلامعلی‌پور

برای سهیلا بآدرس خانه هنرمندان نامه بنویسید . سعی خواهیم کرد ازوی عکس و مطلب تازه‌ای چاپ کنیم .

تهران ــ خانم شهره فرزانه

متاسفیم که صفحه چراجوانها پیرها را دوست ندارند را جمع کرده‌ایم والا نظر جالب شما رادر اینمورد چاپ میکردیم از ابراز محبتی که نسبت بملك‌مطیعی دارید ازطرف ایشان‌ازشما تشکر می‌کنیم.

تهران ــ آقای سید نورالدین پزشکی

در هرهفته درحدود بیست‌نامه برای درج‌در صفحه «نظرها» بدست مامیرسد درحالیکه بیش از چهار یاپنج نامه را بیشتر نمی‌توانیم چاپ کنیم وبدین ترتیب خودتان میتوانید حدس بزنید چه اشکالی درپیش است معهذا تمام نامه‌های شما محفوظ است و بترتیب نوبت چاپ خواهدشد .

آقای ناصر صالحپور

پاسخ هفته‌های اول ــ دوم ــ هفتم ونهم ــ یازدهم و دوازدهم را ازشما دریافت نکرده‌ایم . می‌توانید ارسال دارید .

اصفهان ــ آقای رضا بابائی

۱ ــ برای اطلاع ازدستمزد منوچهر وثوق بمطلبی که درهمین شماره چاپ شده‌است رجوع‌فرمائید ۲ــ علت همبازی نشدن منوچهر وثوق را بابهروز وثوقی نمیدانیم لابد تهیه کنندگان از آنها دعوت نمی‌کنند که باتفاق در فیلمی‌ظاهر شوند ۳ ــ منوچهر وثوق برای بازی در فیلم دختر شاه پریان ۳۰۰۰۰۰ ریال دستمزد گرفته بود .

آقای محمود اسدی

انجام خواسته شما بطریقی‌که مرقوم داشته‌اید میسر نیست در مورد فیلم جهنم + من ، ابتدا سیاوش یاسمی بعنوان کارگردان معرفی شده بود اما بنا بعللی ، نام فردین‌بعنوان‌کارگردان درپلاکات‌ها چاپ شد و مرتضی حنانه نیزبرای آن موزیك متن ساخته است ، مصاحبه با ایرج‌را هم انجام‌خواهیم داد .

اصفهان ــ آقای علی‌اکبر محمدی

آقای جمشید اکرمی دانشجوی دانشگاه است و مشغول تحصیل و فعلا فعالیتش مختص فیلم و هنر است و بعید نیست که‌روزی بجرگه سناریست‌ها بپیوندد، آقای سهرابی نیز با فیلم و هنر مدتی است هم کاری ندارد. در ضمن از اصطلاح سینمائی که سؤال کرده‌اید دقیقا اطلاعی ندارم و شاید هم اصولا اصطلاحی برای چنان صحنه‌هائی وجود نداشته باشد.

دوست‌یابی

● مایلم باکسانیکه درساختن فیلمهای ۸و۱۶ میلیمتری‌تجربیاتی کافی دارند مکاتبه نمایم .

تهران ــ شوش شرقی ــ خیابان شهپر ــ شماره ۷۷ ــ میشا ایمانی

● مایل بمکاتبه با طرفداران هنرمند محبوب سینمای ایران بهروز وثوقی هستم .

اصفهان ــ دروازه تهران ــ خیابان انوشیروان ــ کوی‌بهارستان ــ مغازه اصلاحچی ــ رضااصلاحچی

● باعلاقمندان ملك‌مطیعی ــ بهروز وثوقی ــ پوری بنائی ــ ایرج قادری ــ بهمن مفید ــ رامش ــ گوگوش ــ عارف ــ مهستی ــ بیك ایمانوردی مایلم مکاتبه داشته باشم .

تهران ــ صندوق پستی ۷۰۱۱ ــ ۷ ــ ابراهیم

● دوستدارمکاتبه باخوانندگان محبوب ایران فرهاد و فریدون هستم .

اصفهان ــ دروازه تهران ــ خیابان انوشیروان ــ کوی بهارستان ــ بن‌بست علی‌اکبری ــ پلاك ۳۱ ــ احمد علی‌اکبری

● با علاقمندان بنویسندگی حاضرم مکاتبه داشته باشم

تویسرکان ــ خیابان پهلوی ــ مقابل‌خیابان‌امیرکبیر ــ خواربار فروشی جدیدی ــ عزت‌الله‌جدیدی

● حاضرم با علاقمندان فیلم وهنر و دوستداران فیلم‌های‌هندی مکاتبه نمایم .

آستانه اشرفیه ــ میدان ششم بهمن ــ خیابان رضاشاه‌کبیر ــ کوی صفا مطبوع حافظ ــ نادیا خرمی

● علاقمند مکاتبه بادوستداران ناصر ملك‌مطیعی ــ پوری بنائی ــ گوگوش ــ بیك ایمانوردی ــ میری ــ اسدالله یکتا و مخالفین سعیدراد هستم .

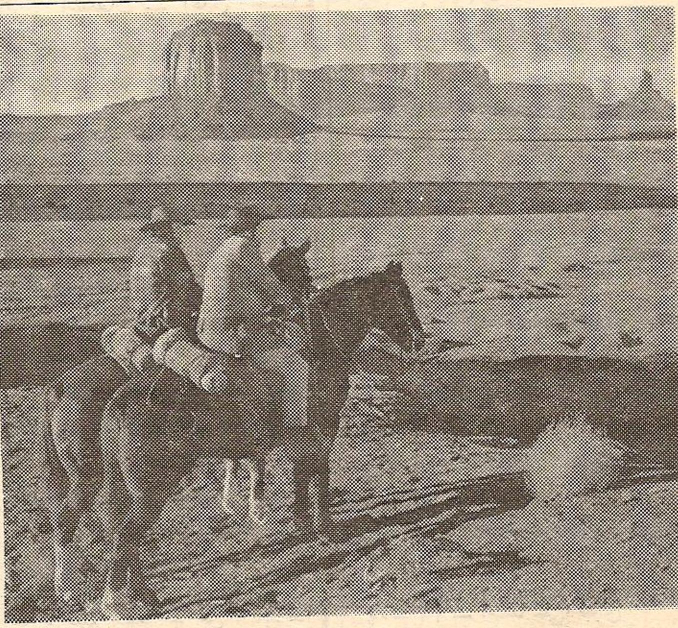
کرمان ــ کوی وحشی‌بافقی ــ خیابان فردوسی ــ پلاك ۱۰ ــ منصور فرزان

گزارش فیلم

جمشید اکرمی

وسترنی در بند کش وقوسهای فرم

ولگردان خشن The Wild Rovers



مسئله عمده این نخستین وسترن «بلیك ادواردز» فیلمساز خوش قریحه آمریکائی آنست که بسیار بیش از آنکه بکوشد از نظر فرم به محتوای خود احترام بگذارد ، در بندکش و قوسهای برونه‌ای مد روز است و فی‌المثل چنان به‌نظر می‌رسد که «ادواردز» خود راموظف می‌دانسته تمام مرگ های فیلمش را اسلوموشن بگیرد و یا شاتهای مکرری از آوارگی و سفر طولانی دو کاراکتر اصلیش در دشتها و دامنه کوههای سنگی در کادرهائی صرفا قشنگ (بدون آنکه ظرافتهای مینیاتوری داشته باشند) نشان تماشاگر دهد .

فیلم از نظرظاهر و نیز زمینه زمانی وقوع ماجرا های فیلم (اواخر عصر کابوی ها ـ دهه ۱۸۸۰) شباهت زیادی به فیلم معروف سام پکین‌پا «این گروه خشن» دارد . با این تفاوت که در شرایطی که تلخی فیلم پکین‌پا در هرلحظه آن محسوس بود ، در اینجا شوخی‌ها و بیان گاه طنز آمیز ادواردز آن تلخی جبری‌سوژه را هم تا حدود زیادی خنثی و نامحسوس ساخته است . البته این به آن معنی نیست که ادواردز موفق شده است در این فیلم یك لحن شوخ و طنز آمیز داشته‌باشد، چرا که ما از آن ادواردز همیشگی که هرفیلمش متبلور از مضامین بکر کمیك بودند ، فقط رگه‌های کمرنگی‌ازیك طنزنامتعادل و کنترل شده می‌بینیم (مثلا برخی از دیالوگها و یا صحنه هائی مثل قاطر سواری ، رام کردن اسب وحشی و یا ایده جالب و کمیك گربه‌ای که به یك سك‌توله شیر می‌دهد .)

کاراکتر های اصلی داستان دو کابوی هستند ، یك گاوچران پنجاه ساله سرد و گرم چشیده به اسم «راس بادین» (ویلیام‌هولدن) و یك گاوچران ایده‌آلیست بیست وپنجساله به اسم «فرانك پاست» (رایان اونیل) «بادین» از وضع خود ناخشنود است و «پاست» هم نمیخواهد وقتی به سن «بادین» رسید ، زندگی کسل کننده و یکنواخت و بی‌تمولی مثل زندگی او داشته باشد . احساسهای همان آنها باعث می‌شود که به فکر یك سرقت بانك بیفتند . ایده سرقت جالب است اما اجرای آن ضرب کندی دارد .

یك چیزی هست . آدم وقتی که به تماشای فیلم نشسته است ، به راحتی پی می‌برد که این فیلم حرفهائی برای گفتن دارد، اما در عین حال به سرعت قضاوت می‌کند که فیلم دارد حرفهایش را با یك بیان بی‌استحکام می‌زند . انحراف فیلم به چند تم فرعی نیز باعث تعدیل افه تم اصلی می‌شود. اینها همه شاید ناشی از بی‌تجربگی ادواردز در ساختن یك فیلم وسترن باشند ، چرا که وسترن ، یك ژانر متفاوت است‌ولاجرم بیان وپرداخت متفاوتی ـ عاری از پیچیدگی ـ می‌طلبد . فیلمبرداری «فیلیپ لاتروپ» زیباست . ویلیام هولدن همانست که در «این گروه خشن» دیده بودیم . یك کابوی پا به سن گذاشته فکور و مصمم که اسیر گذشته های خویش است . رایان اونیل احساسهای «فرانك پاست» کابوی جوانی را که چشم به آینده دوخته است ، به خوبی به تماشاگر منتقل می‌کند .

دنیای دونفره !

دوستان Freinds

«لوئیس گیلبرت» قبل از آنکه یك فیلمساز باشد ، یك تاجر بسیار زیرك است با یك شم فوق العاده‌قوی درموردشناخت سلیقه‌های روز دنیا .

گیلبرت به عنوان یك‌فیلمساز اگر چه یك کارگردان متوسط ، اما همیشه یك «تجارتی‌ساز» موفق بوده است . اولین فیلمی که ما از وی دیدیم ، یك اثر جنگی بود به نام «هفتمین سپیده دم» با برخورداری از عوامل تجاری در حدی حتی بیش از ظرفیت فیلم. فیلم دیگری از وی سراغ داریم به اسم «آلفی» که در ایران توقیف شد واین نیز ـپنج شش‌سال پیش ـ از نوع فیلمهای روز بود ـ سکسی های عریان و پرده در ـ و در هر کشوری نشان داده شد ، موج استقبال مردم را بی‌آورد . فیلم بعدی لوئیس «فقط دوبار زندگی می‌کنید» ـ که احتمالا بهترین فیلم وی نیز هست ـ از نظر دارابودن چاشنی‌های تجاری ،تا حالا قوی ترین و سرگرم کننده‌ترین فیلم جیمزباندی بوده است . پس ازاین، لوئیس‌فیلم «ماجراجویان» راساخت که همه‌جا به حد نصاب های کلان فروش چنك انداخت و پارسال هم پرفروشترین فیلم خارجی سال در ایران بود .

اگر لوئیس‌را یك تاجرواقعی و بسیار زیرك می‌خوانیم ، این نه صرفا بخاطر تجاری بودن فیلمهای اوست ، بلکه از جهات دیگر نیز هست فی‌المثل او که تا این زمان همه فیلمهایش‌را برای تهیه کننده‌ها ساخته بود ، وقتی فهمید که به‌راستی سلیقه روز مردم دنیا را می‌شناسد و می‌داند چه فیلمهائی باید بسازد ، تصمیم گرفت که دیگر پول بادآورده به جیب دیگران نریزد و تهیه کننده فیلمهایش هم خودش باشد . به این خاطر است که ما درتازه‌ترین‌فیلم او «دوستان» نامش را به عنوان « تهیه کننده و کارگردان» فیلم می‌خوانیم و بنا براین تمام منافع ناشی از فروش بی‌حساب این فیلم کم خرج این‌بار دیگر به جیب خود آقای گیلبرت خواهد ریخت !

اما گیلبرت هرچقدر کـه تجارت کارش را خوب می‌شناسد ، از شناخت جنبه‌های هنری کارش عاجز است و به این خاطر نه در «دوستان» و نه در کار های سابق وی ، او را در حد یك سینماگر فهیم و هوشمند و با قریحه نمی بینیم .

بقیه‌در صفحه ۳۷

خبرهای تلویزیون

مجموعه جدید و تغییرات

● «کاوشگران» عنوان مجموعه جدید تلویزیون ملی‌ایران میباشد که از این پس در روزهای یکشنبه ساعت ۲۱ از برنامه اول پخش می شود دراین مجموعه تونی‌کرتیس و راجرمور نقشهای نخست را بازی میکنند.

در ضمن دربرنامه‌های شبکه نیز تغییراتی حاصل شده که در فرصت مناسب‌تری‌درمورد آن گفتگو خواهیم کرد ، از آن‌جمله مجموعه «سرکار استوار» میباشد که از این پس همه هفته روزهای چهارشنبه بعداز پخش اخبار پخش خواهد شد.

بهترین‌ها

● بخاطرورود «اشتکهاوزن» آهنگساز مشهور آلمانی و بخاطر برنامه‌های او در ششمین جشن‌هنر شیراز از طرف تلویزیون ملی‌ایران از کلیه کارگردانهای تلویزیون خواسته شد تایك فیلم یا نوار یك دقیقه‌ای بنام او تهیه شود. در این هفته اطلاع پیداکردیم که درمیان این عده ، فیلمهای کوتاهی که توسط محمودمحمدیوسف ، سهراب اخوان ، دادگران تهیه شده بود نسبت بسایرین بهتر شناخته شده و بهمین علت پخش فیلمی که توسط محمدیوسف تهیه شده بود همه‌شب از تلویزیون ملی ایران برنامه اول و دوم، آغاز شده است.

دوستان

ذوق و هوشیاری وزیرکی گیلبرت به‌عنوان یك کارگردان‌فقط در مرحله انتخاب سوژه های مردم پسند و مد روز است و پس از آن دیگر متوقف می‌شود . از این رو ، فیلمهای وی‌همیشه‌علیرغم دارابودن سوژه هائی پرکشش و فریبنده ، ساختمان‌سینمائی‌لرزان وپرداختهائی چند گونه داشته‌اند . منباب مثال نگاه کنیم به تضاد هائی‌که درهمین فیلم «دوستان» هست . عشقی که گیلبرت بین یکزوج دختر و پسر نوجوان به وجود می‌آورد ، به اعتبار پاره‌ای از وجوه آن ، یك عشق افلاطونی می‌نماید (مثلا با توجه به کیفیت سکانسهای کلیسا و میهمانی عروسی و نظر اینها) ولی از سوی دیگر ما وجوه دیگری از این عشق می‌بینیم . (مثل آن صحنه های پورنوگرافیك معاشقه دختر و پسر) که تمامی ظرافت و پاکی و لطافت نمود های یك عشق افلاطونی را از میان می‌برد . یا آنکه به عنوان یك تضاد دیگر ، در شرایطی که فیلم در تمامی لحظات ، یك لحن شاد و راحت و سهل‌انگارانه دارد و لاجرم یك «پایان خوش» نیز می‌طلبد و از فیلمی جز این نیز نمی‌توان این انتظار داشت .

معلم و سکس

بشناساند ، باشد که ازاین راه‌دینی را که به‌خوانندگان خود درارشاد وهدایت دارد ادا نماید ضمنا وظایف چیزی بنام سندیکای هنرمندان نیز که کارت هنری برای این زنان کثیف صادر میکند بخوبی آشکار میشود وضوابط هنرمند بودن بدست می‌آید اما در مجله شما صفحه‌ای برای سینما و فیلم خوشبختانه وجود نداشت ...»

بگذریم از اینکه با این همه اطلاعات وسیع از کیفیات مطالب آن مجله «هرزه» نشان میدهدکه جناب آقای «الف الف» البته‌از روی حسن‌نیت وبرای پی‌بردن به ماهیت واقعی کار مجلات «هرزه» دقیقا و باکمال ناراحتی وجدان تمام آن مطالب شرم‌آور را مطالعه فرموده‌اند و اما تا آنجائی که لحن «محترمانه !» ایشان متوجه آن خانم و شوهر بزرگوارشان و آن مجله «هرزه» و مربوط به سندیکای هنرمندان میشود مخلص حرفی ندارم و اگر جوابی باشد خود آنها حتما به فحاشی پرازمهر ومحبت جناب «الف الف» پاسخ خواهند گفت اما وقتی ایشان‌سینما وفیلم رابطور غیرمستقیم نفی‌می‌کنند ـ آنهم دراین مقامی که دارند . من واقعا میمانم که چه بگویم وجای آن دارد که کاملا نگران شویم ، نگران بچه‌هایمان که باید تحت تعلیم استادانی‌باشند که هنوز دارای طرز فکرارتجاعی وقرون وسطائی هستند و نخواسته ویانتوانسته‌اند خود را با زمان به‌جلو بکشند و حدود و ثغور جهان‌بینی آنهااز نك‌بینی‌مبارکشان جلوتر نرفته است و مهم‌تر از همه اینکه عقده‌های روانی فراوانی را نیز باخود حمل می‌کنند .

ایرج صابری

خداحافظ رفیق

سینمای جوان و نواندیش

● سرآغاز سخن گرچه فیلم مزبور با بودجه کم و فلاکت و گرفتاری فراوان که گریبانگیر سازندگان بود ولی‌نوید دهنده یك سینمای نواندیش و متفکر و قابل بحث مفصل در باره آن می‌باشد . این بار شاهد کار یك تازه‌وارد و جوان بنام نادری میباشیم وی‌علاوه برکارگردانی در نگارش سناریو پاپپای ناصر نویدربوده این فیلم دارای ضعفهای تکنیکی و غیر تکنیکی می‌باشد که همه از سناریو آن سرچشمه میگیرد . راه رفتن و گردش در خیانها و یا آماده کردن وسایل سرقت و بطور کلی تمام مسائل قبل از سرقت اندکی کسل‌کننده و کشدار بود . جمع شدن وازهم‌جدا گشتن پرسناژها و دیالوگها همه قدری عجز و ناتوان بودند در این مرحله مثل اینکه نادری به جزئیات و مسائل قبل از سرقت اهمیت بیشتری به بعد از سرقت دارد اما برعکس تمام امتیازات و ارزشهای خوب فیلم ازمرحله سرقت‌به‌بعد شروع میشود از پرداختهای خوب میتوان نام برد صحنه گشودن گاو‌صندوق توسط سارقین و درست و خراب نمودن اسفالت خیابان بیرون هتل توسط کارگران این صحنه حاکی از دوگونه تلاش ضدهم و متفاوت بود دیگر از پرداختهای خوب که میتوان امتیاز کلی برآن قائل شد صحنه‌های زدوخورد و اکسیون که بطور طبیعی وفوق‌العاده جالب ارائه داده شده بود . قدر مسلم خوبیت این صحنه‌ها صدی هشتاد مدیون دوربین خوب‌علیرضا زرین دست و فیلمبرداری یك دست و شیك او بود .

محمدعلی حاج اکبری (قزوین)

کار گاه شادمانی

من نمیدانم این خانم و بعضی امسال اوستاره سینما هستند یا سینمابرای آنها ویترینی است تا مردان پولدار رابدام بیاندازند من چهارسال است که ازدواج کرده‌ام واین سومین بار است که شوهرم را بایك ستاره‌سینما می‌بینم . شوهرم جوان است ودرآمد خوبی هم دارد اما بعضی از این باصطلاح ستارگان او را رهانمی‌کنند بطوریکه تمام درآمد شوهرم خرج این افراد میشود و ما فقط نان بخور و نمیری داریم یکی به این از خدا بی‌خبرها بگویدلااقل دور مردان زن‌دار را خط بکشند»

وقتی این خبر در کارگاه مطرح شد ، مهندس کارگاه در حالیکه سخت دلخور بنظرمی‌آمد مثل اینکه باخود نجوائی داشته باشد گفت :

خوب ما که مهندسیم ودرآمد خوبی هم که داریم از طرفی‌متاهل هم هستیم پس چرا این ستارگان پشت ویترینی بسراغ مانمی‌آیند ! حال مهندس ، کارگاه را سخت درفشار گذاشته تا خانم «س ...» راشناخته و با او آشنا نماید و کارگاه هم تمام ستارگانی را که نامشان با حرف «س »شروع‌می‌شود تحت‌نظر گرفته است .

فروزان

های قوی و نور شدید آفتاب و بیخوابی ها و ناراحتی های دیگر از دست بدهم.خوشحالم که‌توانسته‌ام یك زندگی راحت و پرآسایشی‌برای خودم و خانواده‌ام دست و پا کنم و استغنای مالی من مرا محتاج کار بیشتری نمی‌کند و اگر هم از این پس سالی یکی دو فیلم بازی کنم بدان خاطر است که باین کار واقعا علاقمندم و نمی‌توانم از آن دل برکنم .»

فروزان ستاره محبوب و معروفی است که بادریافت جایزه سپاس بهترین بازیگر امسال، نشان داد میتواند یك هنرپیشه هنرمندنیز باشد زیباترین لحظه زندگی سینمائی خود را لحظه‌ای میداند که نامش را بعنوان برنده در شب سپاس اعلام کردند . وی باآن ژست دلپذیر و بسیار جالب خود نشان داد که **«سپاس» برای یك بازیگر سینمای ایران تاچه حد ارزشمند و جالب** میتواند باشد .

آغاز دومین هفته نمایش موفقیت آمیز ترین فیلم سال در سینماهای :

کاپری - نیاگارا - اروپا - میامی - الوند - کیهان - ری - اسکار - مارلیک - آسمان آبی - فردوسی - اورانوس و سیلوانا وسیلورسیتی (قلهک) و کسری

نصرت کریمی «درشگه‌چی» بود ، بعد رفت «محلل» شد

و حالا در نقش «حکیم‌باشی» شما را از خنده بیتاب میکند



درشهرستانها : **اصفهان** (چهارباغ - مایاک - مهتاب) **مشهد** (فردوسی - شهر فرنگ - هما)

شیراز (پرسپولیس) **قزوین** (آریا) **همدان** (پارس) **گرگان** (امپایر) **تبریز** (متروپل - دیانا)

رضائیه (نیاگارا) **رشت** (کوروش) **کرمانشاه** (آتلانتیک)

چهره‌ای که‌شکل

سعی میکردم جلوی صحنه همان باشم که کارگردان از من می خواهد و خوشبختانه در این راه زود بنتیجه رسیدم.»

بعد از آنکه آبشار طلا بنمایش درآمد، گروهی میپنداشتند که او دیگر نخواهد توانست در سینما بتوفیق دست‌یابد ، اما چنین نشد، قیافه شیطان و چهره دلنشین او سبب شد که برای بازی در نقش دختر نصرت کریمی در فیلم حکیم باشی انتخاب شود و دومین قدم او درسینما برایش موقعیت مستحکم تری بدست آورد. در فیلم حکیم باشی در کنار بازیگران باتجربه و کارکشته‌ای چون کریمی- ایرن و دیانا توانست استعداد خودرا نمایش دهد وبازی گرم و گیرائی را ارائه دهد.

«من باین‌فیلم خیلی‌علاقمندم بدو دلیل یکی اینکه واقعا در فیلم خودم بودم واز تصنع و غلو پرهیز کردم و دوم اینکه وجود هنرمندان معروف و محبوبی چون کریمی - ایرن ودیانا سبب شد که کوشش کنم بازی خوبی ارائه دهم بخصوص اینکه همه آنها بانهایت علاقه مرا درکارم راهنمائی میکردند واشتباهات مرا گوشزد می-کردند.»

بیك ایمانوردی

باشد «مرد و نامرد» «میلیونر فراری» ، «آقا دزده» « دنیای کوچك آنها» ، «مقصر پدرم بود» «علی‌بابا و چهل دزد» «داغ‌ننگ» «عذاب مرك» ، «عصیان» ، «دزد شهر» ، «جلاد» ، «دنیای پول »، عمده فیلمهای مهم او در این زمان است .

ایمانوردی میگوید :

- ... من اگر به سینما عشق می‌ورزم برای‌اینستکه بتوانم‌رضایت مردم را جلب کنم .

اوبااین‌هدف‌خیلی زودمحبوب تماشاگر میشود و سعی می‌کند این محبوبیت خود را حفظ نماید .

● سرانجام بیك از مرزهای بسته سینمای فارسی می‌گذرد وبرای بازی به ایتالیا دعوت میشود .

یکی از تهیه کنندگان‌فیلمهای ایتالیائی که مقداری عکس وفیلم-های کوتاه او را دیده بود نسبت بکار و تیپ او علاقمند میشود و برای بازی در یك فیلم ایتالیائی از اودعوت بعمل‌می‌آورد ومقدمات تهیه فیلم«صندلی الکتریکی»چیده میشود و بالاخره ایمانوردی تحت کارگردانی «میلزدین» جلوی دوربین میرود .

- ... برای شروع کار بطور دقیق صحنه هائی که از من فیلم-برداری شده بود مورد مطالعه قرار گرفت تاکارم را مورد قضاوت‌قرار دهند و اگر من بخوبی از ایفای نقش محوله برنمی‌آمدم خیلی‌زود کنار گذاشته میشدم و پس از این امتحان ، کارگردان و سایرین سخت مرا مورد تشویق قرار دادند چون در کارم موفق شده بودم .

● سال گذشته ایمانوردی در فیلم ایوب باهمه کوتاه بودن‌رلش درخشش بی‌نظیری از خود نشان داد و این در واقع نقطه عطفی بود در مسیر کارهایش .

حال او یکی از پرکارترین ستارگان سینمای ماست و هم‌اکنون فیلم «ظفر» ساخته‌ی «صابررهبر» از او روی پرده است و بیك درآن تیپ کاملا جدیدی را ارائه داده است - تیپی که دارای نوسانات فراوان ومتفاوتی است وایمانوردی بخوبی از عهده آن بر آمده است .

پارس‌فیلم

داغ که در این استودیو ساخته شد توانسته است در طی ۵ ماه اخیر پرفروشترین فیلم امسال سینمای ایران باشد وازاین نظر نیزاستودیو پارس فیلم توانسته است مقام اول را بدست آورد زیرا بطور تقریب ۳۰ درصد فیلمهای این استودیودر ردیف‌پرفروشترین‌محصولات سینمای ایران قرار داشته‌اند و هرکدام رکورد فروشی از خود بجای گذارده‌اند .

اولین سازنده فیلمهای مستند

استودیو پارس فیلم در زمینه تهیه فیلمهای مستند نیزمقام«اول» را دارا است . در این استودیوبرای اولین‌بارفیلمهای کوتاه‌مدت‌مستندی تهیه شد که تعداد آنها بالغ بر ده فیلم است امابخاطر فعالیت درزمینه فیلمهای داستانی این‌کار معوق‌ماند، اما از همان تعداد ده فیلم ۵ فیلم آن توانست از طرف سازمان هـای مسئول ، وزارت اطلاعات و شرکت ملی نفت ایران خریداری و برای نمایش بکلیه کشورهای جهان‌ارسال شود که فیلمهای عشایر ایران و اصفهان نصف‌جهان ازآن جمله‌اند که بزبانهای انگلیسی ــ آلمانی ــ فرانسه ــ عربی ــ روسی ــ اسپانیولی دوبله و بیش از پانصد کپی آن بتلویزیون‌ها و سینما های سراسر جهان فرستاده شد و از این نظر نیز خدمات صادقانه‌ای برای‌شناسائی فرهنگ وتمدن ایرانی پارس فیلم بانجام رسانده است .

مکتب هنرپیشگان پولساز و معروف

پارس فیلم علاوه بر همه خدمات صادقانه‌اش در راه پیشرفت سینمای ایران مکتبی‌برای سازندگی بوده است . بسیاری از هنرپیشگان معروف و پولساز و سرشناس‌سینمای امروز ایران و بسیاری ازکار ــ گردانان و فیلمبرداران صاحب نام کنونی کارشان‌را ازاستودیو پارس فیلم آغاز کرده‌اند و باوج‌محبوبیت و اشتهار دست یافته‌اند که از آن جمله می‌توان از این گـروه نام برد .

فردین (بافیلم چشمه آب حیات) ناصر ملك مطیعی (بافیلم واریته بهاری و غفلت) ایرج‌قادری (بافیلم چشمه آب حیات) ژاله (بافیلم افسونگر) تقی ظهوری (بافیلم واریته بهاری و ظالم‌بلا) ویگن (بافیلم ظالم‌بلا) ایلوش (با فیلم امیرارسلان نامدار) مهدوی (با فیلم شبهای تهران) دلکش (با فیلم شرمسار) ــ مجید محسنی (با فیلم مزد عشق) شهلا (بافیلم مزد عشق) محتشم (بافیلم آقامحمدخان قاجار) ــ فریبا خاتمی (با فیلم دوستت دارم) ویکتوریا (با فیلم سوداگران مرگ) سیامك یاسمی (باکارگردانی فیلم شبهای تهران) امان منطقی (باکارگردانی پهلوان مفرد) علاوه‌براین‌پارس‌فیلم نیز اولین استودیوئی بود که با تهیه فیلم یوسف وزلیخا فخرالدین را بتماشاگران سینمای ایران شناساند.

مجهزترین و پرکارترین استودیو ایران

پارس فیلم در حال حاضر بزرگترین و مجهزترین استودیو فیلمسازی ایران است . این‌استودیو در زمینی بمساحت ده هزار متر در جاده کرج قرار دارد . دارای دو سالن صدابرداری دو لابراتوار سیاه و سفید و رنگی و دوپلاتوی وسیع فیلمبرداری است . علاوه برآن در زمینی بمساحت سه‌هزار متر بناهای رفیعی برای ساختن فیلمهای تاریخی ایجاد گردیده‌است. سازمان پخش این استودیو درهر سال بطور تقریب ۱۵۰۰ برنامه‌فیلم در تهران و شهرستانها بنمایش در ــ می‌آورد و هرسال بطور متوسطبین هفت تاده فیلم در این استودیو جلو دوربین قرار میگیرد . در حال حاضر در استودیو پارس فیلم نه فیلم در دست تهیه وآماده نمایش است این فیلمها عبارتند از بابانان داد ــ عبابه وجعفر برمکی ــ اسیر ــ تولدت‌مبارك ــ جنگجویان‌کوچولو ــ آبنبات چوبی ــ سرجوخه‌جبار ــ گدای میلیونر و خیلی پروئی و احتمالا مقدمات سه فیلم تازه که در سال آینده ساخته خواهد شد تاپایان امسال آماده می‌گردد .

چنین فعالیت عظیمی درکمتر سازمان فیلمسازی در ایران وجود دارد و این نیست مگر اعتقادی که هنرمندان و مدیران پارس فیلم بکار خویش دارند و توانسته‌انددر طول ۲۵ سال فعالیت خود کوشش کنند که در همه زمینه‌ها «اولین» باشند .

پیتر باگدانوویچ

این داستان چهار آدم و یا درواقع چهار چمدان است ، چهار چمدان، که ظاهری فوق‌العاده شبیه با محتویاتی کاملا متفاوت دارند ، درچمدان دختر جوان «جودی» یك دائرةالمعارف هست ودرچمدان پسر جوان ــ که روحیه‌ائی مشابه «جودی» دارد و خل وضع (!) بنظر میرسد ــ چند صفحه برای تصنیف موزیك که با پرکردن آن امیدوار است جایزه ۲۰ هزار دلاری را بدست آورد . . . در چمدان خانم وان‌هاسکینزجواهرات فراوان ودر چمدان آقای اسمیت نامه‌ها و اسرار مخفی دولت آمریکا ... واین چهار تن به سانفراسیسکو سفر کرده ودر طبقه هفدهم هتل هیلتون این شهراقامت می‌کنند ، اما یك اتفاق‌چمدان‌های آنها را دست بدست میگردانند و حساسیتی که هریك به محتویات چمدانهای خود دارند ، سبب اتفاقات خنده‌آور و جالبی میشود که رنك و حال کمدیهای قدیم را دارد .»

این داستان را «پیتر باگدا- نوویچ ، باهمکاری دیوید نیومن‌و رابرت بنتون»نوشته است،فیلمبردار این فیلم «لازلو کواکس» است‌که پیش ازاین ازاو فیلمهائی چون «ایزی رایدر وپنج قطعه آسان» رادیده‌ایم . «باربارا استریسند» و «رایان اونیل» بازیگران اصلی این فیلم می‌باشند .

سومین فیلم پیتر باگدانوویچ این فیلمساز مستعد را به اعتبار هنرپیشگان معروفش «باربارا استریسند و رایان اونیل» ، دراین دیار بزودی نمایش خواهند داد .

نقد و منتقد

بکار نمی‌بردبرای اوتصویروسیله‌ای است برای ضبط ذهنیات و افکار دور از دسترس پرسوناژها که‌تابحال زبان تصویر به‌تنهائی از بیان آن عاجز بوده است .

می‌بینیم که آنتونیونی‌پرسوناژ های فیلمهایش را ضمن جستجوی دائمشان از مقابل ساختمان رفیع حومه شهر از مقابل خانه هائی که قرمز ، آبی یا سفید رنك شده‌اند عبور میدهد و گاه آنهارا درمقابل یك واقعه کوچك نظیر موشك‌هوا کردن بچه‌ها در «شب» یا مغازه آنتیك فروشی در «هوس ...» برای یك تفنن متوقف میسازد ، زبان سینمائی آنتونیونی زبان دیگری است که کمتر گرامر و معانی و مفاهیم و کنایات و استعارات آن باسایر زبانهای‌سینمائی انطباق‌دارد. صحنه داخل پارك در فیلم مورد بحث باآن پلانهای طولانی ولانك شاتهای پی در پی توام باصدای‌باد که در شاخ و برك درختها می‌پیچد و بعوض هرنوع موزیکی صحنه را همراهی می‌کند فقط بااین دوکلمه میتواند توصیف شود : خارق‌العاده و بی‌نظیر !

بعد وقتی تصاویر سیاه وسفید پارك را می‌بینیم که عکاس درآنجا وقوع یك جنایت را جستجو می‌ ــ کند همین صدای پیچیدن باد در شاخ و برك درختان بگوش میرسد. اهمیت افه‌های صوتی در فیلمهای آنتونیونی درست بهمان اندازه پرسوناژهاست . از سر و صدای خیابان گرفته تا صدای شیر آب در تاریکخانه و صدای باد در پارك که حالت کنجکاوی و اضطراب در بیننده القاء میکند ...»

ایرن

سینمائی دامن میزنند .

این ماجرای داغ و پرالتهاب تاچند سال سوژه روز مطبوعات‌بود تااینکه باازدواج وی بادکترشاهرخ رفیع مدیر استودیوی شاهرخ تمام سروصداها خوابید .

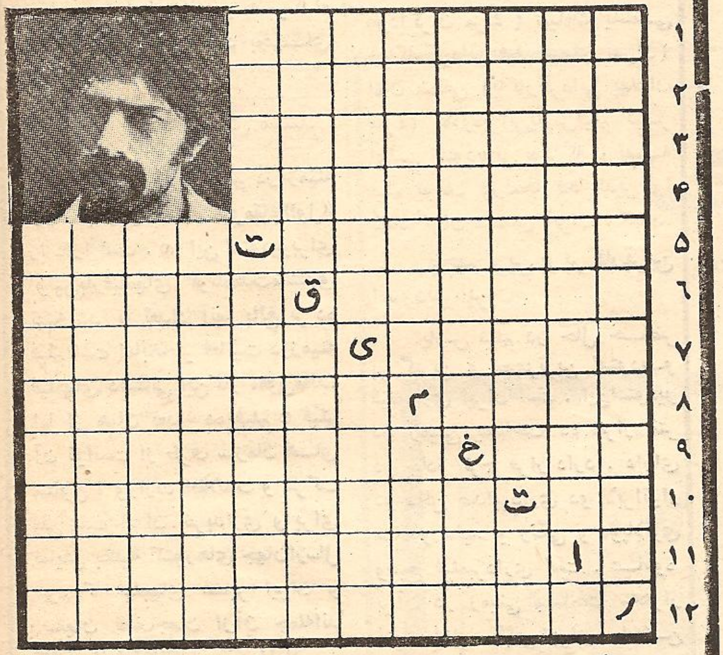
دومین فیلم او «چشم براه» نام دارد که توسط «عطاءالله زاهد» ساخته شده و در آن زمان ازکار- های خوب سینمای ایران بشمار میرفت .

ایرن علاوه برکار بازیگری مدتی هم در دوبلاژ فعالیت می‌نماید تااینکه توسط «ساموئل‌خاچیکیان» برای بازی در فیلم «قاصد بهشت» دعوت میشود .

ایرن باالخت شدن در این‌فیلم برای نخستین بار در سینمای‌ایران مسئله‌سکس راپیش می‌کشد که‌تاآن زمان سینمای فارسی بیاد نداشت.

مسابقات

جدول تقی مختار



افقی :

۱ـ نخستین ساخته پرویز نوری ۲ـ یکی از فیلم‌های موفق و پرفروش تاریخ سینمای ایران ۳ـ سازنده موزیك متن فیلم آقای هالو ٤ـ اولین ساخته منصور پورمند ٥ـ فیلمی بکارگردانی اسماعیل پور سعید وباشرکت فردین ٦ـ کارگردان فیلم پول حلال و فیلمبردار فیلمهای ایرانی ۷ـ ساخته‌ای از حسین مدنی باشرکت ایرن ۸ـ از بازیگران تپلی و زن باکره ۹ـ از بازیگران کمدی تلویزیون و سینما باتکرار حرف آخر ۱۰ـ سازنده موزیك متن فیلم حکیم باشی ۱۱ـ آکتور بزرك سینمای ایران وبرنده جایزه سپاس ۱۲ـ کارگردان موج نو سینمای ایران و سازنده‌ی قدیر.

طراح: مسعود اسماعیلیان «اهواز»

برندگان جدول شماره ۳۹۱

خانمها و آقایان:

ابراهیم مرادی ـ عباس جوادی ـ حسین کرامتی ـ مرتضی میرباقر ـ شهلا فرهودی (از تهران) جمشید پرتوی (شیراز) مراد معنوی (آبادان) ـ حمیده اظهاری (بابلسر) ـ بدری باقری (قم) مرسده توسلی (اصفهان).

برندگان جدول شماره ۳۹۲

خانم‌ها وآقایان: کاظم سعادت ـ ویکتوریا حامدی ـ صمدبخارائی ـ حسن مترصل ـ بهمن حاذق (از تهران) جمشید مهتدی (تبریز) ـ باقر مومنی (رشت) جواد برومند (ساری) قاسم مروتی (اهواز) رضا حکمت (شیراز).

برای برندگان تهران بلیط لژ و برای برندگان شهرستانها یك جلد کتاب توسط پست سفارشی ارسال شد.

از هفته آینده برندگان مسابقه هفتگی سیزده و جدول بچاپ خواهد رسید.

مسابقه هفتگی

«۱۳»

● تا اواخر شهریور ماه مسابقه سیزده که اینك مدتی است بطور هفتگی بچاپ میرسد پایان خواهد یافت و بجای آن درصددیم مسابقه تازه‌ای را آغاز نمائیم و بهمین علت از دوستان خود انتظار داریم برای ما مسابقات تازه‌ای طرح وارسال دارند البته تعدادی طرح مسابقه از قبل وجود دارد که درصورتیکه طرح قابل توجهی بدست ما نرسد از همان‌ها استفاده خواهیم کرد.

در مورد برندگان جوایز بزرك مسابقه سیزده همانگونه که هفته قبل نوشتیم در نیمه دوم شهریور ماه اقدام بمعرفی برندگان خواهیم نمود.

اینك مسابقه هفتگی ما

سیزده کارگردان وهنرپیشه را نام ببرید که حرف اول نام و نام فامیل ویکی از فیلمهایشان شبیه باشد مانند هنری هاتاوی (هفت سارق) ویلیام وایلر (وارثه)

تذکری برای دوستان

● گروهی از دوستان وخوانندگان مجله از ما درمورد مطالب و مسابقات این صفحه سئوال می‌کنند و خواستار اطلاعاتی در اینمورد هستند. عده‌ای گله می‌کنند که چرا از جداول آنان استفاده نمی‌کنیم وتعدادی معترضند که چرا امتیازات آنها بحساب نیامده است.

در پاسخ این دوستان متذکر میگردیم که جدولهای دریافتی، پس ازاینکه در پرونده مربوطه بایگانی شد، مورد بررسی قرار میگیرد وآنان که فاقد ارزش باشند از پرونده خارج مینمایند و آنگاه بترتیب نوبت اقدام بدرج جداول می‌شود، باتوجه باین امر که هرهفته در حدود ۱۰ جدول بدست ما میرسد میتوان حدس زد که ترتیب چاپ آنها چگونه خواهد بود.

در مورد امتیازات مسابقه ۱۳ باید تذکر دهیم که کلیه نامه‌های دریافتی دقیقا مورد بررسی قرار گرفته و سپس درلیست مربوطه ثبت میگردد بنابراین اگر امتیاز دوستانی بحساب نیامده حتما دلیل آن عدم دریافت نامه بوده است.

در هرحال مسابقات هفتگی ما سوای جوایز اختصاصی است و پاسخ و برندگان هر مسابقه ۵ شماره بعد اعلام میگردند. کلیه‌پاسخ‌ها باید بایك ریال تمبر باطل نشده برای هرمسابقه همراه باشد واگر شرکت کننده آدرس خود را برای ثبت در دفتر مخصوص ارسال نداشته است، آدرس دقیق خود را با پاسخ خویش همراه سازد. متشکریم.

با شرکت بیش از ۳ هزار نفر از کارمندان و کارکنان شرکت دخانیات ایران

جشن سالروز قیام ملی ۲۸ مرداد

بامداد روز پنجشنبه (بیست و ششم مرداد ماه) طی مراسم باشکوهی که در باشگاه دخانیات ایران برگزار شد.

سالروز قیام ملی ۲۸ مرداد جشن گرفته شد.

در این روز، محوطه باشگاه دخانیات ایران باطرز زیبائی‌آذین بندی شده بود و پرچم های سه رنگ ایران با چراغ های الوان‌منظره بسیار با شکوهی به محیط بخشیده بود.

در آغاز این جشن میهنی بزرگ که با حضور آقای مهندس عبدالحسین دیلمقانی مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره دخانیات‌ایران، و با شرکت معاونان و اعضای هیئت مدیره و سه هزار نفر ازکارمندان و کارکنان دخانیات تشکیل شده بود، ابتدا پس از سرود شاهنشاهی چند حلقه فیلم از جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و مراسم تاجگذاری اعلیحضرتین، و قسمتی از جشن وسرور مردم وچگونگی آذین‌بندی خیابان‌ها در روز های تاریخی مذکور و همچنین گوشه‌ای از قدرت و فعالیت ارتش شاهنشاهی به نمایش گذاشته شد.

سپس آقای ترویج نماینده کارگران دخانیات ضمن تشریح دوران نا امنی، اظهار داشت.

۲۸ مرداد، روز قیام کارگران بود. روزطلوع خورشید سعادت ملت ایران بود. ملت ایران میدانست که وقتی شاه نباشد دلها غمگین است. دل شاه آنروز پیش خدا بود و خدا آنروز دل شاه و مردم را بهم پیوند داد. شاه میدانست که ملت ایران هرگز فرزند رشیدرضا شاه را فراموش نخواهد کرد. ناگهان طوفان آغاز شد و مشت‌های بسته فرود آمد وقیام آغاز شد. قیام برای پایداری ملك و ملت و قیام برای همبستگی شاه و مردم.

کارگر عزیز امروز پیمان‌تو با شاهنشاه آریامهر ازهمیشه‌محکم‌تر است شاه ترا در سود کارخانه‌ای که در آن زحمت می‌کشی سهیم کرد و برای فرزند تو امکان درس خواندن را فراهم ساخت. تو را از مزایای بیمه های اجتماعی برخوردار کرد. کارگر عزیز پیمان تو با شاهنشاه پیمان دوستی و صفا بود.

روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دشمنان ایران سر در خاك‌فرو بردند و نفسها را در سینه حبس کردند شاه و ملت از هم جدا نخواهند شد. این را دوهزار وپانصد سال تاریخ نشان میدهد.

ما کارگران خاطره قیام ملی ۲۸ مرداد را گرامی میداریم و در سالروز قیام تاریخی دست بدعا بدرگاه خدا میداریم ومی‌گوئیم: بارالها شاهنشاه آریامهر را که چون باغبانی دلسوز است در گلستان ایران پایدار بدار.

آفریدگارا بما کارگران نیروئی بیشتر عنایت فرما تانقش خود را در انقلاب بزرك ایران بیشتر از همیشه اجرا کنیم: خداوندا موفقیت، حسادت‌بار میآورد ملت ایران را از حسادت دشمنان وافراد بخیل حفظ فرما.

در این لحظه که شکوه و هیجان این مجلس به اوج خود رسیده بود، آقای مهندس دیلمقانی پشت میکروفن قرار گرفت و ضمن پاسخگوئی به ابراز احساسات حاضران اظهار نمود بنام نامی شاهنشاه آریامهر، رهبر گرامی کشور ایران.

همکاران گرامی ــ خواهران و برادران کارگر عزیز دخانیات ایران برای من مایه کمال افتخار است که بار دیگر جشن ملی ۲۸ مرداد ــ قیام ملی تاریخی ملت ایران را به شما صمیمانه تبریك بگویم. من وقتی در جمع شما کارگران عزیز و همکاران گرامی در چنین موارد تاریخی و ملی شرکت میکنم واقعا ازاینهمه‌احساسات گرم شاه پرستی و وطن پرستی شما احساس غرور میکنم و این فریاد‌های شادی وشعف، این فریادهای جاوید شاه و این فریاد های زنده‌باد ایران که از حلقوم شما بیرون میآید نشانه عزم راسخ ملت ایران در پشتیبانی از نیات عالی شاهنشاه آریامهر است.

قیام ملی ۲۸ مرداد از آن جهت در تاریخ کهنسال کشور وملت ایران ارزش خاصی دارد که در این روز بعد از تحولات بسیار عمیق در کشور ما نهال انقلابی که انقلاب شاه و ملت نامیده میشود کاشته شد و این نهال در آنروز با خون شهدائی که ما به روان پاکشان در این محفل درود می‌فرستیم آبیاری شد. روز ۲۸ مرداد بود که تاریخ ایران‌را بکلی عوض کرد تحولی نو در کشور ما ایجادکرد، آنچنان تحول سریعی که تمام جهانیان و تمام ملت های پیشرفته را مبهوت و متحیر ساخته است.

چرا ۲۸ مرداد بوجود آمد؟ استعمار سیاه و نیرو های‌ارتجاع بین‌المللی هیچوقت مایل نبوده و نیستند کشور های کوچك، کشورهائی که دارای منافع سرشار ذخایر طبیعی خیلی غنی و گران‌قیمت میباشند در تکنیك و تمدن پیشرفت نمایند، اینها همیشه میخواستند این ملت‌ها، ملت هائی باشند بقول خودشان عقب‌مانده. دلیلش‌واضح بود، آنها دلشان میخواست منابع طبیعی این کشورها را که کشورما هم سالها پیش در زمره این کشورها بوده می‌خواستند این منابع‌طبیعی را استثمار کنند، استخراج کنند، بصورت کالا در بیاورند تا ده‌برابر، بیست برابر قیمت بما به‌فروشند ومارا به‌عنوان یك گاو شیرده مورد استفاده قرار دهند اگر این ملت ها پیشرفت میکردند. اگر به تکنولوژی جدید آشنا میشدند این بازار از بین میرفت، این بازار بود که وسائل رفاه و آسایش آن کشور های پیشرفته را فراهم می‌کرد بنا براین ارتجاع سیاه در همه حال میکوشید که روی تحول، پیشرفت، روی جنبش های ملی همیشه سرپوشی بگذارد.

وقتی شاهنشاه آریامهر بعد از تحولات بسیار شوم که بعد از سوم شهریور ملت وکشور ایران درنتیجه اشغال نیروهای بیگانه دچار آن شد امر به‌ملی‌شدن‌صنایع نفت ایران‌که ازذخایر ملی‌کشور ایران‌است ومال‌ماست فرمودند ۲۸ مرداد پیش‌بینی میشد، پیش‌بینی‌میشدکه قوای ارتجاع‌ساکت نخواهند نشست. هدف قوای ارتجاع وجودشخص‌شاه‌بود، برای اینکه آنها میدانستند خداوند متعال در وجود عظیم‌الشان شاهنشاه آریامهر آنچنان نبوغی بودیعه نهاده است که قادر خواهد بود کشور و ملت ایران را از هر مهلکه‌ای و از هرگردابی سالم بیرون بیاورد همانطور که تاریخ بعدی نشان داد. پس بنا براین نقشه این بود که شاهنشاه ایران را از ملت ایران جدا کنند، این نقشه شوم داشت عملی می‌شد و به منتها درجه موفقیت هم رسیده بود، ولی همیشه خداوند متعال حافظ کشور ایران، ملت ایران و رژیم‌سلطنتی مشروطه ایران بوده و خواهد بود.

روز ۲۸ مرداد قیام شما کارگران و افرادی که تمتع‌زیادی از امکانات این مملکت نداشتند قیام کردند، قیام برای چه؟ قیام‌کردند برای پشتیبانی از شاهنشاه، گفتند ما شاه را می‌خواهیم. این‌قیام آن سینه های بازی که بی‌اسلحه، آنروز جلوی اسلحه مرتجعین یا عمال ارتجاع‌سیاه رفتند، به عمال استعمار نشان داد که ملت‌ایران در پشتیبانی از شاهنشاه مصمم است خون خودش را بریزد ولی نمیگذارد این مملکت بدون وجود شاهنشاه حتی برای‌یك لحظه باشد. ثمره آن جانبازی و آن فداکاری انقلاب سفید شاه و ملت است اگر ملت ایران آنروزاین فداکاری را نمی‌کردند، آنروز خون خودشان را نمی‌ریختند معلوم نبود که ما وضعمان اکنون در این دنیای آشفته، در

گرفته شد

این دنیای پریشان چگونه بود ، اما ، خداوند متعال را سپاس می‌گذاریم که ما در عصری زندگی می‌نمائیم که رهبری خردمند کشتی سیاست و رهبری مملکت را اداره می‌کند .

ما هم‌اکنون شاهدیم که ظرف ۱۹ سال که ازاین قیام تاریخی می‌گذردچه موفقیت هائی نصیب ملت ایران شده است . اصول انقلاب آنچنان پیشرفتی کرده که تمام دنیا را واقعا متحیر ساخته است .

یك روز ناچار بودیم برای اینکه یك قطره از نفت ما را بخرند بدامن شرکت های نفت دنیا بکارتل های نفتی که سیاست های کشورهای کوچکتر را اداره میکردند پناه ببریم . آنها بودند که می‌خواستند سیاست داخلی و خارجی این کشورها را انشاء نمایند امروز درنتیجه این قیام و در نتیجه انقلاب شاه و ملت ما آنچنان پیشرفت کردیم که اکنون کشور ایران در سایر کشورها پالایشگاه می‌سازد ، با کمپانی های بزرك نفتی همگام شده و با مشارکت آنها درکشورهای اروپائی به اکتشاف و استخراج نفت می‌پردازد . شما می‌توانید درك کنید که پیشرفت ما در تکنولوژی در تمام رشته‌ها چگونه است . روزی‌بود که ما از یك سوزن ، یك قرص آسپرین و تا کوچکترین چیزی‌محتاج خارجی‌ها بودیم ولی امروز شما در این نمایشگاه آسیائی که مـال چند سال پیش است ملاحظه می‌کنید که صنایع ایران تا چه اندازه پیشرفت کرده است . در امر پیکار با بی‌سوادی یا با سواد کـردن قاطبه ملت ایران اعم ازکشاورز یا روستائیان شما می‌بینید کـه چه پیشرفتی حاصل شده است . در امر بهداشت . در امر رفاه اجتماعی این پیشرفت‌ها آنچنان چشمگیر است که دشمنان ایران را وادار به فکر کرده است حال عمال ارتجاع فکر می‌کنند که اگر ما با این‌سرعت پیشرفت نمائیم وضع ما تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهـر ظرف چند سال آتی بکلی عوض خواهد شد : ما هم‌اکنون البته هستیم ولی چند سال دیگر نیروی عظیمی در کفه سیاست بین‌المللی خواهیم بود . حالا دشمنان ایران بفکر افتاده‌اند که چکار کنند . با یك‌مشت عناصرخائن ، یك مشت عمالی که در خارج پول میگیرند و تربیت می‌شوند می‌خواهند امنیت کشور ما را مختل نموده ایجاد رعب و وحشت نمایند .

افراد بیگانه خواهر ومادر وزن وبچه یا افراد فامیل من وشما را بی‌گناه در کوچه و خیابان بکشند خیال می‌کنند که این چیزهـا ، عزم راسخ ملت ایران را عوض می‌کند ولی اشتباه می‌کنند این‌احساسات امروز شما مشتی است بردهان بیگانه و بیگانه پرستان . من امیدوارم که همیشه خداوند متعال بما توفیق دهد در هراجتماعی که هستیم‌فرق نمی‌کند اجتماعات دیگر مملکت صنایع دیگر مملکت یا روستائیان مملکت هم حکم همین اجتماع ما را دارند . از خداوند متعال می‌خواهم که همیشه این اتحاد را بین ما در هراجتماع حفظ نمایـد تا ما بتوانیم در اجرای نیات بزرك شاهنشاه آریامهر سهم خیلـی ناچیزی داشته باشیم .

از خداوند متعال صمیمانه مسئلت دارم که وجود عزیـز و گرامی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح ، شهبانوی نیکوکار ایران و والاحضرت ولایتعهد نور دیده ملت ایران را در کنـف حمایت خود همیشه سلامت ، کامیاب و مسرور نگهدارد سلامتی و موفقیت شما همکاران عزیز وافراد خانواده شما را از خداوند متعال خواهانم

زنده‌باد شاهنشاه ایران ـ برقرارباد ملت ایران

تلویزیون

خبرها

ضبط بگومگوی دونفره

● نمایشنامه «بگومگوی دو نفره» که با ضبط آن در تلویزیون **موافقت** شده بود بزودی **ضبط خواهد** شد. این نمایشنامه را «خسروشاهی» **بفارسی** برگردانده و در آن سودابه اسکوئی و محمود هاشمی بازی دارند.

کارگردان فنی آن «**محمود** محمدیوسف» و طراح دکور آن «هوشنگ افضل» میباشد.

بختک محمدعلی کشاورز

● «محمدعلی کشاورز» هنرپیشه موفق نمایشنامه‌های تلویزیونی قرار بود «بختک» نوشته دکتر محمد صنعتی را در تلویزیون ضبط نماید که بعلت مسافرتش بشمال جهت شرکت در فیلم «**خورشید در** مرداب» ضبط آن بتعویق افتاد.

اینک کشاورز که از شرکت در این فیلم فارغ شده است تصمیم دارد باردیگر تمرین آن را شروع کند. کشاورز ضمن کارگردانی آن در آن بازیگری دارد و فرزانه تائیدی نقش مقابل وی را بازی خواهد کرد.

آماده ضبط

● سریال جدید تلویزیون «پژواک» آماده ضبط گردید. تهیه کننده و کارگردان این مجموعه «شاه محمدی» میباشد و در آن پرویز اوحدی، اسداله منجزی، افشین شهیدی، پرویز توحیدی که کلا از هنرپیشگان **آماتور می** باشند شرکت دارند.

کارگردان فنی پژواک «سهراب اخوان» و دکوراتور آن «**فیروزه** صدری» است.

همایون اشکان در یک فیلم تلویزیونی

● هفته گذشته خبری داشتیم مربوط بیک فیلم یکساعت **ونیمی** در تلویزیون که توسط «**نظام** کیائی» کارگردانی میشود. دراین هفته مطلع شدیم که **همایون اشکان** که با فیلم «دیوار شیشه‌ای» توسط ساموئل **خاچیکیان معرفی شد در** این فیلم بازیگری خواهد داشت.

بقیه در صفحه ۳۷

الو ....
عبدالعلی همایون ؟



● **بله خودم هستم.**

● **من از مجله فیلم وهنر تلفن می‌کنم.**

● ... اوه ... سلام، چطور یاد ما کردید ؟

● **ماهمیشه یادشما هستیم.. شنیده‌ایم تصمیم دارید درسریال جدیدی بازی کنید ...**

● خیر اینطور نیست ، چون فعلا مشغول بازی در مجموعه «سرکار استوار» هستم و معلوم نیست که در سریال جدیدی بازی کنم باوجود آنکه **پیشنهاداتی نیز** بمن شده.

● **چرا ؟**

● طبیعی است که نمیتواند برای بیننده جالب باشد و ازطرفی برای خودم نیز لطفی ندارد.

● **گویا اخیرا بعضی از قسمتهای «سرکار استوار» را کارگردانی می‌کنید ؟**

● درسته، این مجموعه بوسیله چهارنفر کارگردانی میشود. صیاد ابراهیم‌زاده، نوذرآزادی و خود من.

● **ولی در گذشته اینطور نبود.**

● قبلا این مجموعه توسط گروه دیگری تنظیم میشد و اکنون توسط گروه دیگری، درگذشته با وجود آنکه سابقه من نسبت **بسایرین** در تئاتر و تلویزیون **زیادتر بود،** هرگز بخودم اجازه ندادم کارگردانی کنم. ولی چون **باصمیمیت** بیشتری کارمان را شروع کرده‌ایم،

آقایان، خانمها اینست...
تام جونز

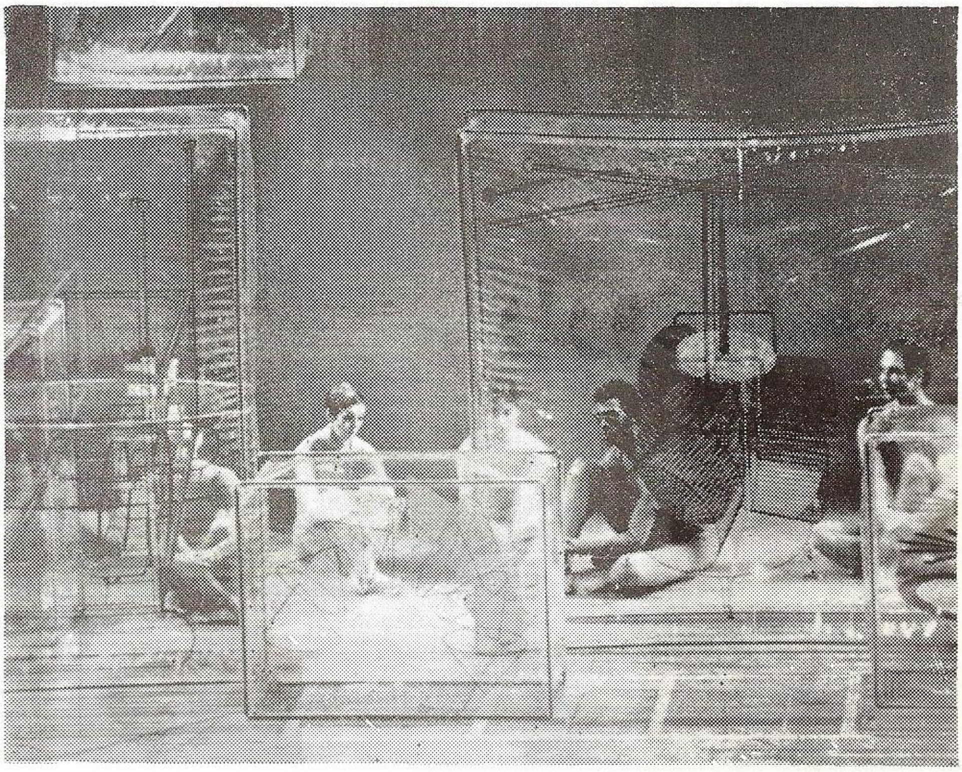


● در کشورهای اروپائی و امریکا نام «تام جونز» برای نسل نو نامی است آشنا. وی هم‌اکنون جزو یکی‌ازبهترین وپرطرفدارترین خوانندگان انگلیسی است و حتی صفحات او در امریکا جزوصفحات پرفروش میباشد. بعداز ظاهرشدن در اولین برنامه تلویزیونیش مطبوعات درباره او چنین نوشتند: **«تام جونز بسیار محرك ودینامیك است، او بیشتر بانفجاری از یك دینامیت شباهت دارد.»**

برنامه اختصاصی تام‌جونز تحت عنوان «اینست تام‌جونز» برای تلویزیون ضبط گردید و ظرف‌مدت بسیار کوتاهی جزو پرطرفدار ترین مجموعه **واریته‌ای تلویزیون** درآمد زیرا طرز تفکر و سلیقه جدید بود در **جلوه‌گری و نو**‌گرایی در برنامه‌های واریته‌ای تلویزیونی. شایدبتوان پذیرفت که یکی از عوامل موفقیت این برنامه وجود تهیه کننده ودکورها وصحنه پردازی‌های زیبا و حساب شده‌اش باشد.

میهمانان تام‌جونز در این مجموعه شامل هنرپیشگان وشخصیت های مهم و مشهور هنری هستنداز

در جشن هنر شیراز **مرس کانینگهام** طراح باله و رقص



● در سال **۱۹۲۲** درسنترالیای‌واشنگتن بدنیا آمد. پدرش که به‌وکالت دادگستری اشتغال داشت‌از نواده‌های مهاجرین ایرلندی بودو‌مادرش ریشه اسلاو داشت. علاقه«مرس» به تئاتر و موسیقی در دوران دبیرستان با یادگرفتن پیانوو رقص بارور گردید و پس از پایان تحصیلات متوسطه بمدت یك سال در دانشگاه «جورج واشنگتن» به‌تحصیل مشغول شد. سپس به‌مدرسه هنرهای‌زیبا درشهر «سیاتل» رفت. در طی دوسال تحصیل دراین مدرسه ، شبها در کلوپ‌های شبانه‌بطور آماتور میرقصید واین خود تجربه خوبی برای او محسوب میشد.

در سال **۱۹۳۸** «مرس» به‌گروه «هورتون» پیوست. این گروه‌هر‌تابستان درکالج مایلز کالیفرنیا برنامه اجرا میکرد. سال بعد درمدرسه رقص مدرن «نینگتون» بود. دراین مدرسه‌بودکه «مارشاگراهام» که‌یکی ازپیشگامان‌رقص‌مدرن بود، از وی دعوت کرد تاباگروه وی‌هم‌کاری کند. بین سالهای **۱۹٤۰ تا ۱۹٤٥** که با این گروه کار می‌کرد درچند برنامه‌آنچنان درخشید که بعداز گراهام نام او برسرزبانها افتاد.

در سال‌های **۱۹٤۷** تا **۱۹٥۱** هفته‌ای یکبار در نیویورك به‌تدریس باله مدرن و طرح باله‌ای پرداخت. و خانم گراهام نیز ازاو خواسته بود تا رقص‌هائی راطرح‌ریزی کند. این فرصت باعث شد که کانینگهام در سال ۱۹٤٥ یك رقص تکی بنام «ماجرای‌مرموز» را طرح‌ریزی و اجرا کند.

د رسال **۱۹٤٥** گروه «مارشا گراهام» را ترك کرد و خود به‌تنهائی به تهیه برنامه رقص برای خود پرداخت. در سال **۱۹٥۲** گروه مستقلی بنام خودش بوجود آورد.

«مرس کانینگهام» در طرح‌های‌باله به‌مقدمه ، پایان و رسم وقانون عقیده ندارد. در طرح رقص‌هایش دگرگونی‌های بچشم می‌خورد که خاص اوست. برای مثال اغلب موزیك با رقص متناسب‌نیست یااینکه گاه سیم‌های پیانو را بیکدیگر وصل می‌کند و روی آنهاوزنه‌ائی قرار می‌دهد در نتیجه صداهای نامانوسی از آن شنیده‌میشود. وی علاوه بر تدریس دراستودیوی خویش هر تابستان بهمراهی افراد گروه در دانشگاه‌های آمریکا نیز تدریس باله‌مدرن میکند.

در سال ۱۹٦٥ بدعوت دولت مکزیك برای تدریس باله بآن‌کشور رفت. سال ۱۹٦۰ در فستیوال ونیز بود ودرسال ۱۹٦٤ در فستیوال ورشو شرکت کرد. در سال ۱۹٦٥ در فستیوال دانشگاه بومالو وهمان سال در فستیوال فرانسه وآمریکاشرکت کرد. وامسال نیز در جشن هنر شیراز برنامه‌های ویژه‌ای با گروه خود اجرا خواهد کرد.

تصمیم باینکار گرفته‌ایم. وهمان طور که دیدید خوشبختانه کارم با موفقیت روبرو بود.

● **درسته، در مورد کارتان در سینما چه میگوئید ؟**

● فعلافیلم «استواروپاسبان» تمام شده و قرار بود در فیلم دیگری از استودیو عصر طلائی شرکت کنم که فعلا معلوم نیست. چون تصمیم دارم داستانهائی را که برای فیلم نوشته‌ام خودم جلو دوربین ببرم.

● **چطور؟ منظورتان کارگردانی است ؟**

● بله، من اکنون چهار سناریو آماده دارم که تصمیم دارم آنها را خودم کارگردانی کنم .

● **ولی در گذشته چنین فعالیت‌هائی را نداشتید؟**

● راستش حوصله اینکار را نداشتم ، ولی اکنون تصور میکنم باتجربه‌های زیادی که در زمینه هنری اندوخته‌ام بتوانم در اینکار موفق شوم.

● **فعالیت دیگر شما چگونه است ؟**

● من بعلت آنکه مسئول روابط عمومی گروه آغازگران‌تئاتر هستم، وقتم چندان زیاد نیست که بیش از این فعالیت کنم.

● متشکرم.

آن جمله کمدین‌های بزرك و خوانندگان مشهور بین‌المللی‌دیگری چون جولیت‌پراوز، تری تامس ، هرمانز هرمیت، داستی‌سپرینگفیلد، پیترسلرز، جولی درسکول، براین انگیرز، انگلبرت‌هامبردنیك، نانسی ویلسن، سندی شاو، جوئی هرتون، شرلی جونز، و ده‌ها تن دیگر که هرکدام ضامن موفقیت یك واریته تلویزیونی میباشند.

مسئول و مبتکر این برنامه «جان سکوفیلد» نام دارد که‌اینك جزو مبتکرترین و معروفترین تهیه کنندگان برنامه‌های تفریحی سبك برای تلویزیون درانگلستان میباشد.

رقص ارقام



نظری به دستمزد بازیگران سینمای ایران

● مسئله دستمزد هنرپیشه، در سینمای هرکشوری رقص ارقام است ، افزایش دستمزد در هیچ کشور فیلمسازی تابع شرایط و مقررات خاصی نبوده است ، چه بسا هنرپیشه‌ای که برای شرکت‌در اولین فیلمش پنج‌هزار دلاردستمزد دریافت داشته است ناگهان فیلم دومش را پنجاه هزار دلار گرفته وچه‌بسا بعلت شکست فیلم ویاعدم استقبال تماشاگران از او، دربوته فراموشی قرار گرفته است .

در ایران نیز چنین مسئله‌ای کاملا صادق است زیرا دستمزد کاری یك فرد را اگر در مقابل هشت ساعت کار حداکثر ساعتی پانصد ریال محسوب داریم بیش‌از روزی چهارهزار ریال نمی‌شود و برای یکماه کار که معمولا برای تهیه هرفیلم اختصاص داده می‌شود بیش از یکصد وبیست هزار ریال نمیگردد ، حالا چرا بخاطر این یك ماه کار هنرپیشه‌ای موفق می‌شود بیش از ده‌برابر و شاید هم بیست برابر پول بگیرد ، این دیگر مسئله محبوبیت ، تجارت‌و پولسازی را بمیان می‌آورد . تا قبل ازفیلم پرفروش گنج قارون دستمزد هنرپیشگان در ایران‌بیش ازدویست هزار ریال نبود و تنها سه بازیگر موفق آن روز فردین‌ـ ملك‌مطیعی و آرمان که از شهرت ومحبوبیت خاصی برخورداربودند تصمیم گرفته بودند که دستمزدخود را ازاین رقم کمتر نگیرند ، اما فروش سرسام‌آور و غیرمترقبه‌فیلم گنج قارون همه معیارهای تجاری رادرسینمای ایران برهم زد وسبب شدکه تغییرات فاحشی در دستمزد هنرپیشگان پدید آید که هنوز هم ادامه دارد وبقول معروف کسی‌هم جلودارش نیست . در ایران نیز برعکس همه کشورهای فیلمساز جهان که فیلمسازیش تابع هیچ مقررات وشرایط خاصی نیست‌مسئله دستمزدها نیز چنین است . برای مثال وقتی فیلم عظیمی چون کلئوپاترا باسرمایه چهل میلیون دلار جلوی دوربین میرود هنرپیشه نخست آن الیزابت تایلور بیش از یك میلیون دلار یعنی یك چهلم فیلم را بیشتر دریافت نمی‌کند در حالیکه در کشور ما برای یك‌فیلم متوسط در حدود سی درصد مخارج فیلم را هنرپیشه اصلی فیلم دریافت میکند ، البته هنرپیشه خود را در اینمورد ذیحق میداند زیرا معتقد است اگر فیلمی فروش کند، این فروش بخاطر بازی او در فیلم است ، چه‌بسا وقتی فیلمی از یك بازیگر پولساز ساخته میشود و با فروش سرسام‌آوری مواجه میگردد اگر بایك هنرپیشه غیر معروف ساخته شود سخت از جهت تجاری